

۲ جشن نقد



برگزیدگان یک جشنواره

۸ مرور کتاب



راه‌ورسم مرور نویسی

۸ فرآیند نوشتن



چرخشی یا خطی؟

۹ نگاه جهانی



درباره آلبیر تو مور او یا

مطالعات فرهنگی

نظرات خشیایر دهیسی مترجم، محمد قائم روزنامه‌نگار و مترجم انگلستان اتفاق افاد فضای سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی آن دوره. بعد از جنگ جهانی دوم - دولت رفاه، کم شدن تمایزات طبقاتی، تولید صنعتی سرمایه‌داری، فرهنگ آمریکایی در حال جهانی شدن برای تولد این رشته سنتی مناسب را فراهم آورد صنعت فرهنگ، نقد فیلم، خرد فرهنگ‌ها، نقد متون رسانه‌ای، جامعه‌شناسی بدن، جامعه‌شناسی هویت، فرهنگ جوانان، قدرت دختران، فرهنگ خرید و پروری جوج‌ها، نقطه‌ها از موضوعات مورد توجه در این رشته بوده است.

نکته جالب توجه دیگر در روند رشد این حوزه شکل‌گیری مکاتب و رویکردهای مهمی از درونش چون لمبیت‌ها و تحلیل‌های لمبیت‌ها از فرهنگ (آنچلا مکتوبی، داین آبی و...)، ساختارگرایی، مردم‌شناسی و زبان‌شناختی (سوسور و...)، انسان‌شناسی ساختارگرایانه (لوی اشتروس و...)، پساساختارگرایی (دریدا و...)، پسادریسم (پوشار و...) و همچنین گرای (لوی و...) بوده است که نشان‌دهنده آن است که به‌طور این حوزه توانست درجه‌های متنوع و جالبی را برای مطالعه بیشتر جامعه‌انسانی بر روی محققان بگذارد. در این گزارش با بررسی زمینه‌های ایجاد این حوزه در ایران و جهان به ضرورت نگاه تخصصی‌تر به این حوزه در راستای تولید و تألیف کتاب‌های مربوطه پرداخته‌ایم.

منتشر شد
 نماز

پژوهش‌های قرآنی

دیدار با مدیر اجرایی مجله آینه پژوهش ۱۹

متغیرهای اقتصادی و ارتباطی نشر

در گفت‌وگو با
 عبدالحسین آژنگ ۶

کتاب در سیاست علمی

گفت‌وگو با مسعود صبرایی
 معاون مرکز سیاست علمی کشور ۲۲

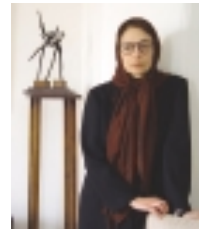
گفت‌وگو با رضای، مترجم

مؤلفه‌ها و مسیر طی شده مدرنیسم

حرف‌های ثمیلا امیرابراهیمی: نقاش

برای گسترش مخاطبان

ثمیلا امیرابراهیمی، دارای دو مدرک دانشگاهی است؛ کارشناس حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران و کارشناسی هنرهای زیبا از دانشکده هنرها و صنایع دستی کالج فریا. اما به نظر می‌رسد که این مدرک دومی، سهم بیشتری در زندگی او داشته است. او سال‌هاست که نقاشی می‌کند. حتی دوره‌ای که دانشجوی حقوق بود و نمایشگاه‌های متعددی داشته است.



انتشار علمی و فرهنگی

مؤلفه‌ها و مسیر طی شده مدرنیسم
 نمایندگان بین‌المللی کتاب

اهم‌های صنایع اسلامی
 دیوان سمالاری در ایران
 فلسفه معاصر اروپایی

معاون مرکز سیاست علمی کشور
 دیوان سمالاری در ایران
 فلسفه معاصر اروپایی

www.ketabkhooneh.com - email: info@ketabkhooneh.com

اوزه نقدنویسی این است که بیشتر نقدنویسان ترجیح داده‌اند با نام مستعار نقدهای خودرا انتشار دهند. انتخاب نام‌هایی چون ابوالخیر و شریف نیز گویای آن است که نقدنویس می خواسته حسن نیت خود را یادآور شود. اما پاسخ ناشایست او را وارد جنگ و جدل قلمی کرده است.

قاسمی سپس با اشاره به برپایی نشست های نقد اظهار کرد: در سیه‌دم روزنامه نگاری ایران بسیاری ترجیح داده‌اند به جای چاپ نقدهای خود در نشریات، نشست های نقد برپا کنند تا منت نقد مجالی احیا شود و گزارش چند نقد ظهورحانه‌ای در مطبوعات عهد ناصری به چاپ رسیده است.

وی ادامه داد: از آغاز دوره مظفری تا پایان عهد قاجار گوشه‌های از سوی فرنگ‌رنگان، زباندانان، ادیبان و روزنامه‌نگاران برای نقد پرداخته شد. ولی سطح سواد عمومی اجازه نمی‌داد این گوشه‌ها به بدنه جامعه سرایت کند.

قاسمی درباره نقد دو دهه نخست قرن حاضر اظهار کرد: در این دوران قلمداران بیش از نقد به فکر نگارش کتاب بودند و اکثر نقدها در آن دو دهه یکسو نگانه است و باستانگراییان چون زمینه را مساعددیدند به قلم فرسایی از منظر خود پرداخته‌اند.

وی تصریح کرد: در دهه های مختلف و در تمام نشریات نقد کتاب بیوزر در سرفصله های شماره‌های نخست به این نکته اشاره شده: نقد آثار ادبی و هنری در ایران از مفهوم حقیقی خود بی‌وزر افتاده و اصولاً نقد رواج گامی پیدا نکرده است.

نقدی به وشم همه این نوصیه‌ها در نشریات باز نظریظ و تحریب خواننده‌ایم و به جای نقد آثار، نقد انحصامی دیده ایم.

قاسمی سپس اشاره به گذشت یک و نیم قرن از نگارش نخستین نقد گفت: امروز شاهد برگزاری نخستین جشنواره نقد کتاب در ایران هستیم. این جشنواره در پربرگ‌ترین و ان‌شالله پربرازترین دوره کتابگرایی در تاریخ ایران برپا می شود و در ادامه تلاش‌هایی است که از حدود ۱۲ سال پیش با تأسیس خانه کتاب شروع شد.

وی افزود: نقد و قیمت‌گوش‌های که در دهه اخیر در زمینه اطلاع‌رسانی و نقد کتاب انجام شده، زمانی معانی گسترده در فرهنگ ایران عزیز پیدا می‌کند. فعالیت‌های مرتبط با کتاب را از آغاز چاپ کتاب و گذر شصت نشر در ایران مرور کنیم. وی انتشار پیش از پنجاه عنوان نشریه در زمینه‌های مرتبط با کتاب در ایران را بی‌سابقه دانست و اظهار کرد: آثاری که درباره کتاب در دهه اخیر منتشر شده و رواج کتاب‌پژوهی‌مخنین برابره تاریخ ایران است. فقط در زمینه نقد ادبی در دهه اخیر بیش از یکصد عنوان کتاب به چاپ رسیده. گوشه‌آموز نیز در ادامه همه این تلاش‌هاست.

وی درباره نخستین جشنواره نقد کتاب تأکید کرد: دیرخانه جشنواره نقد کتاب در سال جاری در خانه کتاب تشکیل شد. همکاری برنامه‌ریزی این جشنواره تصمیم گرفت برای دوره اول از میان نشریاتی که به کتابگرایی و کتاب‌پژوهی می‌پردازند، فقط نشریاتی که فلسفه وجودی و تمام‌محتوایشان اختصاص به نقد کتاب مورد داوری قرار گیرند.

وی در پایان تصریح کرد: به مناسبت برگزاری نخستین جشنواره نقد کتاب، برشمش درباره وضویت نقد کتاب در ایران طرح شد که ۸۳ صاحب‌نظر برجسته پاسخ داده که در روزنامه‌های کتاب‌هفته به مناسبت هفته کتاب بعضی از این اظهارنظرها چاپ شد.

مجموعه ۸۳ پاسخ‌ماه آینده از طرف خانه کتاب

در یک مجلد منتشر خواهد شد.

عبدالعلی دستغیب
فرهنگ ماحافظه کار است
فرهنگ ماحافظه کار است و ترجیح می‌دهد به جای آنکه گفته شود، ساکت بماند یا اگر گفته می‌شود، پوشیده باشد.
عبدالعلی دستغیب، مترجم حسن بیان این مطلب گفت: تا آغاز قرن بیستم مفاهیم نسبیت‌ناایی از رشت و زینا و... وجود داشت و در ایران هم علاوه بر نقد شفاهی، نقد به طرز کلی حضور داشت.
وی نقد را سنتی یک اثر خلافته بر حسب اصول پذیرفته شده تعریف و دیدگاه تئوسری و نتیجه را فریازه نقد تشریح کرد.
دستغیب در پایان سخانش تأکید کرد: نقد کار پرسرولویی است و باید به اثری که نقدی می‌کنیم اشراف کامل داشته باشیم.

حجت‌الاسلام سلطانی:
نقد اندیشه را از نقد سیاسی جدا کنیم
سید آژده کتیم و حجت‌الاسلام و المسلمین سلطانی منتقد کتاب‌های دینی حسین بیان مطلب فوق، بسط‌نقد به مانی قلمی، نقد و بررسی مسلمات، رواج نقد گروهی و نقد روش‌های پژوهشی را از دیگر کارهایی دانست که باید در حوزه نقد کتاب‌های دینی انجام داد.

وی با اشاره به تاریخ طولانی نقد اندیشه در بین مسلمانان گفت: از زمان ائمه و بعدها که مذاهب فراوان به



وجود آمد نقد وجود داشت و آثاری در نقد گرایش‌های دینی نوشته شد.

سلطانی نمونه‌ای از این نقدها را برشرد و اظهار کرد: بعد از ائمه نقد ادامه داشت تا زمانی که علما بر کتاب‌های بگنیدگر نقد می‌نوشتند.

وی با اشاره به گذر شش دهه از پیروان تئوسری در حوزه‌های علمی دین و حوزه‌های تئوسری در خارج از حین روش استفاده می‌کرد.
پهناخت و... رواج یافت نقد گروهی نقد نوشته می‌شد ولی نقد با مفهوم امروزی بیشتر در عصر پهلوی به وجود آمد.
وی نقد سال‌های قبل از انقلاب را براساس

دیده‌نویسی در حوزه‌های علمی دین و حوزه‌های تئوسری در خارج از حین روش استفاده می‌کرد.
پهناخت و... رواج یافت نقد گروهی نقد نوشته می‌شد. بعد از انقلاب بحث نقد گروهی شد تا زمانی که در دهه هجده، نقد کتاب چاپ می‌شد.
فرهنگ هجده را اولین مجله‌ای که برشمرد که اختصاصاً در حوزه نقد کتاب وارد شد و گفت: این نقدها ابتدا خیلی دقیق نبود و به ساختار می‌پرداخت و هر چند موجب ناراحتی می‌شد ولی با مرور زمان جای خود را باز کرد.

سلطانی تصریح کرد: هر چند توفیقات این عرصه خیلی خوب بوده ولی هنوز به ایده‌آل نرسیدیم و کار



عظیمی پیش روی مسلت.

وی رسیده‌ان به نقد اندیشه از نقد ساختاری و زیاد شدن نقدها از نتایج این حرکت برشرد.

احمد مسجدجامعی:

هزینه اجتماعی نقد در ایران بالاست
هزینه اجتماعی نقد در کشور ما بالاست که شاید

ادب شرقی، اقتضای می‌کند.
احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن بیان مطلب فوق اطلاع‌رسانی و بررسی نقد و روش آنرا در هدف تأسیس خانه کتاب برشمرد و گفت: حوزه اطلاع‌رسانی با همه دشواری‌های این نشر نقد مشکل بود ولی به دلیل هزینه‌های اجتماعی در نشر نقد دشواری‌هایی داشتیم و راه‌های مختلفی را تجربه کردیم.

وی نشست‌های خانه کتاب را به منظور یافتن شیوه‌ای برای نقد با حضور نویسنده دانست و اظهار کرد: اثبات حسن نیت دشوار بود ولی با گذشت زمان بیان ظرایف و نکاتی است که به درک بهتر کمک می‌کند.

وی افزود: به این ترتیب زمینه‌ای پیش می‌آید که قبل از انتشار به نقد بپردازیم که با فناوری‌های تکنولوژی‌های امروز امکان آن است و به این صورت اثر ایده‌آل‌نر منتشر می‌شود.

مسجدجامعی این فضای مبارک را پایه و بن همه علوم فرهنگی برشمرد و تأکید کرد: امکان رشد بدون نقد نیست و در دنیای پرتحول امروز لازم توسعه دانیی نقد است. نقد علم وجه تکمیلی نیست به هم دارند و در اجرا هم چسبکی می‌بازد از نقد نیست ولی نقد نباید به افرام دیگر آفته شود.

وی ادامه داد: آنچه در این مجموعه دیدم و توبه‌بخش است این است که نقد جایگاه خود را یافته است و جوانان با بهره‌گیری از علم و دانش استادان نقد‌های خوبی ارائه داده‌اند.

وی با اشاره به نسل جوان و با نشاطی که وارد عرصه نقد شده گفت: زمینه و بستری که سال‌ها فراهم کردیم اکنون به بالذگی رسیده و جامعه منتقدان را رقم می‌زند که می‌تواند به غای عرصه‌های فرهنگ کمک کند.

وی تصریح کرد: حالا باید دانیم در حوزه‌های مختلف در کجا ایستاده‌ایم. چه چشم‌اندازی پیش رو داریم و چگونه از ظرفیت‌های حضور جهانی می‌توانیم استفاده کنیم به طوری که امکانات در دسترس تمامی اهل علم قرار گیرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش جمع حاضر در تالار بهتوون خانه هنرمندان را جمع مبارکی برشمرد و اظهار کرد: در طول سال‌های فعالیت خود شاهد چنین جمعی نبودم.

وی در پایان خواستار تشکیل تشکلی منتقدان شد و از دیرینه جشنواره و نقدها را برگزیده حواست‌نست به ثبت و یادآوری این شکل‌گفتم.

نتیجه یک پژوهش

نکاهی به ابعاد اخلاقی نقد

اخلاق نقد منتشر شد

سازندگی نقد و نقش آن در رشد و کنال فرد و جامعه و شکوفایی دانش، با اینکه مقول همگان است اما نطنی آن وجود داشته علت هراس افراد بسیاری بوده و هست.

نقد بکارها به مثابه محرک برای کوشش زقیب و نقد‌نگاشتی مورد استفاده و سرمایه‌گذاری واقع شده است. از این رو: غایب‌گسور، ناخوشایندی از آن داوید کتاب اخلاقی نقد نوشته سیدحسن اسلامی بر آن است تا اندکی از این بار مثنی را از کف بگذارد.

کتاب حاضر می‌گوشد ابعاد اخلاقی نقد را باکاود و کارگوشش کند. دریافت نویسنده، با تحلیل مفهوم نقد در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی آغاز می‌شود. وی با بررسی انتقارات رایج از نقد و کارکرد آن نشان می‌دهد که بسیاری از این انتقارات پیش از آنکه به سوء نقد باشند، در حقیقت نقد را از کارگرزوداضعی آن باز می‌دارند و به نفع اطلاع‌رخته‌های اخلاقی نقد را یادیده می‌گردد. اخلاقی نقد پیش از نشر به عنوان پژوهش برتر از سوی دیرخانه بین‌پژوهان کشور در کتاب سال ۱۳۸۲ برگزیده و معرفی شد. اخلاقی نقد توسط دفتر نشر مهرگنبد، و معرفی شد. ۱۷۲ صفحه‌صحت‌نشر شده است.

کتاب نقد و نظ

کتاب نقد و نظر منتشر شد. مجله نقد و نظر که در حوزه فلسفه و کلام منتشر می‌شود به تلاکی ویس از رفقه‌ای که در انتشار آن شاهد بودیم، به صورت سالنامه منتشر شد.

نقد و نظر که با طرح مسائل کلیه و زیاده‌های نآمد سعی در تقریب ژرف‌نگاری و کمینه‌بودی در عرصه دین‌پژوهی داشت، با طرح دیدگاه‌های جدید و نقد‌های علمانه در قلمرو مسائل دینی، سعی بر آن داشت تا با نقد جدی و باخوایی اندیشه‌های فلسفی، کلامی و دینی خود را در معرض دید خوانندگان فریخته قرار دهد و آورده‌گاه حدی نظر باشد.

نقد و نظر گوشش کرد با تعمیق و تقویت پژوهش‌های فلسفی، کلامی و فلسفاندانان مسائل جدید در حوزه دین‌پژوهی، ارتان نقد‌های عقلی و عقلی را از وظایف متفکران پاسخ‌گویی به پرسش‌های فلسفی، کلامی، عقلانی‌سازی اندیشه دین و تعمیق آن و تلاش و وارد ساختن دین به عرصه زندگی علمی و واقعی، با به عرصه مطروعات کشور گذارد و البته برودی جایگاه خود را پیدا کرد و از جانب صاحبان‌نظر قبول یافت.

نقد و نظر در طول حیات خود روزنامه‌ای مبتدا، مابنی اقتصاد، دفاع عقلانی از دین، بخش‌نگار زمان و مکان در انجمنه، انتقاد پیش از دین، فرهنگ سیاسی، کلام در روزگار ما، دین و عدالت، فلسفه نقد اخلاقی و دین، سنت‌نگار سنت و جدده، تجربه دینی، دین و عقابله، هنر آواز و حکمت امام خمینی و معنای زندگی، دانش روز، آمانت کرده است.

سالانه ۱۳۸۲ نقد و نظر با آثاری از اوی‌ای، آدام‌والتروئری، انیسین، دینان اسماوت، هومین، سیمینه، متیوز، متوز، تانس، نیگل، کیت واری، لویس، طیار، فریز، سوزان، رفله؛ دویید، نیگلر؛ جان هیک، فالمرضا، افرونی، مصطفی مشکای؛ محمد لنگتوس؛ حمید شهریار؛ فالاحسن توکلی؛ هادی صادقی و سنکری سلیمانی منتشر شده است.

نقد و نظر در آینده توسط مهدی قلمی و سپس اکبر قهری تا شمار ۲۸، هزار و منتشر می‌شد. جدید آن به همت علیرضا آل‌بویه منتشر می‌شود.



نوجوان کتابخوان هشت استان در مراسم روز

کتاب، کوکد و نوجوان» معرفی شدند.

به گزارش خبرنگار کتاب هفته ۱۳۹۲سرو ۱۱دختر نوجوان از استان تهران و هفت استان همجوار پایتخت که در نشن ماهه اول اسال پیشتر کتاب را خوانده بودند، مورد تقدیر قرار گرفتند.

در این مراسم از آرمان حسین‌پار، کلاس دوم راهنمایی از استان گلستان، شهرستان گرگان و مرصیه سهیلی از استان مرکزی، شهرستان ساوه به عنوان بهترین‌ترین دختر و پسر کشور تقدیر شد.نوجوانان استان‌های تهران، گلستان، قزوین، گیلان، مازان، سمنان، زنجان و مرکزی آمده بودند.

کتابخوانی از سر آگاهی است

قاسم کریمی، معاون فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتاب و کتابخوانی را از سر علم و آگاهی دانست و گفت: در جامعه‌ای که دانش و آگاهی ارزش و منزلت داشته باشد، کشور در مسیر پیشرفت و شکوفایی قرار می‌گیرد و اگر در جامعه‌ای دانشمندان گوشه‌نشین باشند و کتاب و دانش ارج نداشته باشد، این کشور از مسیر پیشرفت به دور خواهد افتاد.

نوجوانان کتابخوان معرفی شدند



مطالعه منابع غیردرسی به ما دهد»

محسن چینی‌فروشان، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این مراسم با بیان این مطلب گفت: بسیاری از خانواده‌ها در پرداختن فرزندانشان به مطالعات غیردرسی تردید دارند و تصور می‌کنند مطالعه این نوع کتاب‌ها در روند آموزش وی افزود: شاید در کشور ما آمار دقیقی درباره تأثیر مطالعه غیردرسی بر روند آموزش دانش‌آموزان وجود نداشته باشد، اما نتایج تحقیقات در کشورهای مانند فرانسه و ژاپن نشان داده است بچه‌هایی که کتاب‌های غیردرسی مطالعه می‌کنند در درس‌هایشان موفق‌ترند

چینی‌فروشان با تأکید بر اینکه تجربه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در بیش از ۶۵۰ مرکز نشر در سراسر کشور این نتایج را در کشور ما نیز تأیید می‌کند، روز کتاب، کوکد و نوجوان را فرصت مناسبی برای پرداختن به موضوعات عمیق‌تری در زمینه ادبیات و نشر کتاب و کتابخوانی دانست. در ادامه مراسم، بچه‌های کتابخوان با حضور مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران و سایر استان‌ها، به معرفی خود و شرح فعالیت‌هایشان پرداختند.

دانش‌آموزان فرصت‌های مطالعاتی

بیشتری می‌خوانند

نظام آموزشی رسمی کشور باید فرصت‌های مطالعاتی بیشتری برای دانش‌آموزان فراهم کند و به

دو نوجوان گرگانی کتابخوان ترین دانش‌آموزان ایران

دو نوجوان گرگانی هم‌زمان با دوازدهمین دوره هفته کتاب، به عنوان

کتابخوان ترین دانش‌آموزان ایرانی معرفی شدند و مورد تقدیر قرار گرفتند.

آرمان و عرفان حسین‌پار، دو برادر گرگانی از مقطع راهنمایی، به ترتیب

با خواندن ۵۰۹ و ۵۰۲ عنوان کتاب در شش ماهه اول سال جاری در میان

تمام اعضای مراکز کانون در سراسر کشور برترین کتابخوان‌ها شناخته شدند.

از دیگر کتابخوانان برتر کشور نیز با هدف تشویق کودکان و نوجوانان

به مطالعه کتاب در آیین‌های جداگانه‌ای در استان‌های مختلف کشور

تقدیر شد.

در میان برترین اعضای کتابخوان مراکز کانون در دوره راهنمایی، سه

پادربان کرملی در مرکز نشر میراث مکتوب

بیست و سومین نشست از سلسله نشست‌های علمی و مباحث مثن‌پوهی مرکز نشر میراث مکتوب با رونمایی و نقد و بررسی کتاب استاد پادربان کرملی «نهم آفرمه در این مرکز گرگانه»

استاد ایچ افشار، رحمت‌الاسلام رسول جعفریان، دکتر منوچهر ستوده و دکتر منصور صفت گل در این نشست سخنرانی کردند.

کتاب «آشنای پادربان کرملی» شامل ۱۳۰ سند از فرامین و نکات پایتک پتک گروه موسسه، ه همین نام است که در عصر شاه‌عباس صفوی برای تجارت و تبلیغ مسیحیت به ایران آمده بودند.

این کتاب براساس تنها نسخه ترجمه فارسی این استاد که در کتابخانه تاپیل نگهداری می‌شود به چاپ رسیده است.

بزگرداشت دکتر غلامحسین یوسفی امروز برگزار می‌شود

آیین برگزاری نشست‌ها در کنار غلامحسین یوسفی به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی عصر امروز (چهارم آذر) برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این آیین که به مناسبت چهارمین سالگرد گذشتن این استاد دانشگاه فردوسی برگزار می‌شود از خدمات او به زبان و ادبیات فارسی تقدیر به عمل می‌آید.

این آیین از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ امروز در تالار اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی واقع در خیابان ولیعصر، پل امیریهادر، خیابان سرگرد بشیری، شماره ۱۰۰ برپاست.

تسلیمت
چناب آقای دکتر ناصرالدین پروین <p>درگذشت مادر گرامتان را تسلیت می گویم. کتاب هفته</p>

دختر کرمانشاهی به نام‌های سمیرا سلیمانی، مهتاب زبّان و مریم نجفی مقام‌های سوم تا پنجم را به خود اختصاص داده اند.
نفر اول دانش‌آموزان کتابخوان سال‌های اول و دوم دبیرستان (گروه سنی ۹) نیز پسرکی گچسارانی به نام میثم نجاشی است که با مطالعه ۳۱۸ عنوان سنی

در جایگاه نخست در میان اعضای کانون در سراسر قرار گرفته است.

پس از او نام‌های مرصیه مهدی‌پور از رابر کرمان، سعید ایرانی از کرمانشاه،

سمن قنقازی از صحنه، میترا ژاد صمدی و معصومه بابایی هر دو از لنگرود در

مکان‌های دوم تا پنجم جدول برترین اعضا کتابخوان کانون به چشم می‌خورد.

آشنایی زنان فارسی‌زبان با مسائل چاپ و نشر

کارگاه کارآفرینی زنان با عنوان صنعت چاپ و نشر طی روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه هفته گذشته در

باشگاه شهروندان جوان واقع در پارک نظامی کنجوی برگزار شد.

فهیبه عجمی مسؤول باشگاه شهروندان جوان در این باره گفت: این کارگاه با هدف آشنا کردن زنان با مسائل چاپ و نشر از طرف مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران و با همکاری شبکه جوامع زنان فارسی‌زبان برگزار شد و طی آن موضوعاتی چون نشر و انتشارات، الگوهای نشر، تجربه نشر، مدیریت و برنامه‌ریزی نشر، ویستاژی، فرآیند تولید شامل حروف نگار، بازخوانی، تولید فنی چاپ، لیتوگرافی، جلد، تهیه اوزالیه، آشنایی با نرم‌افزارهای چاپ و گرافیک و… توسط دانشران برتر و نمونه کشور مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در این کارگاه سه روزه شرکت‌کنندگان و مهمانان از استان‌های کشور و تعدادی کشور‌های همجوار چون افغانستان، تاجیکستان و… جهت آشنایی با صنعت چاپ حضور داشتند.

دو خبر از شهر کتاب

نمایشگاه کتاب پاپیرو و سلسله سخنرانی‌های محمدعلی اسلامی ندوشن

برنامه‌های شهر کتاب در آفرماه است.

در نمایشگاه کتاب پاییزه که تا بیست و هفتم آفرماه برپا است، ۱۵۰۰۰ عنوان کتاب سال ۲۰۰۲ عرضه شده است. این کتاب‌ها که بعد از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خریداری شده‌اند، با تخفیف ویژه به فروش می‌رسند.

علاقه‌مندان می‌توانند اطلاعات کتاب‌های موجود در نمایشگاه را از طریق پایگاه اینترنتی *www.nourbooksite.com* مشاهده کنند.

سلسله سخنرانی‌های استاد محمدعلی اسلامی ندوشن با عنوان «ایران در گذر تاریخ» از دیروز (جمعه) در ساختمان مرکزی شهر کتاب آغاز شد.

این سلسله سخنرانی‌ها هر جمعه ساعت ۱۰ صبح و در ۱۲ جلسه هفتگی انجام می‌شود.

کتاب

زمان سنگی

«پایتس ریسنوس» بلندآوازه ترین شاعر یونانی و یکی از محبوب‌ترین شاعران خارجی در ایران است. او را همواره در کنار شاعران بزرگی چون پل اوار، ناظم حکمت، بابایزاده، فدایریک گارسیا لورکا، ولادیمیر مایاکوفسکی و تی اس الیوت ستایش می‌کنند و

بزرگ می‌دانند. فریاد مجموعه‌ای از اشعار این شاعر بزرگ را ترجمه کرده است که نشر ثالث با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگویی لندن، آن را به چاپ رسانده است. «زمان سنگی» تقویم کامل تجدیدپایس ریسنوس و همچنین نامه‌هایی به ژولیو گوری را نیز به همراه دارد. نشر ثالث «زمان سنگی» را همراه با متن یونانی اشعار یا شمارگان ۲۲۰۰ نسخه را می‌بازار کرده است.

توسط رئیس‌جمهوری

پژوهشگران برتر حوزه دین

تجلیل می‌شوند

کهبان پژوهشگران برتر حوزه دین از سوی رئیس‌جمهور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تجلیل قرار خواهند گرفت.

به‌خیرنگاران گفت: مراسم تجلیل پژوهشگران برتر حوزه دین ۲۳ آفرماه در اسفهان برگزار خواهد شد. محمدجواد صالحی افزود: کشور ما در سال‌های اخیر در زمینه پژوهش‌های ارشد، تکلیف نوجهی برخوردار بوده و در مرصه علوم دینی رشد کمی و کیفی بسیار چشمگیری داشته است.

وی با اشاره به وجود ۲۰۰ مؤسسه پژوهشی در قم گفت: بسیاری از این مؤسسات فعال هستند و این امر در رشد کمی و کیفی پژوهش بسیار مؤثر بوده است. محمدجواد صالحی خاطرنشان کرد: در سال جاری در مجموع بیش از ۲۵۰ پژوهشی در زمینه حوزه دین پژوهان کشور ثبت شده است که پس از بررسی‌های لازم ۱۳۳ اثر واجد شرایط شناخته شده و به مرحله دوم داوری وارد خواهند شد. وی همچنین پژوهش‌ها را در زمینه فقه و حقوق دانست و گفت: از میان پژوهش‌های برتر متناسب با توان دبیرخانه و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجموع ۲۰ اثر به عنوان پژوهش‌های برتر دینی سال انتخاب و از پژوهشگران با اهدای لوح تقدیر رئیس‌جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و هدایایی تجلیل به عمل خواهد آمد.

شعبه فرهنگستان ادب فارسی

در تیریز

تیزها شعبه فرهنگستان ادب فارسی بزودی در

تیریز گشایش می‌یابد.

علاطفی حداد عادل، رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن بیان این مطلب در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه آذربایجان شرفی گفت: تلاش خواهیم کرد طرح آموزش زبان ترکی در مدارس آذربایجان شرفی را در شورای انقلاب فرهنگی مطرح و بررسی کنیم.

وی در ادامه افزود: آذربایجان شرفی توانمندی‌های لازم برای توسعه در بخش‌های مختلف را دارد و در شرایط کنونی که کشور بتدریج به سمت آرامش و پویایی حرکت می‌کند فرصت مناسبی است تا این توانمندی‌ها به فعل تبدیل شود.

سعید سعد خلیل در انجمن فرهنگی ناشاران

دکتر سعید سعدخلیل مشاور باشگاه بین‌المللی کتاب قاهره، هشتم آفرماه از دفتر

انجمن فرهنگی ناشاران کتاب کوکد دیدن کرد.

در این دیدار که گروهی از ناشاران عضو اعضای مابث مدیوه انجمن در آن شرکت

داشتند، سعدخلیل با حاضران به بحث و تبادل نظر پیرمون فرهنگ مکتوب مصر و ایران

در زمینه کوکد و نوجوان پرداخت.

معاون سابق وزیر فرهنگ و هنر مصر با اشاره به اینکه به‌توسط نشر کتابگان‌های کوکد و نوجوان در مصر ۱۰۰۰۰ نسخه و متوسط بهای آن ۱۵۱۰ دلار است، گفت: تعداد کتاب‌های منتشره در حوزه کوکد و نوجوان در سال گذشته به ۶۳۳ عنوان رسیده است که ۵۰ درصد آن کتاب‌های ترجمه بوده است.

در پایان این نشست جهت تسهیل شرکت ناشاران در کشور در نمایشگاه‌های بین‌المللی قاهره و تهران و نیز تعامل ناشاران، نویسندگان و تصویرگران در کشور قول همکاری و مساعدت داده شد.

تصحیح وپوزش

در مطلب «بگ لااز» یک تادیس، یادبود پلر داستان نویسی کوتاه ایران» که در صفحه ۵ شماره ۲۰۴ کتاب هفته به چاپ رسیده بود، سمت دکتر علی‌اخمی رئیس دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، رئیس دانشگاه تهران ذکر شده بود و آقای دکتر رضا فرجی دانا رئیس دانشگاه تهران نیز فریزر رئیس دانا معرفی شده بود که به این وسیله تصحیح می‌شود.



فروش ویژه کتاب در کشورهای دیگر به چه صورت است و **دروای چه بولونه‌های فرهنگی و اقتصادی** است؟ فروش کتاب با تخفیف منحصر به یک کشور خاص نیست، اما قوانین و مقررات متفاوت است. فروش کتاب با تخفیف، تابعی از وضعیت اقتصادی آن کشور است و به همین دلیل نمی‌تواند الگوی ثابتی برای این پدیده تعیین کند. به‌عنوان مثال، در ژاپن کتاب بعد از انتشار معمولاً برای یک هفته در دیرترین قرار می‌گیرد، بعد جایش را به کتاب دیگری می‌دهد، مگر اینکه بگردد. بعد از آن به قفسه داخل منتقل می‌شود. اختیاری بگردد. بعد از ۶ ماه در قفسه داخل منتقل می‌شود. در بعضی کشورها یک تا ۶ ماه در قفسه داخل کتابفروشی قرار می‌گیرد. اقتصاد پررونق نشر اجازه نمی‌دهد کتابی پیش از چند ماه در قفسه‌ها جای بگردد. کتابی که در قفسه باقی بماند و جا عوض نکند، یعنی آن کتابی دیگر را برای عرضه و فروش اشغال کرده است. و در حقیقت مانع فروش کتاب جدید است.

در حقیقت آنچه در این وضعیت دارای اهمیت است چرخش صحیح و سالم سرمایه و کتاب است. هر چه چرخش آن بیشتر باشد، سود بازار نشر بیشتر می‌شود. وقتی که سرعت چرخش کاهش یابد، به معنای زیان اقتصادی است. بسیاری از این کشورها متعقدند کتابی که بعد از ۶ ماه فروش نرشد باید از بازار بیرون برود، چون اگر بفروشد بود، در این مدت فروش می‌رفت. بنابراین، کتاب در حوزه‌ای دیگر، که همین تخفیف‌های ویژه باشد، قرار می‌گیرد.

این قضیه مأموریت‌ده در ایران قائل‌نمندی نیست و شما در ویرتین کتابفروشی‌های مختلف انواع کتابها یا زمان‌های بلندمدت می‌بینید. بنابراین، آنچه من شخصاً از آن دفاع می‌کنم، روندی قائل‌نمندی است. منظورم هم این نیست که نهادهای دولتی باید این قانون را وضع کنند، بلکه خوبف کتابفروشان است که باید به‌سوی روش توافقی نا توجه به وضعیت اقتصادی ایران برونهد؛ یعنی حناجرهایی به‌وجود آید تا کتاب تولید شده در مدت زمانی مشخص تر ویرتین و قسه قرار گیرد. بعد از آن به این اثر مشغول شوند و بعد از آن معلوم شود چه کتابی سنگین شده است و چه کتابی فروش نمانده و باید به بازارهای دیگر وارد شود.

کنه‌گیر اینکه کدام کتابفروشی‌های جهان، فروش تخفیفی در خود کتابفروشی‌ها دارند، همه به‌طور مداوم، ضمن عرضه کتاب‌های روز، جابها و مکان‌هایی هم مخصوص کتاب‌هایی با تخفیف ویژه دارند. یعنی به محض اینکه سرعت فروش کتابی پایین بیاید، تخفیف برود. بعد به مناسبت‌های مختلف که فروش جامعه است آنها را حراج می‌کنند. غیر از آن معمولاً مراکز عمومی تشکیل می‌شود، یعنی کتابفروشی‌های هم‌موضوع با هم به ارائه کتاب‌ها می‌پردازند.

سابقه فروش با تخفیف ویژه در ایران به چه زمانی برمی‌گردد؟

بدون شک ما هم باید این کار انجام دهیم. این کار در قدیم هم صورت می‌گرفته و حتی فروش تلبومی هم داشته است که سابقه آن به سال ۱۳۲۰ میلادی برمی‌گردد. یعنی دوره نخست‌وزیری علی امینی که ایران در درگیر اقتصادی به سر می‌برد و کتاب‌ها به فروش نمی‌رسید. آقای محمود کاتبیچ که ظاهرآ مستکر این کار بود، در مساجد‌های تفصیل توضیح می‌دهد که در سال ۱۳۲۰ کتاب را به چه صورتی کلبوی عرضه می‌کرده و چه مناسبت‌ای انجام داده است. خود آقای کاتبیچ معتقد است این کار تأثیر بسیار سزایی در

زمان خود داشته، یعنی نه تنها کتاب‌ها فروش رفته بلکه ناشران را هم وادار به تجدید چاپ کرده است و اعتماد ایشان بر این است که تعداد زیادی از ناشران و کتابفروشان را از ورشکستگی نجات داده است. آنچه مسلم است اینکه به هر حال این جریان در ایران بوده و تأثیر هم داشته. خود من آن زمان محصل بودم و از مادرم پول می‌گرفتم و کتاب کلبویی می‌خریدم و مادرم مشوق اصلی من در این کار بود و شاهد افزایش کتابها در خانه‌های دوستان و آشنایان و تأثیر آنها بودم.

در ایران فروش کتاب با تخفیف ،قائل‌نمندی نیست و هر کتابفروشی ساز خود را می‌زند. به نظر من ما باید به‌سوی یک برنامه مشترک برویم که اولاً کتاب‌ها با تخفیف در سراسر کشور و همه کتابفروشی‌هایی که جا و امکان دارند، عرضه شود و بعد ما به مناسبت‌های مختلف کتاب‌هایی را که سرعت فروششان کاهش یافته به‌فروش بگذاریم و این کمک اقتصادی بزرگی به نشر است.

این تأثیر داری چه خصوصیات است، آیا جنبه منفی ماندنی می‌آغازمی به نویسنده و کتاب را به دنبال نداری؟



در طول تاریخ چاپ و نشرایران میع وقت نظام قانو نمدندی برای توزیع نداشته ایم

از لحاظ فرهنگی و تأثیرهای روانی و روشناسی فرهنگی و اجتماعی به نظر من اصلاً دشواری ندارد، اما شما می‌توانید اطلاعیه‌های توضیحی چاپ کنید، در اختیار مردم قرار دهید و آگاهی بدهید تا مردم و بداندت به چه مناسبتی و چگونه این کار شکل گرفته؟

هیچ وقتی هم متوجه نویسنده نیست. کتاب‌هایی هست که مخاطبان خاص خود را دارد و ممکن است به دلایلی فروششان کم باشد، به نظر من به این صورت عرضه کردن، دفاع از حقوق ناشر و کتابفروشان است و برمی‌خیزید که دلیل عرضه نشدن آنها پیش از این، اطلاع‌رسانی و توزیع نادرست است. پس شما با

هرینه‌ای کمتر ممکن است کتاب دلخواه را بخرید. چه‌بسا این بازار کمک کند که جویندگان و خوانندگان به‌عمادی از کتاب‌های مورد علاقه‌شان دسترسی پیدا کنند که تمایب است. این بازارها در حقیقت ملاقات بین مخاطب و کتاب‌ها را صورت می‌دهند. بعد از چند دوره عملی سرنزد، خیلی‌ها از کتاب‌ها به‌صورتی طبیعی کاشفته می‌شوند و فروش تخفیفی به این معنا نیست که هر کتابی هم به مخاطب و می‌رزش است. ایدمان باشد که هیچ چیز جای حقیقت را نمی‌تواند بگیرد و حقیقت را باید بی‌برده و بی‌پروا با جامعه در میان بگذاریم. فروش تخفیفی چیز پنهانی

متغیر های اقتصادی و ارتباطی نشر

درگفت وگو با عبدالحسین آذرنک، نویسنده و پژوهشگر مسائل کتاب و نشر

عبدالحسین آذرنک نویسنده و پژوهشگر نام‌آشنایی است اما اطلاعات او در حوزه مسائل نشر و کتاب در ایران و سایر کشورهای جهان نیز بر فعالان این حوزه پرتپیده است. او متذکر است که در طول تاریخ نشر ایران، هیچ‌وقت نظام قائل‌نمندی برای توزیع وجود نداشته است و در حال حاضر هم در یکی از بدترین دوره‌های این تاریخ قرار گرفته‌ایم و رونق اقتصاد نشر یکی از راه‌های مهم تأثیرگذار بر روی مخاطبان است.

با او درباره فروش‌های ویژه و توزیع کتاب گفت‌وگویی داشته‌ایم که می‌خوانید.

نشر را شکل دهند. زمانی که این پایه‌ها فعال‌تر می‌شوند، بی‌شک به سود فرهنگ ماست و نیاز به قائل‌نمندی و اطلاع‌رسانی درست از کارهای توجیهی فعالیت، چینی آن است.

برای این مثال، در شهرهای بزرگ کشور و مراکز استان‌ها تا مدت‌های مدیدی می‌توانیم مراکز کتابی برای فروش ویژه این کتاب‌ها دایر کنیم و در کنار آن از مناسبت‌های مختلف هم بهره بگیریم.

در طول تاریخ چاپ و نشر ایران، هیچ‌وقت نظام قائل‌نمندی برای توزیع نداشته‌ایم و در حال حاضر هم در یکی از بدترین دوره‌های این تاریخ قرار گرفته‌ایم به این معنی که یکی از بی‌نظم‌ترین و بی‌قاعده‌ترین دوره‌ها در نشر، زمان حال است که اصلاً اجراء با هم همخوان نیستند. بنابراین، باید سؤالات این‌شک را متوجه این بحران کرد و وظیفه اهمیت است که به ساماندهی این بخش بپردازند.

بخشی از کتاب‌های تولید شده در طول سال‌ها یا به دلیل کاهش نرخ چاپ معصرف با ناآشنایی مخاطب، فروش نرفته‌اند. تکلیف این کتاب‌ها چیست؟

زمانی هست که کتاب را با «میرسد تخفیف هم نمی‌توان فروخت»، و این واقعیتی است که جامعه محلی‌ها را نمی‌پذیرد. نشر ما دارای نظام بازورد صحیح نیست، ناشران بسیاری اوقات در به حرکت می‌کنند و وضعیت کارشان روشن نیست، اگر ناشر بتواند مخاطب، پدیدآورنده و محل فروش خود را به‌دروستی و بدون مخاطره تعیین کند، به سهولت می‌تواند برنامه بریزی کند. اما اینها نامعلوم نیست و یکی از دلایل آن نبود نظام‌های بازخوردی در نشر است. اگر بتوانیم چندین بار این بازارها را تشکیل بدیم، در بازارها عمل فرستاده اقتصادی صورت می‌گیرد، یعنی کتاب‌هایی می‌روند و جذب بازار می‌شوند و کتاب‌هایی که می‌مانند بی‌تعارف نخاله‌های نشر هستند که باید تصمیم گرفت با آنها چه کرد و بیشتر از این برای آنها هزینه نکرد.

ما نباید بهراسیم. این کار را باید انجام دهیم، چون باعث می‌شود که نشر بیشتر به‌سوی آنگونه متوجه ما پدیدآورنده‌ها شود. خود پدیدآورنده هم متوجه می‌شود که چرا کتابش فروش نمی‌رود و دلیل عدم ارتباطش با مخاطب چیست. این کار زمینه‌های آگاهی و خودآگاهی نشر ما را شکل می‌دهد که بی‌شک به سود اقتصاد نشر و فرهنگ ماست. به هر حال وجود نقاطی در سراسر کشور الزامی است که مدام کتاب تخفیفی عرضه کند.

به نظر شما این اطلاع‌رسانی نباید به‌صورتی باشد که مردم احساس نکنند کتابهایی تخفیفی، بی‌ارزش هستند؟ از این بابت خیلی نگران نیابید. حتی شما هم در این بازار به کتاب‌های مورد علاقه خودتان برمی‌خورید که دلیل عرضه نشدن آنها پیش از این، اطلاع‌رسانی و توزیع نادرست است. پس شما با

هرینه‌ای کمتر ممکن است کتاب دلخواه را بخرید. چه‌بسا این بازار کمک کند که جویندگان و خوانندگان به‌عمادی از کتاب‌های مورد علاقه‌شان دسترسی پیدا کنند که تمایب است. این بازارها در حقیقت ملاقات بین مخاطب و کتاب‌ها را صورت می‌دهند. بعد از چند دوره عملی سرنزد، خیلی‌ها از کتاب‌ها به‌صورتی طبیعی کاشفته می‌شوند و فروش تخفیفی به این معنا نیست که هر کتابی هم به مخاطب و می‌رزش است. ایدمان باشد که هیچ چیز جای حقیقت را نمی‌تواند بگیرد و حقیقت را باید بی‌برده و بی‌پروا با جامعه در میان بگذاریم. فروش تخفیفی چیز پنهانی

نست، عملی است که در تمام جهان انجام می‌شود و جزو اعمال روزانه است.

هدهای بر این عقیده‌اند که حرمت حوزه کتاب و نشر نباید شکنجه شود.

خبت تأکید می‌کنند یک وجه حقیقت است. حقیقت وجود مختلفی دارد. وجه مهمی از کتاب این است که کتاب کلاهی فرهنگی است و پول پای آن صرف شده و اقتصاد و صنعت به کار افتاده و آن را فروخته است و نمی‌توان این حقیقت را فراموش کرد. این کالا قیمت عرضه، تقاضا، تولید، توزیع و فروش، دارد. وقتی کتابی در یک شبکه ناسالم فروشد نمی‌رود، امکان دارد در شبکه دیگری فروش برود و امکان دارد به مناسبتی دیگر فروش برود. بنابراین، شما حقی برای این کالا قابل می‌شوید، یعنی آن را از چرخه‌ای به چرخه‌ای دیگر منتقل می‌کنید. اگر کتاب در چرخه‌های مختلف فروش نرشد، به این معناست که جامعه به آن نیاز ندارد و باید کار گذاشته شود. تا زمانی که این تأثیر را در مجموع تیار و دوام نمی‌تواند دیدار، کتاب‌ها و نوع سبفله مخاطبان تصمیم بگیریم، ما می‌توانیم این بازار محدود و کوچک را بزرگ‌تر کنیم، کجای این کالبد است. می‌توانیم امکانات بیشتری برای عرضه به‌وجود آوریم که مخاطبان در سطح مختلف درآمد، با این کالا دیدار داشته باشند. به نظر فاش شدن قدسی ویژه برای این کتاب اصلاً کار درستی نیست. قدسی که ناشر و کتابفروش را ورشکند کند، قدسی نیست.

به نظر شما با توجه به وضعیت اقتصادی ایران نمایشگاه اساتال یا تخفیف «مردود» کتاب‌های قبل از سال ۱۳۸۰ می‌تواند مناسب باشد؟

تمام اینها به مسائل اقتصادی وضعیت نشر و دیگر متغیرها بستگی دارد و به نظر من باید ناشران و دیگر افراد دخیل در این حوزه، با هم بر روی این مسأله، به توافق برسند. یعنی توافق کنیم که سرعت مانگین فروش چقدر است، یک کتاب چقدر در بازار بماند؟

یک سال، دو سال؟ این مسائل توافقی است.

درباره اسم نمایشگاه هم باید بگوییم که مناسب نیست و این معنی را نمی‌رساند. ولی به هر حال اسم مهم نیست و عمل کردن و اطلاع‌رسانی بسیار حایز اهمیت است. شما هر اسمی که می‌خواهید بگذارید، اصلاً مهم نیست؛ ولی در اطلاع‌رسانی بدون تعارف و بدون پنهان کاری گفته شود که نمایشگاه، به چه دلیل و برای چه برگزار شده است، بخصوص در این اطلاع‌رسانی اشاره شود که این کار نوعی بازارگشایی است، یعنی ایجاد بازارهای تازه که ایجاد امکاناتی است برای مردمی که به علت نقص اطلاع‌رسانی، شبکه‌های توزیع بسیار، نظام، انود کتابفروشی نامچوب و بدون محیط ارائه مناسب و نبود فهرست‌های دقیق انتشاراتی کتاب‌ها، از دسترسی به این کالاها محرومند. بنابراین، این بازارها این امکان دیدار و ملاقات را فراهم می‌کند.

به نظر شما این کتاب‌های جدید از روزوبه به این نمایشگاهها و بازارها که با تخفیف قیمت رزودوب می‌شوند نباید سلامت یا که خاصیتی داشته باشند؟

یکی از نشانه‌سب‌ترین افعال است که در این چند سال در کشور ما راجع شده همین تغییر قیمت است. بی‌نیودار است. ولی در هر حال باید راجع به قیمت‌گذاری این کتاب‌ها به توافقی جمعی برسیم، چون کتاب‌هایی هستند که قیمت واقعی روز را ندارند. یعنی این کتاب‌ها اگر در شبکه توزیع مناسب و مختلف قابل فروش بودند، چنین وضعی پدید نمی‌آید. پس برای

این کتاب‌ها باید قیمت جدید تعیین کرد. تشکیل کمیته‌های قیمت گذاری و طبقه خود کتابفروشی‌ها و ناشران است و اگر پرسش‌هایی هم چاپ کنند که رسمی تر باشد تا تکلیف خواننده با این نوع کتاب‌ها روشن شود، موثر و مفید خواهد بود.

به نظر شما باقی ماندن این کتاب‌ها در ابزار چقدر به نظام توزیع ما باز می‌گردد؟

توجه به این نکته بسیار اهمیت است که تا شیکه توزیع در ایران سامانه‌هی نشود، این موضوع قابل حل نیست و این تلاش‌های منت هم در گذر زمان بی‌ثایر خواهند بود. اگر شیکه توزیع سامانه‌هی شود و شما اطمینان یابید که کتاب در شیکه توزیع می‌شود و بعد می‌چرخد و در مدت‌ها کشور عرضه می‌شود و در بسیاری از مشکلات کتاب حل می‌شود، نظم و شیکه توزیع را باید سامان داد و در همین حال آیین‌نامه‌های مربوط به آن راه باید تدوین کرد تا ناشران اطمینان خاطر یابند که کتاب در شیکه توزیع زیان اقتصادی به بار نمی‌آورد. شیکه توزیع در حوزه نشر یکی از زیرساخت‌های نشر است که نمی‌توان بدون آن نشر موفق داشت.

به نظر شما شیکه توزیع توسط چه کسی باید سازماندهی شود؟

کارهای زیرساختی و وظایف دولت است. دولت، تعدادی وظیفه حتمی و عدول‌ناپذیر دارد و یکی از وظایف اصلی دولت ایجاد زیرساخت‌ها در همه زمینه‌هاست و دیگری سیاست‌گذاری و نظارت است. توزیع جزو اقدامات زیرساختی است، ایجاد شیکه و نظام توزیع از وظایف دولت است. یعنی دولت است.



فروش تخفیفی چین پنهانی نیست، عملی است که در تمام جهان انجام می‌شود و جزو اعمال روزانه است

زیرساخت‌ها را به وجود می‌آورد و جامعه را آزاد می‌گذارد و جامعه با توجه به امکانش از این زیرساخت‌ها استفاده می‌کند. ایجاد زیرساخت از عهده بخش خصوصی خارج است. چون تا به حال هیچ اقدام تعیین‌کننده‌ای در این زمینه صورت نگرفته، بنابراین نهادهای مسوول باید پاسخگو باشند. این نهادها باید طرح، تحقیق و پیشنه‌ها ارائه دهند. تا وضعیت نشر سامان بگیرد، مسوولت از این نهادها سلب نمی‌شود. در زمینه توزیع و فروش کتاب شهرداری‌ها و مقامات محلی هم می‌توانند کمک‌های موثری بکنند. و با در اختیار قرار دادن مکان‌های مناسب به این فروش‌های فوق‌العاده، می‌توانند اثر تمرکز در یک نقطه شهر، مثلاً شهر تهران، کاهش دهد. شهر تهران بزرگی است و نمی‌توان جمعیت را به یک نقطه فرا خواند. باید در نقاط مختلف تهران کتاب را عرضه کرد.

و حرف آخر…
چندسال پیش در این زمینه طرحی و حتی آیین‌نامه‌ای تهیه کردم به اندازه ناشران دادم. اندازه ناشران جلانی تشکیل داد با حضور متخصصان این حوزه که بنده هم شرکت‌داشتم و رایج به این بحث شد و تقاضای تهران هم مورد بررسی قرار گرفت که می‌توانست مناسب باشد. این طرح به دلایلی که براتی می‌روشن نیست موفق مانده و اندازه‌ی نتوانسته با شاید هم نتوانسته دنبال آن را بگیرد. شما می‌توانید از تجربه‌های نشر و کتابفروشان پرسیده که دلیل تأخیرشان در اجرای این طرح‌ها چیست و مسوولان نشری هم صحبت کنید که دلیل تأخیر در ایجاد نظام و شیکه بخش و توزیع منظم و سالم چیست. اگر این نهادها دلیل دارند، که چنآن‌دانه، باید با برنامه‌های صحیح و پروده در میان بگذارند، زیرا که هیچ چیز در جهان نایب‌کننده‌از حقیقت نیست. و اگر مردم کیفیت‌ی در امور شخصی‌ها، بداند، مطمئناً با مشکلات سر می‌کنند و صبر و تحمل نشان می‌دهند.



تقویت هویت ملی به زمان و هزینه نیاز دارد

پاسر محمدمیور معاونت امور کتابخانه‌های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اراک سال ۸۶ تا ۸۷ به عنوان کتابدار و پیشتر مسوول کتابخانه‌های استان مشغول خدمت بوده است. از سال ۸۸ معاونت امور کتابخانه‌های استان را به عهده گرفته است. با محمدمیور در زمینه آموزش نیروهای کتابدار، وضعیت شغلی و حقوقی کتابداران، خدمات عمومی کتابخانه‌ها، کاستی‌های موجود و برنامه‌های آینده، جهت توسعه کتابخانه‌های استان به گفت‌وگو پرداختیم.

برنامه‌های شما در جهت آموزش نیروهای کتابدار و به کارگیری نیروهای متخصص در کتابخانه‌های عمومی استان چیست؟

برای بالا بردن سطح علمی برای همکاران جدید در طی دو سال اخیر دوره کوتاه‌مدت کتابداری گذاشته‌ایم و همکاران جدید را هم به صورت تئوری و عملی در کلاس‌های مفصلی آموزش می‌دهیم. ما سه‌ماهه در استان تعداد کمی کارآموز که گذرانش با کاروان کتابداری باشد. در حال حاضر ما لایحه کارشناسی و اکثر کاروان کتابداری داریم. قسمت اعظم کتابداران ما لیسانس رشته‌های علوم انسانی و تعدادی هم با مدرک دیپلم هستند که البته دوره‌های کتابداری را برایشان داده‌ایم. البته آقای دکتر امیر زمانی که مدیریت کل را به عهده گرفتند این سیستم را در پیش گرفته‌اند که نیروهایمان کارشناسی یا کاروان کتابداری باشند یا اگر نتوانستیم نیروهای متخصص جذب کنیم حداقل از کسانیکه آشنایی کم‌تره داشته‌ایم نزدیک به کتابداری داشته باشند و یا گذراننده دوره‌های کتابداری مشغول شوند. که این روش در حدود وضعیت کل کتابخانه‌های ما تأثیر داشته. ما برای اصلاح هم دوره‌های آموزشی پیش‌بینی کرده‌ایم که شامل دوره‌های آموزشی کارنامه کتابداری، دوره آموزش برنامه‌نویسی کراش و نیز آموزش مدیریت نرم‌افزار نامه است.

با عنایت به چهره‌های خاص اقلیمی و فرهنگی اردبیل و ترک‌زبان بودن مردم استان، کتابخانه‌های عمومی تا چه حد پاسخگویی نیازمندی‌های ارجمان هستند؟

کتابخانه‌ها در سال‌های اخیر با توجه به درجه‌بندی خدمات‌ها کتاب‌های خوبی برایشان ارسال می‌شود. ما سه‌ماهه بوده‌یم بر روی کتاب به استان اختصاص داده‌ایم. خودتو اما چند بار در سیماها و نشست‌های مختلف هم کنی و هم شفاهی درخواست کرده‌ایم برای خرید کتاب‌هایی که با وضعیت اقلیمی، بومی، مذهبی، جغرافیایی و فرهنگی استان‌ها هماهنگی داشته باشد. دروسی اختصاص دهند. به هر حال ما سعی می‌کنیم از راه درآمد کتابخانه و حق عضویت در موارد محدود نیازهای محلی را برآورده کنیم. برنامه‌های محلی و کتاب‌هایی که در مورد استان چاپ می‌شود، همچنین می‌رسد تا رقم می‌کنیم.

کتابداران استان امروزه آنهایی که به صورت شرکی مشغول هستند، بسیار کم‌ترند. وضعیت حقوقی و امنیت شغلی خود

هستند، با توجه به تصویب قانون جدید نحوه اداره کتابخانه‌ها توسط مجلس، برای تأمین نیاز آینده نیروهای انسانی کتابخانه‌ها چه تدابیری اتخاذشیده‌اید؟

وقتی این نامه اجرایی این قانون ابلاغ شود ما مد در صد آن را اجرا خواهیم کرد. در طی دو سال اخیر که آقای دکتر امیری شریف آورده‌اند سعی کرده‌ایم از نظر حقوق و برابری یکجور می‌شود. صورت‌گرایی که در نظر قانون کار به کتابداران نمان می‌گیرد. حتماً برپایه‌است. شوی چون از نظر قانونی ما نمی‌توانیم به صورت مستقیم با همکاران غیر رسمی



قرارداد مستقیم بنده باید با طریق قراردادی که با شرکت‌های خدماتی می‌بنیم. از این نیروها استفاده کنیم. حقوق ایشان از طریق شرکت‌های خدماتی پرداخت می‌شود و بی‌گیری‌های لازم در زمینه پرداخت کامل حقوق ایشان به عمل می‌آید و خوب‌ترانه در وضعیت فعلی همه نیروها زیر پوشش بنده نامی اجتماعی هستند. این نامه‌ها با کارکرد قانون جدید که تعیین شده و با احتیاطی که به تصمیم‌های هیأت‌اتحاد استانی باشد شده. برنامه کتابدار به طور مستقیم قرار دادندیم. اگر این صورت باشد، صحت بخش پیش می‌آید.

برنامه معاونت امور کتابخانه‌ها جهت ارائه خدمات عمومی بهتر و توسعه فعالیت‌های کتابخانه‌های عمومی استان چیست؟

در نظر داریم کتابخانه‌ها را به رایانه مجهز کنیم تا جست‌وجوی آریاب ریحوم هم با طریق رایانه صورت بگیرد. کلاس‌های تابستانی ترتیب می‌دهیم و فضای بیرون و درون کتابخانه‌ها را جذاب می‌کنیم. می‌خواهیم چند کتابخانه رایه وسایل مسومی و مصرفی جمع‌کنیم و نگهداری صورتی که از طریق وزارتخانه‌ها می‌کنیم در اختیار اعضا در کتابخانه قرار دهیم و حتی تصمیم داریم در برخی کتابخانه‌ها کتاب نثاری را اندازی کنیم. خانواده‌ها به کتابخانه‌های عمومی اعتماد دارند و مطمئن هستند که شبکه‌های اینترنت در کتابخانه‌ها با نظارت در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد. با افزایش طول روز در تابستان ساعات کار کتابخانه‌ها را نیز افزایش داده‌ایم.

هر ساله در دست‌مست‌های مختلف نمایشگاه‌های کتاب برگزار می‌کنیم. در سالگرد زوال آینه‌ها، مورخ نمایشگاه و زوال فقه در استان، در مجال مصداقی این‌چنین کتابخانه‌ها و فرهنگ‌های خوبی با شرکت ناشران استانی با تخفیف ۲۰

کتاب

آخرین گفتار‌ها در پایان زندگی

کتاب در واقع مستند علمی و فکله‌ای است و دوره پنج جلدی با آخرین گفته‌ها که محمد راضی نمی‌آورد چند سال پیش به نگارش و انتشار آن همت گذاشته است.

موضوع کتاب، سخنان و وصایای سرگشته‌یمنگ و یک بن‌ایزولگان، اقلیمیشناسان و… در روزهای آخر زندگی در دم برگ آنهاست.

مطلب این جلد هم مانند جلدهای گذشته صرفاً گفتار اقلیم شده است. در این جلد هم از برای که شرح حال و سخنان آنها در مجلدات قبل آمده بود، در مطالب جدیدی نقل شده است و این به علت دسترسی جدید نویسنده به سخنان و موقع بیرون آنهاست.

جمع‌آوری و طبع مجلدات نشان‌گانه این مجموعه، شرح حال و سخنان چهارصد و شصت و یک نفر از آیینا، آریاب، حاکما، قضا، اعلما، عقلاء، روزگار، عرفا، شعرا، زمامداران، فرماندهان، فرمانروان، ریاضت‌انگاران، فتنه‌ان، خفقان، بیگواران، نه‌کاران و… آمده است. آخرین گفتارها در شبگردان ۱۰۰ نسخه در چندصد صفحه و با قیمت ۲۰۰۰ تومان رونق بازار نشر شده است.

مبانی منطق

مبانی منطق «عنوان کتابی است از دکتر محمدعلی اژدهی که به همت انتشارات «مسند» به چاپ رسیده است. نویسنده، یکی از اهدافش را اصلاح تصور موجود از دو عنوان «منطق قدیم» و «منطق جدید» در ذهن دانشجویان می‌داند.

در این کتاب علاوه بر اشاره‌ای مختصر به سابقه علم که در مقدمه آورده شده، به بحث در باب

گفت‌وگو با یاسر محمدمیور:
معاون امور کتابخانه‌های عمومی استان اردبیل

تقویت هویت ملی به زمان و هزینه نیاز دارد

درصد ترتیب داریم که استقبال از آن کمی‌سافیه بود.

نمایشگاه دلبس کتاب نیز در فصل تابستان در منطقه تفریحی شورابیل دار است. در شهر توربینی سرسبز هم یک فروشگاه نمایشگاه کتاب دار شده است.

یکی از برنامه‌های ما بازدید کتابداران و مسوولان کتابخانه‌ها از نمایشگاه کتاب تهران و خرید کتاب‌های تازه انتشار یافته از آنجاست.

عده‌مردم کجاست برای کتاب‌های شما در جهت توسعه خدمات عمومی کتابخانه‌های استان چیست و از مسوولان وزارتنی در جهت رفع مشکلات چه انتظاری دارید؟

دو مشکل اساسی داریم که به نظر می‌رسد معضل پنهانی تمام کتابخانه‌های عمومی کشور است. یکی اینکه باید به فکر تأمین نیروی انسانی برای کتابخانه‌ها باشیم. وقتی یک کتابخانه فعلاً ما مبلغ ۵۰ میلیون تومان تأسیس می‌شود و تحویل داده می‌شود چرا ۲ میلیون تومان بوجه برای یک نیروی انسانی تخصصی داده نمی‌شود که کتابخانه را اداره کند و به کتاب‌ها سررسید دهند؟

تخصصی نیروی انسانی است چون نیروی انسانی است که خدمات ارائه می‌دهد. نمی‌دانم این مشکل کی حل خواهد شد.

وقتی جزو ساخت یک مدرسه در سازمان مدیریت صادر می‌شود میزان مجوز تأمین نیروی انسانی آن مدرسه نوسراً صادر می‌شود اگر چه مدرسه‌ها مراکز آموزشی رسمی هستند و کتابخانه‌های عمومی مرکز آموزشی رسمی هستند چون هدف از تأسیس کتابخانه‌ها افزایش اطلاعات عمومی مردم است.

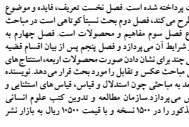
اگر می‌خواهیم مشکل نیروی انسانی کتابخانه‌ها را حل کنیم باید آن برنامه در مورد کتابخانه‌های عمومی هم انجام شود. یعنی به هنگام صادر مجوز ساخت، برای تأمین نیروی انسانی کتابخانه‌ها نیز مجوز صادر شود. اگر چه ۲۰۰۷ کتابخانه عمومی داریم اما فقط برای ۱۰۰ لیسانس تا نیم توزیع استعلام کنیم. امیدواریم با ابلاغ این نامه اجرایی قانون جدید اداره کتابخانه‌ها بتوانیم برده‌ایمان را مستقیماً جذب کنیم و با آنها قرارداد بنهیم.

اما مشکل دوم نگهداری ساختمان‌های است که می‌سازند و به ما تحویل می‌دهند. ما سه‌ماهه در پرداخت حقوق آب و برق و گاز و نفعین مشکل داریم. وقتی به دنبال رفع نیازهای اولیه‌ایمان هستیم چگونه می‌توانیم هزینه داشته باشیم و برای سازمان‌های فرهنگی جامعه برنامه ارائه کنیم.

حرف دیگری هم دارید؟

فرهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری عظیم می‌طلبد و دولت باید پیش از اینها سرمایه‌گذاری کند. تقویت هویت ملی در زمان و هزینه نیاز دارد. امیدواریم با پیوستن اقتصاد کشر دولت در عرصه فرهنگ‌سازی نیز سرمایه‌گذاری کند و پیرویه به استان‌ها بیشتر رسیدگی کند.

امیدوارم مسوولان برسد. چون ما عوامل اجرایی هستیم، برای‌آرباب رسمی مستقیماً درگیریم و مشکلات را با جان و دلی احساس می‌کنیم.



حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری

کتاب «حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری» تلاشی است در جهت بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری در ایران و همچنین جلب آشنایی آن با قوانین آمریکا و قراردادهای بین‌المللی در این زمینه. هدف این کتاب افزایش آشنایی و درک مسوولان مسئول است. در این کتاب آنچه که پیشتر مورد بررسی قرار گرفته، مباحث و معجزات هنر ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان است.

حقوق کیفری مالکیت ادبی با توجه به اهمیت موضوع و جلوگیری از این جریان و آشنا نمودن مردم ایران و نویسندهگان با حقوق خود، حائز اهمیت است. نظر می‌رسد چون در نهایت جلوگیری از وقوع چنین جریانی به نفع و منافع و تمدن و اقتصاد کشور کمک می‌کند.

نشر میزان این کتاب را در ۱۰۰ نسخه و با قیمت ۱۷۰۰ تومان به بازار نشر عرضه کرد است.

فرض می‌کنیم شما کتابی خوانده‌اید و قصد دارید مروری بر این کتاب بنویسید. قبل از هر چیز باید بدانید نوشتن مرور با نوشتن خلاصه کتاب متفاوت است. در حقیقت خلاصه‌نویسی می‌تواند جزئی از نوشتن مرور کتاب باشد و نه کل آن.

شما حتی نیاید شروع مرور را با نوشتن خلاصه‌ای از یک بخش کتاب شروع کنید. مرور کتاب در اصل نوشتن نظریات در مورد موضوع کتاب است و در هنگام توضیح نظریه‌های خودتان می‌توانید خلاصه‌هایی از بخش‌های کتاب را نیز بنویسید.

به صورت ساده‌تر می‌توانیم بگوییم مرور کتاب، شرح دادن موضوع کتاب به صورت جزئی‌تر و تفسیر کتاب است.

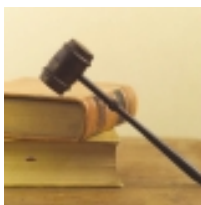
باید بدانید که شما نیز مانند نویسنده کتاب باید وقتی را صرف تحقیق در مورد موضوع کتاب و نوشتن کنید و کرده‌است.

لش می‌توان گفت کار شما دورتر از کاری است که نویسنده کتاب انجام داده است، چون در ابتدا باید کتاب را با دقت و جزو به جزو بخوانید و بعد شروع به نوشتن مرور کنید. که این قسمت همانطور که گفته شد به تحقیق نیز نیاز دارد.

باید به موضوع اصلی کتاب و موضوعات جزئی‌تر در کتاب کاملاً مسلط باشید و در مورد همه اجزاء موضوع مورد بحث آگاهی و دانش کافی را به دست آورید.

حی می‌توانید در کتاب قسمت‌هایی را پیدا کنید که نویسنده توجه لازم را به آنها نداشته است. می‌توانید در نوشتن مرور این جنبه‌ها را در نظر بگیرید و بیشتر به آنها بپردازید.

لشه در اینجا باید توجه داشته باشید که ممکن است موضوعی که نویسنده در کتاب چندان توجهی به آن نکرده است، ارتباط زیادی با موضوع داستان نداشته باشد. در نتیجه واضح است که شما هم نباید بیش از اندازه روی این موضوع متمرکز شوید.



مرور کتاب، نقد کتاب نیست

انکار جالب‌تری که در این بخش می‌توانید داشته باشید، این است که به دنبال کتابی نگویید که ارتباط مستقیمی به موضوع اصلی دارد ولی در کتاب اصلاً به آنها اشاره نشده است. در مورد این نکات تحقیق کنید و حتماً در مروری که می‌نویسید آنها را کاملاً شرح دهید. لازم است به نکته مهم و ساده‌ای اشاره کنم که به احتمال زیاد اکثر شما آن را می‌دانید و ذکر این مطلب فوق جهت یادآوری می‌باشد. هیچگاه در مورد چند کتاب هم‌زمان شروع به نوشتن مرور نکنید حتی اگر این چند کتاب همگی ذک یک‌زات باشند.

نکته دیگری که در نوشتن مرور کتاب می‌توانید روی آن متمرکز شوید، بررسی و ارزیابی روش نویسنده می‌باشد. مثلاً اینکه روش نویسندگی نویسنده مذکور چیست، عیب‌ها و مزیت‌های آن چیست، نویسنده با چه شیوه‌ای داستان را روایت می‌کند، روایت داستان از زبان اول شخص است یا سوم شخص، چگونگی توصیف حالات و مناظر موجود در داستان، طریقه پرداختن شخصیت‌های کتاب و مانند اینها.

دقت داشته باشید که این قسمت را نباید با نقد

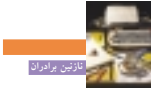
کتاب اشتباه بگیرید، نقد کتاب مقوله‌ای جدا از مرور کتاب می‌باشد و همچنین در نوشتن این بخش از مرور باید کاملاً آزاد عمل کنید به این معنی که عقاید و علائق شخصی را در نوشتن این قسمت از مرور کتاب در نظر نگیرید.

شما باید همیشه در مورد موضوعات با کار رفته در کتاب اطلاعات لازم را به دست آورید. نیز از این نظر در مورد نویسنده و افکار و عقایدش نیز آگاهی لازم را کسب کنید. هم چنین باید تحقیق کنید که آیا نویسنده افکار و عقاید خود را در متن داستان بیان کرده یا نه و در صورت مثبت بودن جواب چگونگی بیان این عقاید را باید بررسی کنید. مطالعه قسمت ویژه گزاره کتاب با قسمت «درباره نویسنده» می‌تواند در این زمینه کمک قابل توجهی به شما بکند.

همین نویسنده ممکن است نظریات یا افکار و نظریات وی آشنا شوید. در ضمن اگر مستقلاً، تفحصاتی بر کتاب‌های نویسنده، مفاخر، نوشته‌ها، شما آنها را مطالعه کنید چون مطمئناً گفتگ بزرگی به شما خواهد کرد.

یکی از مواردی که باید در تحقیقات‌تان دقت داشته باشید این است که آیا موضوع اصلی کتاب، موضوعی جدید است یا مانند اکثر داستان‌ها از موضوعات تکراری استفاده شده است. اگر موضوع کتاب، موضوعی تازه و بدیع بود، اگرچه کار شما در تحقیق درباره موضوع دو چندان می‌شود. ولی می‌توانید در مروری که می‌نویسید این موضوع جدید را به طور کامل بسط دهید و این یکی از روش‌های کتاب است که از نوشته شده مروری عالی و سرشار از نکات آموزنده می‌سازد.

همچنین هنگام تحقیق در مورد نویسنده، مسلماً با اهداف و آرمان‌های کلی وی نیز آشنا خواهید شد. باید ببینید که آیا نویسنده این آرمان‌ها را در کتابش ذکر کرده یا حداقل به صورت غیرمستقیم به آنها اشاره کرده است یا خیر و آیا این کتاب را برای رسیدن به اهدافش نوشته و اگر این طورت است آیا پس از نوشتن کتاب به اهدافش رسیده است یا روایت چنین داستانی نتیجه‌ای معکوس



ریشه‌ها
www.writing-word.com

در برداشته....

در نوشته خود حتماً باید اهداف نویسنده را به طور دقیق و بدون کم و زیاد کردن ذکر کنید و بعد با توجه به بررسی‌های خودتان نتیجه‌گیری کنید. در مواردی ممکن است داستانی که نوشته شده است اصلاً با هدف‌های نویسنده، همخوانی نداشته باشد. یا حتی کاملاً بر ضد آرمان‌های نویسنده باشد. در این صورت نیز در ابتدا با فکر آرمان‌های نویسنده باید به بررسی این تضاد بپردازید و علت پدیدآوردن این تضاد توسط نویسنده را نیز توضیح دهید. در اینجا ممکن است نتوانید با اطمینان کامل نتیجه‌گیری کنید که این حالت کاملاً طبیعی است، چون شما بر اساس تحقیقات خود به بیان این مطالب می‌پردازید و ممکن است تحقیقات شما کامل یا درست نباشد و در جایی که نیز از حدس و گمان استفاده کرده باشید. در این مورد بهتر است حتماً بیان شود که نتیجه‌گیری نوشته شده بر اساس نظر کسی است که مروری نویسنده و شاید کاملاً مطبق بر واقعیت نباشد. مطلب دیگری که باید قبل از نوشتن مشخص کنید این است که کتاب مورد بحث کتابی است که به نوعی باعث بالا رفتن دانش و آگاهی شما می‌شود یا صرفاً جنبه سرگرمی دارد مثل رمان‌های جنایی یا عاشقانه.

و نکته آخر اینکه می‌توانید در انتهای مروری که می‌نویسید، نظرات و پیشنهادت خود را در جهت بهتر شدن محتوای کتاب مورد بحث ارائه دهید. ضعف‌های کتاب و شیوه نوشتار نویسنده را در صورت موضوعی بیان کنید و پیشنهادت خود را برای از بین بردن این نقاط ضعف بیان کنید و اگر از نظر شما کتاب دارای محزای کاملی است و همچنین ضمنی نادرو می‌توانید عنوان این کتاب را به مخاطبان خود توصیه کنید.

... فراموش نکنید که حجم نوشته شما باید تنها در حد یک مقاله باشد و نه کتابی با حجم همان کتابی که درباره آن مروری نویسد! پس بهتر است از توضیحات غیرضروری خودداری کنید.

ریشه‌ها

هائیه کریمی

می‌توانید با تغییر دیدگاهتان به هر بخشی که می‌خواهید برگردید.

درک جریان نوشتن

هنگامی که شما به یک کتاب می‌نگرید جزیاتی را که نویسنده برای نوشتن این کتاب به کار برده متوجه نمی‌شوید. آنچه که شما در برگه‌های چاپ شده کتاب می‌بینید شانه چندانی به برنامه اولیه کتاب ندارد. نویسنده ممکن است دعوات بسیاری مطالب خود را بازنویسی کرده باشد.

جریان نوشتن معمولاً به ۵ مرحله تقسیم می‌شود. بیشتر نویسندگان بین این مراحل پیش می‌روند و هیچ‌سیر درستی نوشتن وجود ندارد.

پیش زمینه (Prewriting)

در این مرحله شما برای آنچه که می‌خواهید بنویسید برنامه‌ریزی می‌کنید. یک موضوع انتخاب می‌کنید. مخاطب هدف خود را شناسایی می‌کنید. نظرات را جمع می‌کنید و اطلاعات را سازماندهی می‌کنید.

پیش نویس (Drafting)

در این مرحله شما نظرات و تفکراتتان را در قالب جمله یا پاراگراف بر روی کاغذ می‌آورید و نسبت به پیش‌زمینه دیگری که در این باره داشته‌اید اولین پیش‌نویس مطلب خود را می‌نویسید.

مرور کردن (Revising)

این مرحله اولین مرحله ویراستاری نوشته‌تان است. شما ممکن است به تلهایی یا یا یک همکار یا یک گروه به انجام این کار بپردازید. تغییراتی را که موجب ارتقا و پیشرفت نوشته‌تان می‌شود به کار برید.

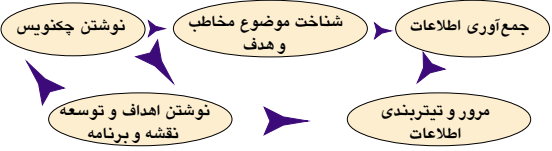
ثبوت خوانی و غلط‌گیری (Proof reading)

در این مرحله شما برای غلط‌گیری کردن کارتان ویراستاری را تمام می‌کنید. اشتباهات دستوری، املایی، بزرگ‌نویسی و نقطه‌گذاری را چک می‌کنید و کارتان را برای آخرین بار پاک‌نویس می‌کنید.

تشریح کتاب (Publishing)

در نهایت، شما باید برای عرضه کتاب خود به مخاطبان‌های پیدا کنید. ممکن است که شما بخواهید عکس به کتاب خود اضافه کنید یا یک کتاب طبقه‌بندی شده را عرضه کنید.

فرآیند نوشتن



نوشتن یک چرخه یا یک فرآیند چرخشی است. گاهی اوقات ممکن است فکر کنیم که نوشتن یک فرآیند خطی است چون عملیات مربوط را یکی پس از دیگری پشت سر هم انجام می‌دهیم.

اما در عمل متوجه می‌شویم که دائماً به صورت چرخشی به عقبی باز می‌گردیم که فکر می‌کنیم آن را قبلاً انجام داده‌ایم.

برای مثال فرض کنید شما به سفری رفته‌اید و تصمیم می‌گیرید نامه‌ای به بهترین دوستان بنویسید و اتفاقاتی که در سفر افتاده برایشان تعریف کنید. هم چنین تصور کنید می‌خواهید نامه دیگری نیز برای مادربزرگتان بنویسید. آیا این دو نامه باید مثل هم باشند؟ چه چیزهایی در گزارش نامه باید تغییر کند؟ آیا شما در نامه دوم اتفاقاتی را شرح می‌دهید که با نامه اول متفاوت باشد؟ آیا از لغات دیگری استفاده می‌کنید (مانند شیوه نوشتن نامه است)؟ آیا علائق دوستان و مادربزرگتان یکسان است؟

واضح است که وقتی مثلاً یک جنبه از نوشتن را تغییر دهید، جنبه‌های دیگر نیز تحت تأثیر آن تغییر قرار می‌گیرد. تغییر مخاطب از یک دوست صمیمی به گروه سنی مادربزرگ و مادربزرگ تنها یکی از تغییراتی است که ممکن است شما انجام دهید. این برنامه رابطه بین ۳ مورد از جنبه‌های بزرگ نوشتن و هم‌ورد اضافی دیگر را که اهمیت کمتری دارند مورد بررسی و آزمایش قرار می‌دهد. جنبه‌های بزرگ عبارتند از موضوع، هدف و مخاطب. جنبه‌های دیگر عبارتند از محتوایات، سازمان‌دهی، سبک و

سرود
سرود روحبخش

<div>ادیسه هامون، عقده ریسک</div>
<div>درباره امیلی و پنه‌لوپه اثرآلبرتو مورایا</div>
پرونده
سرود
سرود روحبخش

اگر از حرفی‌های کشاد و روزگوشناسانه و بیان خفیف امیلی و پنه‌لوپه یگادریوم یک مقاله جذاب و پرمایه یابی می‌ماند دربارهٔ موقعیتی، کسی که عاشقش هستی. دیگر، دوست نازد و آری قصه ریش‌رادم‌ه به شوه حید هامون سعی می‌کند که‌های زندگی را کنار هم تا بنیاد مشکل از کجا شروع شد ریش‌رادم‌ه روزگاری در حومه زوتر برابری خودش شناسایی می‌کند.
امیل، ملان دارد و دوستی یک بی‌غمتی، جی گریگاسی کشیده با مغانم‌فیس، در مجامه و روزنامه‌های درجه دوم و سوم.

حاصل می‌دهد، لقبی ژنده و کینه‌دزد راه را به کسی این نیست تری پیداوود.
حق وقتی موقبت در خدایش رامی‌گرود یک جای کار می‌کناد چون برای قول بیشتره افتادگنده فلانم‌فیس نمی‌گاری می‌دوست نازد زاید حش را به لیبسی بردش به نام بی‌غمتی. مرئی تاخیر می‌شد که لغه‌های تمهیم به امیلی هم نظر دارد ریش‌رادم‌ها بدان، این عمل می‌خواهد نباید چه باور دارد.
جیح همسرش امیلی، کلکله اما ناخوارانه، با به چاد جریان عقولت‌ظهور نشان نیست بی‌غمتی از یوزب خودش می‌کاهد. یک کشید به پنه‌لوپه ظاهر آرایش یافته‌های ترجیح می‌دهد در اقل دیگر و روی کلاه خواجه و چواریگی ریش‌رادم‌ها همین لحظه شروع می‌کند و او به اینجه می‌رسد امیلی دیگر دوستش نازد. سعی می‌کند با تحلیل گذشته، ریشه ماجرا را پیدا کند زندگی‌اش متوقف می‌شود.

مدام می‌پرسد، چرا؟ از امیلی سکوت می‌کند و سرانجام موفق می‌شود، همسرش را به این اعتراف درون‌گذاختن دارد که دیگر او دوست ندارد در ریش‌رادم‌ها عمل نمائات روزی پیشنهاد داد، آینه‌های آینه‌های آینه را می‌دیده و دیوانگی حال ساحلی بی‌بسیار فلان کلکلی می‌کنند، این امید که وضع به حالت خوب برگردد وقتی کاروان آلمانی که برای ساخت قلم انتخاب شده بود می‌گردد، از این امید به یاد ریش‌رادم‌ها آنگاه متوجه می‌شود کلکلی‌اش بهمی‌رسمی اقباله است پنه‌لوپه علیه روم و ادماجش را ناپسی همچنان خوشگاران پریاز حسن دارد که برایش هدایای مقام و محبت می‌فرستند. امالیسی به حالی روم مار کرتن هواراران و در حقش که باطل از این هدایا باشد نمی‌آید، به پنه‌لوپه توصیه می‌کند هدایی که در برایش آورده می‌شود پیداوود و نسبت به هدیه‌ها معده، با بهرانی رفتار کند.

مورایا، مسیح



پرونده

سرود روحبخش

ادیسه هامون، عقده ریسک

درباره امیلی و پنه‌لوپه اثرآلبرتو مورایا

ریش‌رادم‌ها یا پدر خاطر کز گندنه به خیال خودش همه چیز را کشف می‌کند، اوی و امیلی و بی‌غمتی شام را در ستون صرف کرده بودند و بی‌غمتی‌ها دوستش‌ان می‌کند که همگی به خانه او بروند. توصل بی‌غمتی‌هاست و جاری‌اش نشستن دارد و ریش‌رادم‌ها همسرش می‌خواهد یا بپند کندنه برود و ریش‌رادم‌ها شال سرامن یا کاسی بناید امیلی معاذت و باختر است.
از ریش‌رادم‌ها می‌خواهی او را جدی نمی‌گرود و شال و شکر ل از فرادعی که برودنی با بی‌غمتی انضام‌خواهد کرد، امیلی را به نشستن در توصل خیره و می‌نزد.

ریش‌رادم‌ها دیگر مطمئن می‌شود که نه‌کننده به همسرش نشاندته و می‌دل اولی به جای از بین بردن فته، هدایا را پذیرفته است و علت نامحوری و سردی امیلی همین است. حس او برای همسرش شرح می‌کند، اما یازم‌ها حاضر نیست جواب درست و حساسی بدهد. داستان او بیسه با نقل عام خوشگاران توسط اولیسی بیان می‌یابد، و ریش‌رادم‌ها با خود فکر می‌کند کتلی است، بجای کشتن بی‌غمتی‌ها کار جدید را باید و آنجا را از کج کند، و خلاف تصمیمش اما همچنان این با او ن‌آ می‌کند.
تا لحظه ای که امیلی به خی بر می‌رود ریش‌رادم‌ها توهم‌ها شایع امیلی به ناپیسی سوار می‌شود، در می‌یابد امیلی را بی‌غمتی‌ها است و دیواریه و به عشق می‌رود. از

خواص می‌رود و خبر می‌رسد همسرش در راه بازگشت یک مصافح اوصل کشته شده است.

۰۰۰

فراموش کنید، برای قصه ریش‌رادم‌هاست، اگر کسی از ندمیت ماجرایلی و تحلیل‌های او دود شوم و سعی کنیم ماجرا را همان‌طوره انتقال داده، شکل یک بنه‌لوپه طرف مرونیم شایده با این نتیجه برسیم این قصه زنی است که شوهر و خودش می‌خواهد. از آن اعتراف بگذرد که دیگر دوستش ندارد. شاید امیلی واقعی‌اش ترسته در اقلی بیاخرواید، به همین دلیل اتفاق راجعا کرده اگر بی‌غمتی پیام‌گرن از کرده‌ها ریش‌رادم‌ه طرف یکی در روز همه ماجرا به خبر و خوشی فراموش می‌شود.

نگاه جهانی

درباره مورایا

آلبرتو مورایا، روان‌شناس ایتالیایی، در ۲۸ تاسیر ۱۹۱۷ در رم متولد شد و در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۰ در همان شهر درگذشت. زندگی وی سرسبز در قرن بیستم گذشته و همچون مشهوری با زبان بنامی و رنگارنگ، تفکرات و روایع عجیب را انگیز آن دوره است. برای اکثر پروژه‌های متیج آن دوره، وی فردی دوستانه و تشنه‌دار و تشنه‌دار بود. رفتن سئل همپهای او اواخر دهه ۲۰ او را روشنفکر و پدیدو آبی رو به جوان می‌چیند و برایش احترام بسیاری قابل توجه‌تره این احترام دو سوه بعد می‌گردد.

نمیتسن رمان منتشر شده، مورایا همسر می‌فرمانی به نام داشت

که موفقیت بزرگی برای اختیاری وی به شمار می‌رفت. وی یک سال پس از انتشار این اثر یعنی ۱۹۲۰ به عنوان روزنامه‌نگاری برای نشریات مختلف به علی از کنوینز سفر کرد. سفری که همیشه در نوشته‌های بعدی‌اش نقش بزرگ داشت و او در پاریس و لندن اقامت گزید و از آمریکا و مکزیک (۱۹۲۵)، چین (۱۹۲۷) و یونان (۱۹۲۸) دیدن کرد. مورایا بسیار سفر می‌کرد هم برای لذت و هم برای اهداف کاری. سفر برای او جنبه درآمدی داشت و به آن به چشم بهترین پانزده کسایت و مقام برین کشور به چالش کشید. خود نگاره می‌کرد. او مورایا همان و سرزمین‌های زیادی نیز از او به جا مانده است. مورایا جزو ادبی زیادتی نیز از آن خود کرده است که از آن جمله می‌توان به اثرش **ا** (۱۹۵۶) و پارکیو (۱۹۶۰) اشاره کرد. آثار وی به ۲۷ زبان دنیا ترجمه شده‌اند.

مورایا در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۵۰ به شهرت رسید و او نویسنده و تالیست عجیب و غریب می‌شود که اخلاق گرامی‌اش از مارکسیسم الهام گرفته بود و به تحلیل از کار انداختگی و دوره طریقه متوسط در برابر روانی فرهنگی و سیاسی می‌پرداخت. مورایا پس از انتشار نخستین رمانش در جهت وسعت بخندیدن به طیف همان ادبی‌های اخلاقی پیوست رفت که در زمان نخست به کار گرفته بود. روزنامه ایگه به تکلیف آنها پذیرفته و در واقع نقلی از آن‌ها می‌توان رویزایی مختلفی از یک همسران داشت. رمان دراماتی و بی‌چرخ ایتال (۱۹۲۵) یا مسخاری دقیق‌تر به همان مضامین مرام اول می‌پردازد. مورایا با نهم پیش می‌نویس می‌شود که در کدام یک روز از زندگی شخصیت‌های داستان را به تصویر می‌کشد. در مقابل با سب زمینه شگفت‌های پذیرفته شده، جای طغلی و بشپه‌پروزی معنای یکی از عوامل اساسی و محوری در سری خرد و تمیت آنتونی لنجل می‌شود. دیگر رمان وی هدیه‌بان‌و در دهه ۱۹۵۰ منتشر شد. برسی مشتاقان آن را برترین رمان

داستان آلبرتو مورایا در بطن خود آینه سوزنی جلدی است؛ «چرا برخورد روشنفکرانه، روابط عاشقانه را به یک کتد؟» می‌کشد؟

ریش‌رادم‌ها تنها کسی نیست که با این مشکل دچار شده، ولی سنگر و آبی‌مال هم وضعیتشان بهتر از آن نبود، حید هامون هم همین روزگار را داشته، به عقیدهٔ که برگریم، همان‌را نیز در شملر شکست خوردگان عشقی. جواهمه، دید اولی، هامون، ریش‌رادم‌ها و داملت، علی، رخ، مدغفه‌های مختلف، شکلات‌ها شملی‌ها داشتند.

۱- افعال، مأسفانه روی دیگر، چیه و بعد اذیت، همان چیزی است که هملت را رنج می‌دهد، او یک طرف می‌ماند که باید هر چه زودتر عوضش را از تحت قدرت به زیر کشنده، مادرش را مجازات کند اما ذهن او آینه‌اش است از تقویت و اخلاق و دفعه‌های بشری، او قدر نیست، عملی دست برندارد. ریش‌رادم‌ها جلی از کتاب با خود می‌بندد، بی‌غمتی‌ها سوزنی جوی می‌رود، ناامنی از وقت‌کاهش، برای امیلی، نظهر مرئی به شمار می‌رود، که کج می‌رود.

شاید گراس در مقالهٔ ظاهر کلی و آشفته‌های روح، اشاره می‌کند، اگرش ساده‌لوح جانه همند، مولد شو و شوید و نه‌مدت بعد، او به تکرش کتلی تکالیف و انفعال ایجاد کرده است،، دقیقاً این علت که واقعیت رازمیری صریح و خالی از ابهام می‌باشد، سرطینی و رابطهٔ عاشقانه تقویت و قدرتی می‌طلد که که این مرغان هیچ‌کدام به سبب طبع شکاک و آیدینشان، واحد آن نبوده‌اند.

تخصیص نفسی می‌توانیم همهٔ شونات‌ها که گیاه کنه گفتنی و غیر گفتنی کنیم. می‌توانیم آنکارا زنده بگوییم، است که قدرت‌است حتی مسائل پیش از افتاد را نقاشی، اولی و همدانمی مرمانی که نام و رده، اهل فلسفیدن هستند، یعنی قدرت‌بند و پرت و پلترین فکرها را بگیرند و سوزل بشری از آن اتراع کنند، نوعیمش، دغد، مشکل از آنجاش، روح می‌شود که این ادغان، کنار دخیرویی‌های معصومهٔ روابط عاشقانهٔ هم چنین کاری انجام می‌دهد، الهام‌های کوچک، بزرگ، این نوع رابطهٔ ناشی و قوی در کارخانهٔ فلسفه‌ی ذهنی آنها مابد و به مسائل جلدی و عیب می‌شود، بجای فراموش شدن و فراموشی می‌شود، عیب‌ها می‌شود، جی‌های فراموش شدن و فراموشی می‌شود، کسی که بخواد، با همان ساده‌پول‌پرسان گرفته، ذهن زده می‌شود، کسی که بخواد، با همان جدبیت مسائل فلسفی، بشری، در مورد کتد، نگادها و



کنده‌های حرفهٔ قلمش پندیده، نه با خود با خواهد افتاد و باطمینان گرفته، همی را خواهد چید.

کودک‌ها درون او طریقی همه آنها خلاقند، این نشان می‌دهد، کودک درون پر و بال گرفته، ای بارند، ولی این ارتباط شفاف با کودک وجود کاهی روشن‌شان دردمی‌ساز می‌شود، چون به نظر می‌رسد، به‌ای وقایت دیگر قادر به کنترل او نیستند، حرف‌ها و آیدین‌های بزرگ را از این مرغان بگیرد و به تصمیمات آیدت‌گند، کسی که شکر در پای رفتاری کودکان را خواهد چید، آن‌ها در سالی روزمیه هم چون وقت خلاصه، قصه‌ها در ادغان اخبار، یا از کودک درون بیاورد، غفلت از اینکه نتیجهٔ تصاحب اخبار، یا از آب دادگامی‌ها، وقت کند، ریش‌رادم‌ها در قصهٔ امیلی و پنه‌لوپه، به بجای طفلی بی‌پناه و بسته می‌ماند، که مادرش را کم کرده، او نمی‌تواند درست تصمیم بگیرد و رفتارش به نحو سراسری، چه‌جنگانه به نظر می‌رسد.

آرام‌گرایی، لازم نیست دربارهٔ مشاعر فونگی عظیم‌الیه‌ایست، هده، توضیحی نهم، اما بنیست از عوامل ترمیم آرام‌گرایی، بندهٔ اصل رابطهٔ عشقانی افراد بود. خیال خوشی و لذت، و هماهنگی و ایمان و بی‌پنا شدن از مغزیهٔ درل همهٔ ماها هست.

خواص آن نهشت‌گنده، راهم ریش‌رادم‌ها، بهم حید هامون، خطر رفت و حرکت کج ایست، از جهان رفت به تدبلی آرامی‌اش، امکان می‌دهد که جنس قدرت علامتی، می‌تواند مستعدده، هم‌چون نگارشم، به اطراف، و رابطه‌ها، می‌تواند مستعدده، کرد، از این رمان واقعی در تحلیل آرامی‌اش، گنده، از آنکس، هم می‌شود، مشکل ریش‌رادم‌ها است که بر اولین شکل و عدالان تلق امیلی، همه چیز ادیان شده، می‌شد.

ریشهٔ ریسک کاربلان‌ها را به‌خوبه دانایم؟ گاهی فکر می‌کنم چرا پرسید آن دگر که عبور از احوال خودش را ایلبار داناشت؟ مگر واقعاً عاشق ایلبار بود؟ یا بیست محصل می‌کسی که چنین سوالی پرسود، توضیحی است دربارهٔ اهمیت ایلبار و عشق بزرگ و از این حورچ، اما بنیاد، ماجرا را جور دیگری بینیم، پرسیده، مرمعتش، باطل، تلق‌اندیش، چیز زیادی از آغاز و تسلیت و تدبلی‌هاست، آیا آن کار خودش، برای حمله‌های وسرنا و آن تصویر جواران، فهم‌ن‌ها، خودستی، که می‌رود تا در غروب آفتاب کم‌شود، می‌چینند، اولت این فیلسفان را به‌بجای از دست دادن معنوش، همه جان می‌خرند؟ یا ماجرایلی، قرار گرفتن در موضعیت آدم، تک‌گفته، «غیر قابل کرد» یا حتی طرفه شده، در جرد حفران، لری و ریش‌رادم‌ها، عجز خرابی‌کنند.

باید قرار بگیریم این لذت را مقدم ریسک، بنامیم.

عنده، ریسک برور، حرکت زندگی است، در رفتاری که انسان حقیقتاً، مانده، با نشده، با نشکند، نمی‌تواند. سوه، عملی وقتی است که کسی دوستی دوستی خواهد خودش را به عهده ریسک بیاورد، و در موقعیتی که هنوز امید می‌یابی، همه چیز خراب کند. تاخیر نسلم لندن به این حس کینسار و اسطرده‌ای، خجالت، خودش را از لذت کند. تا کسی که عهده ریسک، کاربلان‌ها، زده، نمی‌توان حرف حساب زده، نمی‌توان امیدوارش کرد، یا به سبب امیلی، که فقط با یک قدم، دست می‌شود، برانگش، آدم‌هایی که عهده ریسکشان را بداند، خصوصاً آن جوان‌باشد. «خوش داند زب زب، زب زب، زب زب» کند، هم در تهی‌تیب، همه‌صده، مکنده، بریام، عهده ریسک، جایگزین کتاب، اعتماد به نفسی است که ریش‌رادم‌ها به آن می‌بندد.

۰۰۰

اینها چند یادنیخ احتمالی بود به سوزل جلالته‌ای که آلبرت مورایا طرح کرده است.

زورم در زده، اما بنیاد این نوشته چنگلک‌هاست، است تحلیل

فنی از آب در نیامد.

خست کند این دلخوشی می‌ماند که شاید کسی بعد حالوشش، مثل ریش‌رادم‌ها رفتار کند و به تمام دلخوشی‌های شایست‌عالم، که ادبیات و تحلیل‌های امی طفیلی‌ان، کند ترند.



شماره ۲۳، خشیبه ۱۴، آذر ۱۳۸۳



ویژه
فلسفه‌پندگی



تولد مطالعات فرهنگی در قالب یک رشته آکادمیک در سال ۱۹۶۳ در دانشگاه بریتانیا انگلستان اتفاق افتاد. فضای سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی آن دوره، بعد از جنگ جهانی دوم، دولت رفاه، کم شدن تمايزات طبقاتی، تولید صنعتی سرمایه‌دارانه، فرهنگ آمریکایی در حال جهانی شدن برای تولد این رشته بستری مناسب را فراهم آورد. صنعت فرهنگ، نقد فیلم، خرده‌فرهنگ‌ها، نقد متون رسانه‌ای، جامعه‌شناسی بدن، جامعه‌شناسی هویت، فرهنگ جوانان، قدرت دختران، فرهنگ خرید و بررسی جوک‌ها و طنپه‌ها از موضوعات مورد توجه در این رشته بوده است.

نکته جالب توجه دیگر در روند رشد این حوزه، شکل‌گیری مکاتب و رویکردهای مهمی از درونش چون فمینیست‌ها و تحلیل‌های فمینیستی از فرهنگ (آنجلا مک‌گروبی، رابین آبی و...)، ساختارگرایی مردم‌شناسی و زبان‌شناختی (سوسور و...)، انسان‌شناسی ساختارگرایانه (لوی اشتروس و...)، پساساختارگرایی (دریدا و...)، پساامپریسم (لوتار و...) و همچنین گرای (لوک و...) بوده است که نشان‌دهنده آن است که چطور این حوزه توانست درجه‌های متنوع و جذابی را برای مطالعه بیشتر جامعه انسانی بر روی محققان بگشاید. در این گزارش با بررسی زمینه‌های ایجاد این حوزه در ایران و جهان به ضرورت نگاه تخصصی‌تر به این حوزه در راستای تولید و تألیف کتاب‌های مربوطه می‌پردازیم.

نظرات خشایار دیبهبی مترجم و محمد قاندر روزنامه‌نگار و مترجم، محمدمسجد قانلی دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید و رئیس گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر حسین پاینده، عضو هیات علمی این دانشگاه را در زياروده ایم که می‌نویسند:

کتاب‌های حوزه مطالعات فرهنگی

خشایار دیبهبی

مصروف‌کننده هستم

مطالعات فرهنگی را به عنوان حوزه‌ای بین رشته‌ای می‌توان از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داد. نحوه ورود این حوزه به ایران با توجه به ضرورت‌ها و نیازها، توجه به دسترس‌های مورد نیاز برای طرح‌های پژوهشی، بررسی زمینه‌های تاریخی ایجاد این رشته در سایر کشورهای جهان و تألیفات و ترجمه‌های صورت گرفته در این حوزه می‌باشد. در این مقاله به بررسی مطالعات فرهنگی طرح دیبهبی می‌پردازیم.

یک گنگ کلی وجود دارد و آن هم این است که در سرتیتم ما همیشه مسائل ظاهری مطرح می‌شود؛ اسمش می‌آید، خودش نمی‌آید. حرفی می‌گویم و می‌شویم و دیگر توهم می‌شویم که باطنی به مسائل واقف هستیم اما نباید به قولی دنبال این ضرب‌المثل باشیم که می‌گوید: آفتابه را لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی.

خشایار دیبهبی با این مقدمه دیدگاه کلی‌اش را در رابطه با موضوع مورد بحثمان روشن می‌کند و می‌گوید: «inter discipline یا مطالعات بین رشته‌ای داد و ستد بین علوم است، نوعی کواهی و سند آوردن علوم برای یکدیگر است.» وی ایجاد این رابطه بین علوم را اتفاق مهمی می‌داند که در آن سوی مرزها اتفاق افتاد.

دیبهبی از زوایای گوناگونی طرح حوزه مطالعات فرهنگی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد: صرف چیزی را مهم دانستن و ملاحظه‌مند بودن به آن کافی نیست؛ اگر بخواهیم همه چیز رنگ و طعم و بوسته ظاهری نداشته باشد، عمیق‌تر و جدی‌تر به مسائل بنگریم، به گذشته‌ها باید در اندیشه بنترسازیم و فراهم کردن مقدمات باینجه تا آنچه می‌خواهیم اتفاق بیفتد.

با توجه به اینکه رشته‌های مربوط به حوزه‌های پزشکی و مهندسی از جهت تکنیکی و کاربردی موفقیت‌های قابل توجهی کسب کرده‌اند، دیبهبی می‌گوید: «فوق‌ترتیب رشته‌های دانشگاهی ما، رشته‌های معطوف به تکنیک هستند، مثلاً پزشکیان و مهندسان ما در دنیا رقابت کنند و ما در این حوزه‌ها کشور عقب افتاده‌ای در نظر نمی‌آیم اما در حوزه علوم پایه مانند زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی و علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه و اقتصاد این موضوع مصداق ندارد؛ وی تأکید دارد که رشد این دو دسته از علوم در آن سوی مرزها بود که منجر به بدنه بنیان موفق بین آنها شد؛ به گونه‌ای که آنها توانسته‌اند به هم مدد رسانند و حوزه مطالعاتی بین رشته‌ای ایجاد کنند.

در شرایط فعلی فلسفه بی‌نیاز از زیست‌شناسی نیست و به نوعی بر مبنای زیست‌شناسی تولید می‌شود. همچنین نمی‌تواند خودش را از فیزیک جدا کند؛ فیزیک کوانتوم کاملاً در دل فلسفه جای دارد.

با این زمینه دیبهبی طرح حوزه‌های بین رشته‌ای در ایران را با توجه به ضعف بنیه علمی - کاربردی غیر ضروری می‌داند و می‌گوید: «اما در این حوزه‌ها عملاً یک مصرف‌کننده هستیم، چراکه اینگونه ما حتی رشته‌ای اصحاح به تعداد و گوناگونی نظریه‌ها دارد و نیازمند شخصیت‌های علمی است که صاحب‌نظر باشند و به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند تا بتوانند از حوزه خودشان خارج شوند و با علوم و حوزه‌های دیگر وارد گفت‌وگو و تعامل شوند.»



خشایار دیبهبی: در حوزه مطالعات فرهنگی کتابی که حرفی برای گفتن داشته باشد و مؤلف ایرانی داشته باشد وجود ندارد

وی فضای علمی کنونی در ایران را فاقد توانایی می‌داند و باور ندارد که ما در این زمینه‌ها کار جدی انجام داده و به فهم تازه‌ای رسیده باشیم.

با این وجود مترجم کتاب فلسفه امروزی علوم اجتماعی با طرح نکات مثبت در رابطه با ورود شاخه‌های جدید علمی، مخالف نفي کامل این روند است و توجه به مطالعات فرهنگی را حائز اهمیت می‌داند. ایجاد این نگاه که می‌توان فرهنگ را از زاویه وسیع‌تر و گسترده‌تری دید و رسیدن به این نتیجه که «باید سیاست و روابط اجتماعی وی، در دل فرهنگ جای دارد، خود می‌تواند نقطه آغازی برای راه باشد، این مترجم با اشاره به این موضوع که این علوم هر قدر هم که ما بخواهیم آن را با اقتصاد به نفس زدن دنبال کنیم و دست به ترجمه و انتشار این قبیل کتاب‌ها

بزنیم به هر حال علمی وارداتی هستند و ما تاکنون مصرف‌کنندگانیش بیش نپوشیده‌ایم، به این نکته می‌پردازد که ما لابل باید مصرف‌کنندگان خوبی باشیم؛ «بنیوه»

درباره این موضوع که در کشور ما در حال حاضر کدام از هابراس و فیکور و روسرین گفته می‌شود؛ ولی عملاً هیچ‌کس نتوانسته است به درستی از تئوری‌های طرح شده استفاده مناسب صورت دهد؛ می‌گوید: «اگرچه استاید و دانشجویان ما می‌توانند نظریات بسیاری از اندیشدندان راه‌های شکل‌یافته‌ی المعرفی از حفظ بیان کنند، اما هرگز نتوانسته‌اند آن‌چه حفظ کرده‌اند، استفاده کنند.» وی شرایط کنونی جامعه را در رابطه با حل معضلات اجتماعی ایران در عدم توانایی در موارد مذکور می‌داند.

وی مطالعات بین رشته‌ای را اینگونه شرح می‌دهد: «در مطالعات بین رشته‌ای پیچیدگی بیشتر مسأله مطرح است، یک مسأله اجتماعی صرفاً از بعد جامعه‌شناختی، فلسفی یا اقتصادی ایجاد کوچک از مسأله را روشن می‌کند و لیکن در مطالعات بین رشته‌ای موضوع از زوایای گوناگونی مانند جامعه‌شناختی، ادبی، اقتصادی و روانی مورد توجه قرار می‌گیرد و لایه‌ها و سطوح گوناگون مسأله بررسی می‌شود. به بیان روشنتر باید به این اصطلاح به صورت مستوری یا فلسفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و صرف توجه به یک زاویه از یک پدیده، اگرچه ساده‌تر است اما گمراهی و اشتباه در شناخت را در پی خواهد داشت.

با درک پیچیدگی‌های مسأله درک صحیح‌تری حاصل خواهد شد و احتمال خطا کمتر خواهد شد.»

مترجم فلسفه سیاسی جین هابزس پیشینه تاریخی شکل‌گیری این رشته در جهان را به دو یا سه دهه اخیر می‌رساند و به این دلیل می‌گوید: «اگرچه معتقد است سابقه فیرنه‌ای برای دیبهبیست‌شناسی بین علوم وجود دارد (مانند ارتباط بین ریاضیات و فلسفه در گذشته).

در اوایل قرن بیستم نیز وی این فرات را در رابطه با علم زیست‌شناسی و فلسفه، زیست‌شناسی و فیزیک، ریاضی و فیزیک و در علم انسانی میان جامعه‌شناسی و فلسفه، فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق می‌بیند. سابقاً فرض می‌شد بین فلسفه اخلاق و زیست‌شناسی ارتباطی وجود ندارد چراکه یکی حوزه علوم غیبی و دیگری جزء علوم ذهنی است در حایکه ارتباطات جدی و قابل توجهی بین آنها پیدا شده است به طوری

که امروز اخلاق زیستی که از رابطه بین دو حوزه مذکور شکل گرفته است، از جهت غنی بودن منابع در طول عمر کوتاهش قابل توجه است.»

خشایار دیبهبی در رابطه با بررسی مسائل روزمره زندگی و حوزه مطالعات فرهنگی می‌گوید: «در گذشته تصور می‌شد یک فیلسوف نمی‌تواند در مورد فوتبال نظر داشته باشد اما امروزه این پدیده به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی از ابعاد گوناگون قابل بررسی است؛ طراسی مانتین، نحوه رانندگی، بازیکن و مسائل کالتری و مانند مسائل کشور و استراتژی‌های عملکی از این زاویه قابل بررسی محسوب می‌شود.»

وی با اشاره به این موضوع که باید در این راه از تجربیات دیگران بهره‌مند شویم تا مجبور نباشیم



محمد قاندر: آنچه مطالعات فرهنگی خوانده می‌شود غالباً با معطوف به «فرهنگ‌سازی» است یا معطوف به تکرار نظریه‌های کتابی در زمینه فرهنگ است

هزینه‌های گزافی برای کسب اطلاعات بپردازیم، به این موضوع می‌پردازد که ما از این موهبت برخوردار هستیم که مجبور نیستیم از صفر شروع کنیم. وی ضرورت کنونی فضای علمی را معطوف به بنترساز می‌داند و در رابطه با ایجاد فضای باز می‌گوید: «فضای باز فضایی است که در حوزه‌های مختلف آموزش، سیاست و اقتصاد افراد با هم رویه‌رو شوند و می‌توانند به اشتباه فرصت داده شود تا گفت‌وگو انجام گیرد. فضای باز برای تغییر در حکومت نیست، عملی انحصاری در دانشگاه فضای باز مانند روح عمل می‌کند.»

با توجه به تجربیات به دست آمده و فروپاشی برخی از کشورها با سیاست‌های خاص، این تجربه حاصل شده است که فائترین افراد هم نمی‌توانند به

تهایی برنامه‌ریزی‌های آگاه داشته باشند. برنامه‌ریزی حاصل آزمون و خطاست و پشت درهای بسته کاری انجام نمی‌شود. بهیچ‌بی در این باره می‌گوید: «همانطور که تجربه شده است اقتصاد بسته پاسخگو نیست و بازار خود محکم خوبی برای اقتصاد است، اندیشه نیازمند بازار است. در دهای باز کالای فکری عرضه می‌شود، بحث ایجاد می‌شود و رشد صورت می‌گیرد، لازم به ذکر است که این فضا در شکل کاملاً رسمی و بروکراتیک به‌وجود نمی‌آید.»

از دیدگاه وی در فضای آزاد است که رشته‌های علمی دیگر مشتق محفوظات نیست، دانش کاذب سریعاً نقد و کنار گذاشته می‌شود و دانش حقیقی از کاذب جدا می‌شود این در حالی است که در جامعه ما دانش کاذب پراحنی کنار گذاشته نمی‌شود.

وی کتاب‌های منتشرشده در این رابطه را بیشتر در حوزه ترجمه می‌داند و به جرات می‌گوید: «در حوزه مطالعات فرهنگی کتابی که حریف برای گفتن داشته باشد و مؤلف ایرانی داشته باشد وجود ندارد. کتاب‌های ترجمه شده نیز معمولاً دانشگاه‌های ما نینتقدن.فای سته دانشگاهی مانع تولید و تألیف بوده است.کتاب‌های نشر شده نیز از فضای غیر آکادمیک و شخصی بیرون آمده‌اند.»

وی در آخر با ابراز نگرانی از شرایط کنونی می‌گوید: «ما ما در این روند تجدید نظر نکنیم، هر قدر هم که مباحث جدید را به داخل مرزها وارد کنیم نه تنها عقب‌ماندگی مان جریان نمی‌شود بلکه آینده‌ای تیره و تار در پیش روی خواهیم داشت.» وی می‌گوید: «این امر جریان نمی‌شود مگر با پست‌سازی.»

محمد قانق

مطالعات فرهنگی، **معموف** به فرمت‌سازی محمد قانق، مترجم و سردبیر مجله فرهنگی آموزشی لوح نیز با تأکید بر اینکه مساحبه‌های شفاهی ممکن است مشکلاتی را برطرف کند، به سوالات حوزه مطالعات فرهنگی به صورت مکتوب پاسخ داد. وی به سحر اعلی‌ا را در این باره طرح کرده است.

حوزه جدیدتأسیس
مطالعات فرهنگی

مترجم مارلوز علیه وضع موجود دربارهٔ حوزه مطالعات فرهنگی می‌گوید: «از سال‌ها پیش مؤسسات متعددی در ایران در حوزه مطالعات فرهنگی فعال بوده‌اند. بنیان این‌ها به است از فکر اختراع دوباره چرخ نگذرید. دو نکته مهم این است که اول فرهنگ را تنها با عمداً یا معنی هنر و صنایع مستظرفه بگیریم یا در چشم‌اندازی گسترده‌تر در معنی روش‌ها، تلقیات و رفتارهای مردم در کار با ابزار مادی یک تمدن معین معنی کنیم. دوم، آنچه «مطالعه» خوانده می‌شود (۲ تلاش برای یافتن پاسخی به پرسش‌های است، یا (۳ گشت‌وگذار و گل چیدن در حیطة فرهنگ؟»

نویسندهٔ کتاب «حکایات و فراموشی اضافه می‌داند: «در مورد نکتهٔ اول، فقط به‌عنوان چند نمونه فرهنگ موعود، گفتار و جریانی از تخیل طرز کار مسگر، ماه گورگ‌ها و نجات‌ها فراوان است. چنین مطالعاتی راضی به آن‌ها غیرقابل‌انده داد. اما به نکتهٔ دوم همه باید توجه کرد. با درک زمینهٔ خلق پرسش مطرح‌شده؟ به بیان دیگر، مطالعه برای شکل دادن به صورت مسأله‌ای یا حل مسأله‌ای است، یا صرفاً از باب گفتنی است بدون نتیجه عملی و نهایی مشخص؟»

مطالعات فرهنگی چیست؟

به نظر قانق آنچه مطالعات فرهنگی خوانده می‌شود غالباً با معموف به فرهنگ‌سازی (است یعنی اندرز ناخوسته و تبلیغ برای یک خرده فرهنگ معین) به معنوف به تکرار نظریه‌های کتابی در زمینه فرهنگ است، یا پرداختن به موضوع‌هایی که اصطلاحاً معلومات عمومی خوانده می‌شود، یعنی یک رشته اطلاعاتی که اگر خواننده از آنها خبردار باشد بد نیست، اما اگر هم خبردار نباشد احساس کنود نخواهد کرد. او می‌گوید: «دلایی واقعی و قابل درک برای اینکه طفره رفتن از نیازهای مردم وجود دارد، پاره‌ای موضوع‌ها که در بادی امر مهم به نظر می‌رسد، تبعیاتی جدید در حیطهٔ اجتماعی و سیاسی دارد. چنین مطالعاتی تنها در برنامهٔ مؤسسات پژوهش‌های فرهنگی قرار نمی‌گیرد، بلکه چنانچه فرد یا افرادی دست به تحقیق در این زمینه‌ها بزنند نتایج حاصله

پراحتی قابل انتشار نخواهد.»

موانع مطالعات فرهنگی

مترجم کتاب قدرت‌های جهان مطبوعات دربارهٔ موانع مطالعات فرهنگی تنها به ذکر دو نمونه می‌پردازد و می‌گوید: «در سرشماری‌های که در ایران انجام می‌گیرد دربارهٔ مذهب افرادی که دین خود را اسلام اعلام می‌کنند، دربارهٔ زبانی که افراد در خانهٔ خویش به آن تکلم می‌کنند و دربارهٔ قومیت افراد هیچ پرسشی نمی‌شود. دلیل چنین محذوری روشن است: طبق قانون طرح چنین پرسش‌هایی از افراد به قصد ثبت پاسخ آنها در سرشماری مجاز نیست. این قانون از قدیم و در رژیم سابق هم وجود داشته، اما حتی مطرح کردن این نکته که چنین قانونی وجود دارد و همواره رعایت می‌شده است، به موانعی بسیار جدی برمی‌خورد.»

به عقیدهٔ قانق تقریباً از شهروندان دربارهٔ طرز فکر، گرایش‌ها و انتخاب‌های فردی در برابر جریان‌های روز موضوعی کاملاً سیاسی نظقی می‌شود و نتایج چنین مطالعاتی در غالب موارد غیر قابل انتشار است.



دکتر سعید ذکاکی: میدان‌های گفت‌وگو و ارتباط بخصوص در حوزه علوم انسانی وجود ندارد و در نتیجهٔ تا لیفات و کتاب‌های قابل توجی عرضه نمی‌شود

در مواردی، با دستکاری‌های اساسی، به تأییدهای بر وضع موجود تخیلی می‌شود.

او می‌گوید: «در چنین شرایطی، عجیب نیست که مطالعات فرهنگی بر یک رشته موضوع غیر مطرح و جامعه و نامربوط به فرهنگ زنده و واقعی متمرکز شود و کلاچیت میز و در اتاق‌های مؤسسات پژوهشی نگذرید. دو نکته مهم این است که اول فرهنگ را همچنان که ارائه شده، آنها پاسخی به پرسشی نیست و صرفاً در برابر دریافت دستمزد و حقوق و برای رفع تکلیف انجام می‌گیرد.»

به عقیدهٔ مؤلف سیمای تنجیب یک آثارشیت؛ میرزاده عشقی مطالعه واقعی در زمینه فرهنگ عبارت از فعالیت‌های است که نتیجه آن در ضروری که خواننده از جامعه و جهان بیرون دارد مؤثر افتد، یعنی پاسخی عملی به پرسش‌های بالقوه، رساله‌ای مثلا در این باره که مردم مسماً چگونه به آن می‌زنند و سبزی‌هایی که در آتش می‌ریزند چه نام دارد و نه مطالعه است. نه تحقیق و نه عمل. به نظر خود خواننده‌ای که برای فرهنگ آن در مسماً یا هر جای دیگر اهمیت فرقی‌الغاده‌ای از جنبهٔ کمک به درک جهان قائل نباشد چنین معلوماتی با علم خبر و ده‌های مربوط به آنچه در یک ردیف قرار می‌گیرد» وی ادامه می‌دهد: «چنانچه فردی بر پرواخن به فرهنگ زنده و جاری در جامعه باشد، به این نکته مهم نیز باید توجه داشته، روشی و اسباب کار ممکن است بر نتایج تحقیق تأثیری تعیین کننده بگذارد. برای مثال، ارائهٔ مقالات برسد، یا اجزای نظرسنجی در مناطق متفاوت از نظر اقتصادی برسد، تا چه رسد که در شهرهایی متفاوت اجرا شود. به بیان دیگر، جهان‌بینی و فرهنگ در خرده‌فرهنگ‌های جامعه چنان متفاوت از یکدیگرند که ملات مطالعه و داده‌ها در مناطق و سطح و فشار مختلف می‌تواند بسیار متغیر باشد و این فقط یکی از دشواری‌ها در روزگاری جدی به فرهنگ و مطالعات فرهنگی است.»

دکتر محمد سعید ذکاکی: عدم نیستیمی کتابی به ادبیات جنبش
دکتر محمد سعید ذکاکی رئیس گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، حوزهٔ مطالعات فرهنگی را از روایی مانند زمینه‌های شکل‌گیری آن جهت تاریخی، بررسی رابطهٔ بین حوزهٔ مطالعات

فرهنگی با مفروضاتی مانند پست‌مدرنیسم، ادبیات و انسانشناسی مدرنیسم مورد بررسی قرار می‌دهد و در نگاهی اجمالی وضعیت مطالعات فرهنگی در ایران را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

وی در رابطه با زمینه‌های شکل‌گیری مطالعات فرهنگی می‌گوید: «مطالعات فرهنگی پژوهش، همگنبری و تلاش روشنفکرانه، خربه‌ای و آکادمیک است، انتزاجی است از سنت‌های گوناگونی مانند مطالعات ادبی، رسانه‌ای، سینما، فیلم، انسانشناسی فرهنگ، مدرنیسم، فرهنگ عامه‌پسند، فرهنگ نخبه‌پسند و صنایع فرهنگی.»

اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که مضامین مورد توجه در این حوزه دارای حدود مشخص و تعریف‌شده‌ای است اما به عقیدهٔ دکتر ذکاکی می‌توان آن را در بررسی زادهٔ هوبت، قومیت، تحلیل‌های روانکاوانه، مدرنیسم، فرامدرنیسم، مابعداستعماری، فمینیسم و البته تقابلی از همهٔ مارکسیسم خلاصه کرد.

رئیس گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه اشاره می‌کند: «حوزه‌های مطرح‌شده از جهت نظریهٔ مفاهیم و روش در شکل‌گیری سنت و رویکردی که امروز مطالعات فرهنگی خوانده می‌شود، سهیم بوده‌اند.»

وی در تعریف مطالعات فرهنگی آن را با آفرینی جایگاه فرهنگ در متن کالای‌ری مانند اقتصاد، اجتماع و سیاست می‌داند.

دکتر ذکاکی با توجه به اینکه حوزهٔ مطالعات فرهنگی در زمینه‌های ادبی مانند نقد و تحلیل متون ادبی شکل گرفته است می‌گوید: «خاستگاه و محمل توجیل حشش به متون ادبی و ادبیات، تشریح، تحلیل و نقد مقولهٔ فرهنگ بوده است بخصوص در انگلیس و آمریکا مطالعات ادبی و جامعه‌شناسی ادبیات مطرح شد؛ بررسی ادبیات عامه‌پسند و توده‌وار از زمان تاوتلیج، خوراک مطالعات فرهنگی قرار گرفت. در واقع متون ادبیات محلی، شهر برای محققان انگلیسی در اواخر دههٔ ۶۰ و ۷۰ میلادی با به پیچیدگی‌ها، شروع ما و فرم‌های فرهنگ روزمره و عادی به گرت‌ای روشن‌شده، پیروانند.»

دکتر ذکاکی چرخش به سمت مارکسیسم را در ۶۰ و ۷۰ میلادی در اروپا و خصوصاً در انگلیس دلیل برای ورود مطالعات خرده فرهنگی، محلی و حاشیه‌ای می‌داند. وی می‌گوید، ما توجه به اینکه در دههٔ ۶۰ و ۷۰ میلادی در اروپا و مشخصاً انگلیس چرخشی به سمت مارکسیسم صورت گرفته بود. بخصوص مارکسیسم استعاری آلوتسر و مقولهٔ هژمونی یا سلطهٔ فرهنگی که توسط گرامشی مطرح شده است. از این دورهٔ مطالعات فرهنگی که تا آن روز بیشتر تحت تأثیر مطالعات ادبی بود به سمت توجه به خرده‌فرهنگ‌های محلی و حاشیه‌ای سوق یافت با این دستاویز که همهٔ فرهنگ‌ها بالقوه این استعداد را دارند که به نوبهٔ خود مورد توجه قرار بگیرند و چیزی به نام فرهنگ مسلط و نخبه یا فریخته‌ن و پایین وجود ندارد و این نوع تمایزات موضوع جلوه می‌کنند.»

با طرح این زمینه و با توجه به اینکه چرخش از زمینه‌های ادبی در حوزهٔ مطالعات فرهنگی به سمت بررسی خرده‌فرهنگ‌های حاشیه‌ای ایجاد شد. دکتر ذکاکی مثال‌هایی از این خرده‌فرهنگ‌های مطرح‌شده، در آن دوره در اروپا مطرح می‌کند که قابل توجه است، «این خرده‌فرهنگ‌های مطرح‌شده، در آن روز اروپا را می‌توان در مثال‌های مختلفی مطرح کرد؛ از آن جمله با اعتراض برخی جوان‌ها و نوجوان‌ها نسبت به فرهنگ خاستگاه طبقاتی و تجربه‌های طبقاتی آنها که آن را به روش، متضانه نمی‌دانستند و این اعتراض خود را به صورت استعاری، سیمبولیک، عملی و رفتاری نشان می‌دادند. این‌ها از لیاست و ابزارهای مصرفی نابرابران در جامعه بودند، مانند موتورسواری که با لباس‌های چرمی و موتورهای هلثی دارپسون رنگ تشکیل می‌دادند و با یکسانی که به سبک آودارهٔ لباس‌ها و پاتوهای بلند در محیط‌های آموزشی می‌پوشیدند و درصدد جلب توجه و نشان دادن استنجام و وحدت فرهنگی‌شان بودند.»

این مدرس دانشگاه علوم اجتماعی علامه طباطبائی در بررسی رابطهٔ مطالعات فرهنگی و انسانشناسی بسیاری از مباح و کتاب‌های موجود در حوزهٔ مطالعات فرهنگی را برگرفته از مباحث و مباح انسانشناسی می‌داند و به طرح بحث جدید موجود در انسانشناسی می‌پردازد به نام انسانشناسی مدرنیسم که



دکتر حسین پاینده: ایده همکار متخصصان رشته‌های گوناگون برای انجام پروژه‌های تحقیقی مشترک، ظاهراً هنوز پدعت‌تفکری یا حتی بی‌ثمر تلقی می‌شود

از جهت محتوایی و شیوهٔ برخورد با انسانشناسی کلاسیک تفاوت‌های عمده‌ای دارد. او می‌گوید: «در دنیای ال‌گرفته از پیشرفت و تکنولوژی، تغییرات فرهنگی نیز با سرعت قابل توجهی رخ می‌دهد به‌گونه‌ای که در میدان‌های فرهنگی با تیوتجات قابل توجهی روبه‌رو هستیم و به قول متخصصان معاصر در اندازهٔ متکثر شدن ذبای زندگی، فردگرایی مطرح شده است که به دلیل همین نسی شده، شکسته شدن و کوچک شدن ذبای زندگی است که بحث انسانشناسی مدرنیسم مطرح می‌شود که با انسانشناسی کلاسیک تفاوت‌های عمده‌ای دارد.»

وی انسانشناسی را که مطالعات فرهنگی مطرح می‌کند؛ بررسی زندگی روزمرهٔ مردم امم از قدم‌زدن آدم‌ها در خیابان، خرید کردن، غذا خوردن و همه چیزهایی می‌داند که به نظر ساده و معمولی می‌آید ولی نکات بسیار مهمی را در درون خود نهفته دارد. دکتر ذکاکی از جهت دیگری نیز مقولهٔ انسانشناسی مدرنیسم را حائز اهمیت می‌داند: «انسانشناسی مدرنیسم از این جهت معمولاً در همگنبری‌های سیاسی خشتی است و مقلبهٔ یا موعج سیاسی خاصی را به‌علافا جامعه‌شناسی سنتی و کلاسیک در بررسی‌های اجتماعی-فرهنگی خود دنبال نمی‌کند»

سازز اهمیت است.» اما بین مطالعات فرهنگی و پست‌مدرنیسم نیز از جهت مشابهت‌های قابل توجهی وجود دارد. این مشابهت‌ها در حث محتوایی و روشی قابل بررسی است که دکتر ذکاکی به آن پرداخته، طبیعتاً آنچه تحت عنوان فرامدرنیسم مطرح است با همهٔ مثال‌های که در حوزهٔ مفاهیم و روش‌شناسی آن مطرح است در شکل‌گیری مطالعات فرهنگی می‌تأثیر بوده است. وی می‌گوید: «یپولیتیم فرهنگی یا مردم‌پسندی و یا عامه‌پسندی فرهنگی به این معنا است که آنچه عامه مردم از آن استفاده می‌کنند مابذیه‌های مصرفی را دارد و چیز کم‌ارزشی نیست. آنچه انتخاب و مصرف می‌شود اهمیت دارد و باید آن را به رسمیت شناخت. این اعاده کردن ذهنیت‌ها و جغرافیایی‌های حاشیه‌نشین و همجور که در مطالعات فرهنگی گفته شده است مطابق و هم‌سنگ بایدنگهٔ مدرنیسم است. چراکه بحث پست‌مدرنیسم نیز سرانجام‌ها، آزادی عمل‌ها و توجه به متن زندگی روزمره‌ای است که خود واقعیت‌ساز است.»

وی اشاره به نظر جان کین که از نظریه‌پردازان فرامردن محسوب می‌شود می‌گوید: «او نیز بر همین نظر است که فرهنگ عامه‌پسند فانتا اقتصادی و هم فانتا سیاسی است و در مخالفت با کتب فرامکتوب که معتقد به افعال مصرف‌کنندگان فرهنگ و صنعتی است می‌گوید مصرف‌کنندگان تحت اراده و اختیار عمل می‌کنند.»

اما با اعتقاد این استاد دانشگاه از حیث روش نیز بین مطالعات فرهنگی و پست‌مدرنیسم مشابهت‌هایی دیده می‌شود؛ ابرشی معتقدند حوزهٔ مطالعات فرهنگی از جهت روشی آشفته است و ساختار و پارچوب مشخصی در این حوزه ندارد و این مشابه معنان اهمی است که در نسی‌گرایی و آذایی و آزاداندیشی پست مدرنیسم وارد است.»

وی ادامه می‌دهد: «این انتقادات را کسانی مطرح کرده‌اند که معتقد به انتخاب روش برای اساسی زمینهٔ نینتسند. تحلیل تاریخی، استادی انتزاکرایک و مردم‌نگاری در قید حدود مورد نظر آنها نیست و همین امر از نظر دسته‌ای دیگر تنها

انهایی به رویکرد مطالعات فرهنگی است. از این جهت این حوزه را با تلقینات و اثرات پست مدرنیسم همبسته می‌دانند.

مطالعات فرهنگی در ایران

این استاد دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: «در جامعه ایران مطالعات فرهنگی بیشتر در حوزه ادبیات مطرح شده است به هر حال علاقه فراوانی که در صنف دانشجویان و محافلپان حرفه ای نیمه حرفه‌ای ادبیات سرزمین ما وجود دارد، دلیل اصلی آن بوده است.»

وی وضعیت دانشگاههای ایران را در رابطه با این سآله چنین ارزیابی می‌کند: «هنوز دانشگاه‌های ما نتوانسته‌اند سنت تاریخی را چنان در این سنت تعریف کنند و آن را دستمایه‌ای قرار دهند برای گسترش دانش اجتماعی و فرهنگی. به هر حال انتظار می‌رود رشد جامعه‌شناسی و پیگیری سنت جامعه‌شناسانه بتواند در حل مسائل

که از من وابعات اجتماعی و روزمره و فرهنگ زیست‌شده استخراج شد است مؤثر عمل کند و در واقع پاسخ برپیش‌های حوزه عمومی داده شود و میدان‌های گفت‌وگو بین حوزه عمومی و جامعه دانشگاهی باز شود.»

وی با طرح این سآله بر این افتقاد است که این میدان‌های گفت وگو و ارتباط بخصوص در



حوزه علوم انسانی وجود ندارد و در نتیجه تألیفات و کتاب‌های قابل توجهی عرضه نمی‌شود و در راستای همین جریان است که می‌توان پویایی حوزه ادبیات را در مطالعات فرهنگی تبیین کرد، چراکه سنت ریشه‌دار و پویای ادبیات در حوزه نقد ادبی و… منجر شده است که در مطالعات فرهنگی فعالیت جدی‌تری داشته باشد، بازخوردهای بیشتری از جنس متون همگانی و غیر تخصصی در فضای فرهنگی داشته باشد. با تلفیق منابع تألیفی و ترجمه‌شده نیز در مطالعات فرهنگی با گرایش‌های ادبی بیشتر وجود داشته باشد. در حالی که در حوزه علمی این بحث‌ها با مطرح شده است همین آنکه ضرورت استقرار این سنت علمی کاملاً احساس می‌شود. مستند جامعه ایران برای فعالیت جدی‌تر در این حوزه، به تنوع فرهنگی حاکم بر ایران اشاره می‌کند، تنوع حوزه‌هایی مانند هویت ذهنیت، قدرت و فرمت در جامعه ما زمینه‌ای است که علایق روشنفکرانه در این زمینه‌ها رواج یافته است و البته باید تلاش کرد این حوزه‌ها از طریق مطالعات فرهنگی به حوزه عمومی نیز کشانده شود.»

وی در پایان محدودیت پیش روی دانشجویان این رشته را در ایران عدم دسترسی کافی به منابع و ادبیاتی می‌داند که بتواند الهام‌بخش آنها باشد، در اینجااست که ضرورت ترجمه متون مرجم و اصلی این حوزه احساس می‌شود چراکه در آینده‌ای نزدیک اهمیت توجه به میدان‌های فرهنگی بیشتر خواهد شد و محققان و محققان خودش را در ایران خواهد یافت.

دکتر حسین پاننده،

صهیب میان ریشه‌های مطالعات فرهنگی

دکتر پاننده نیز با اشاره به این موضوع که

مطالعات فرهنگی «مطالعه درباره فرهنگ» به‌طور عام نیست می‌گوید، «مطالعات فرهنگی نام خاصی است که برای اشاره به رویکردی در پژوهش‌های اجتماعی و ادبی به‌کار می‌رود.»

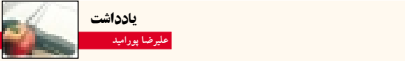
وی با بیان شرح کوتاهی از نحوه شکل‌گیری این رشته، در رابطه با خاستگاه این رویکرد می‌گوید: «خاستگاه این رویکرد، تحقیقاتی است که نخستین بار با همکاری استادان و پژوهشگران طبیی از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی شامل ادبیات ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، فلسفه و غیره در امرکز مطالعات فرهنگی معاصره در دانشگاه بیرمنگام انگلستان انجام شد. در آن تحقیقات، نظریه‌های برآمده از مطالعات ادبی و اجتماعی و غیره به‌نحوی بی‌سابقه برای فهم رفتارهای فرهنگی، مورد استفاده قرار گرفتند. به بیان دیگر، مطالعات فرهنگی از مدعه بنیادیش، صحنه‌ای کاملاً میان‌رشته‌ای داشته است. با در نظر گرفتن این پیروزمته، پیداست که وضعیت مطالعات فرهنگی در ایران هنوز چندان با تعریفی که از ویژگی‌های این رهیافت داریم مطابقت نمی‌کند.»

وی در رابطه با تحقیقات و تألیفات انجام شده در ایران، می‌گوید: «در کشور، ما تحقیقات میان رشته‌ای با شرکت استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی هنوز چندان رواج نیافته است و اغلب چنین تصوری کمّیت که هر کسی باید صرفاً در حوزه تخصص خودش تحقیق بکند. ایده همکاری متخصصان رشته‌های گوناگون برای انجام پروژه‌های تحقیقی مشترک، ظاهراً هنوز بدعت‌گذارانه یا حتی بی‌لتم تلقی می‌شود.»

این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در رابطه با ضرورت وجود رشته مطالعات فرهنگی در ایران می‌گوید: «این ضرورت قطعاً وجود دارد و این فکر می‌کنم بزودی خود را به برنام‌ریزان آموزشی عالی تحمیل کند.» وی با توجه به اینکه در سال‌های اخیر کتاب‌ها و مقالاتی از منظر مطالعات فرهنگی تولید شده و به‌صورت ترجمه در ایران به چاپ رسیده است می‌گوید: «خوانندگان انبوه کتاب‌ها یا مقالاتی که امروزه از منظر مطالعات فرهنگی در غرب نوشته می‌شوند، با برخی ترجمه‌هایی که در چندسال اخیر درباره این رویکرد صورت گرفته است، آرام آرام به محسوس‌تر شدن این ضرورت تمگ می‌کند. البته باید اضافه کنم که ظاهراً رشته‌ای با نام «مطالعات فرهنگی» در مقطع فوق لیسانس در دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می‌شود اما محتوای این رشته با مطالعات فرهنگی به معنای اصلی‌ی نقد ادبی و… آن اشاره کرد، فرق دارد.» دکتر حسین پاننده عضو شورای نویسندگان فصلنامه ازغنون خیر از تأسیس دانشگاه‌ای مختص مطالعات فرهنگی با همکاری دانشگاه وست‌مستر لندن در ایران می‌هدد و آن را به فال نیک می‌گیرد و می‌گوید: «باید منتظر ماند و دید که برنامه‌های درسی در این دانشکده تا چه حد در دسترس‌اندن این رهیافت پرطرفدار موفق خواهد بود.»

«در پایان گزارش باید گفت اگرچه حوزه مطالعات فرهنگی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شد با مطرح کردن دیدگاه‌های مختلف در این حوزه، سآله تألیف و ترجمه از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد می‌توان این نتیجه را استنباط کرد که این حوزه از حیث مامیت درونی و بیرونی چندان در قالب مشخصی جای نمی‌گیرد همانطور که از تلفیق حوزه‌های مختلف فکری شکل گرفته است و به نظر می‌آید حوزه خلاقیت طلب و اندیشمندانه‌اوست که برای رشد و بالندگی به متون تولیدشده توسط اندیشمندان این حوزه در آن سوی مرزها نیازمند است اما رشته‌ای بومی و غیر قابل تقلید است.»

کمبود کتاب‌ها در این حوزه به‌صورت تألیف و ترجمه در بازار کتاب ایران کاملاً محسوس است و به نظر می‌آید باید پژوهشگران دانشگاهی و غیر دانشگاهی در این حوزه نگاه جدی‌تری به آن داشته باشند.



یادداشت

علیرضا پوراسید

اثری ارزشمند از فرزند معنوی ابوالقاسم انجوی صفیه

«موسیقی رمضان در ایران» به نوشته هوشنگ جاوید، انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۴۲، ۲۲۰ صفحه، ۳۰۰ صفحه

ای خیال فانتز بر قامت آهم صفا
(برخ و دال) و (الف) پیوند بسته تا خدا
هوشنگ جاوید که از فرزندان معنوی و شاگردان شادروان استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی به‌شمار می‌آید به‌تعبیر و گواهی سیداحمد وکیلیان «... از زمانی که کودکی هفت هشت ساله بود و می‌نخاستم که با چه نوری و شوقی گفته‌های مایرزیگن شادروان -آهسته آهسته- در این صفحات کاغذی می‌نوشت و برای هرگز فرهنگ مردم می‌فرستاد...» (صفحه ۱۰۱، مقدمه کتاب).

از دوران خردسالی و نوجوانی در فضای مراهی دستان‌ها و آهسته‌ها، نفس‌های عمیق کشیده و گوش‌های نوجوانی و جوانی را با نغمه‌ها و نواهای بومی و ریشه‌دار نوازش داده و ایاتوس چشم‌چسته را از تقربیب بی‌سراب این‌ها و آداب بی‌دروغ و راستین روستایان و راست‌ریان و درست‌اندیشان، لبریز و لایب ساخته است و چکیده و خلاصه این دیدگاه و خوب شنیدن‌ها و آداب یادآورد‌ها و حسنج‌ها و پیوند‌ها را (هر آنچه از آنها که به رمضان مربوط می‌شده است) در کتاب فوق به‌گلاش در از اورد که باعث واحد موسیقی حوزه هنر به بازار نشر عرضه گردیده است و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. همانگونه که انتظار می‌رود کتاب را به معلمان خود رزنده یاد ابوالقاسم انجوی و نیز استادان محضر‌ها در روشنی که نت‌نگاری نغمه‌ها و نواها را برزگزارانه قلم نموده و انجام داده است، تقدیم کرده تا درس اول ادب را به خوبی پس دهد.

فصل‌ها و بخش‌های کتاب

کتاب موسیقی رمضان با چهار مقدمه از آقایان رضا مهدوی (مدیر واحد موسیقی حوزه هنری) و محمد حامیان سپهر (مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد) و سیداحمد وکیلیان (پوهنگو و سخن فرنگ ملی و مدیرمسئول فصلنامه فرهنگ مردم) و نیز بهروز وجدانی (مؤلف کتاب فرهنگ موسیقی ایران) آغاز می‌شود که پس از این چهار پیشگفتار، مؤلف کتاب (هوشنگ جاوید) به‌یادداشتی کوتاه به انگیزه‌ها و دلایل شروع ویرایش و جلجان شوق و دلشنگی به این‌ها و بویژه‌های فرهنگی در خویش اشاره‌ای نموده و از باران و بارشش در این حوزه، نامبرگ است.
ورود به مباحث و فصل‌های کتاب با شرح «این سحر» و بیان شیوه‌ها و شکل‌های اجرایی آن آغاز می‌شود و در ادامه به «آزاده‌های نیمه ماه رمضان» پرداخته که به همراه فصل بعدی یعنی «این نوبت زنی تا قناره‌وی» از گسترده‌ترین و مفصل‌ترین بخش‌های کتاب محسوب می‌شوند. سه بخش پایانی کتاب به نام‌های «رو در روی» و «اضافات»، «حرامی» و «تعلقات» و «ششده‌ها» به قلم محبوت تحقیق‌های بنیادی و محوری و «علیه در خور» و «ششده‌های سرزمین» است. نکته قابل اشاره، طرف و رنگ بیشتر تحقیقات، مطابق با تمایز با محققان کهنه‌کار ای در این کتاب است که با دقت و توجه بیشتر در چاپ‌های بعدی، به راحتی تبدیل به کلیکی مآخذ و مرجع رجوع خواهد گردید که اتفاقاً حضور، اینگونه کتاب‌ها (به لحاظ کنی و فیزی) در مجموعه منابع مکتوب موسیقی ایران‌زمین «موجب و لزومی» فرقیال ندارد.

نواز پرده غیب است ای مقام شناس
نه از گزلی غزغزخان نه از رگ سناست
(اتل لاجوری)

کتاب

نشر جیحون

شده و نیمی از هر صفحه به تصاویر رز در حال‌های مختلف اختصاص دارد. در پایین هر صفحه هم جملات کوتاه و قصاری آمده است.

جلد دوم گفت‌وگو با خدا نوشته فیلیپ لا با ترجمه زهره زاهدی دیگر کتاب جیحون است که دو متن فارسی و انگلیسی به همراه نقاشی درصحنات آن آمده است. در جلد اول این کتاب که در حال گذشت منتشر شده، بوده‌های نقاشی از هنرهای منظر طبیعی استفاده شده بود و نویسنده آن ریئاستیگرند بود و با ترجمه علی محب خسروی راهی بازار نشر شده بود.

انتشارات جیحون تمامی این کتاب‌ها را در سال ۸۳ منتشر کرده است.

کتاب طنز

کتاب «طنز» نوشته آرژون پلارد با ترجمه سعید سعیدپور به چاپ سوم رسید. این کتاب که توسط نشر مرکز منتشر شده، از مجموعه «مکتب‌ها، سبک‌ها و اصطلاح‌های ادبی و هنری» است که تاکنون ۱۲ عنوان آن از جمله «کمدی، استعاره، درام، رمانتیسیم، رئالیسم، ناتورالیسم و…» راهی بازار نشر شده است.

این مجموعه در کل شامل ۳۰ عنوان است که از میان کتاب‌های مجموعه the Global Menu برگزیده شده‌اند. کتاب «طنز» نیز مانند دیگر کتاب‌های این مجموعه یکی از مقاله‌های مهم ادبیات بررسی و واکاوی می‌شود. پس از نشان دادن جلگه طنزپرداز در قبال جامعه و محیط و مدتها و چگونگی نگارش اوبه بیرون خویش، منابه نیاز اوبه پیوند دادن توجه به مسائل عینی زندگی روزمره با حفظ و تقویت جنبه‌اندوختی تحلیلی بررسی می‌شود. بخش بعدی درباره موضوع‌های است که دستمایه طنزپردازی قرار می‌گیرند و نحوه رویکرده طنزپرداز به آنهاست. سپس نحوه و طرق گوناگون طنز از جمله رول طنزپرداز در زمان، استعاره، طنزآمیز، سحرآمیزی، شخصیت‌سازی، کاربرد واژه و نحو و بیان منظم استاندارد شده‌اند و درباره اصطلاح‌های چون شوخی، استهزاء، تمهت، کلیه، تمسخر، آمیز، زخم‌زبان، تکلفی، مفحکه، جسور، تکلفی و هزل و غزوات‌های آنها کند و کاو شده است. کتاب با بررسی رابطه طنزپرداز و خواننده پایان می‌گردد و در سراسر کتاب نقل قول‌هایی از متین‌های کلاسیک ادبیات انگلیسی و اروپا به‌رساندن منظور باری کرده‌اند. تعداد صفحات کتاب طنز ۱۰۴ و قیمت آن ۱۱۰۰ تومان است.

نشر جیحون کتاب‌های فرهنگ نمادها، سفر روح (۲ جلد)، گفت‌وگو با خدا و خلقت زن را منتشر کرد.

جلد سوم فرهنگ نمادها نوشته ژان شوالیه و آن گریوان با ترجمه سوده فضایی راین انتشارات نشر کرده است.

در این جلد به اساطیر و زیاده‌آسوم، ایماه و اشاره، اشکال و توالبه، چهوه‌ها، رنگ‌ها و اعداد از حرف‌ح تا می پرداخته شده است.

کتاب اسفر ریح‌رحی در جهان معنوی و دیدار از طبقات مختلف برونخ با هیپوتیزم است. این کتاب را داتر میکیل نیوتن تألیف و دکتر محمود داتایی ترجمه کرده است.

کتاب «خلقت زن» نوشته شهرزاد قنوجی و دارای متن ۱۲زبانه است. این کتاب در صفحات گلاسه چاپ





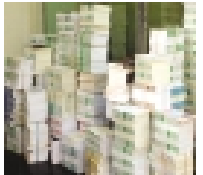
راسته کاتبروش‌ها

مهرالله حدادی

رطب و منع رطب

سهیلات بانکی و از آنجا که الحیدلله قیمت زمین و ساختمان در تهران و ایران،روزبه‌روز افزایش پیدایم‌کنند، «سر سال»ملک‌مان دوسه برابر شده و تاریخ تورم بالا، اصلاًاقساط بانک هیچ فشاری را متوجه ما نمی‌کند و چه‌بسا که چندقسط را نیزدایم و بالادک «واخواست» آن را با تأخیر پرداخت کنیم و به این ترتیب میلیونر که چه عرض کنم،میلیاردر می‌شویم.

وقتی هم که سرافغان می‌آیند و می‌پرستند،وضع چطور است؟ فریادمان به عرش می‌رسد! آیا اقدام وضع، از بی کاری و بی پولی و حضور طلب کار بر در، خیال تغییر شغل داریم و اگر ساندویچ فروشی باز می‌کریم، حالا وضعمان خیلی بهتر بود و در حالت عکس این قضیه، قیافه حق به جانب می‌گیریم و ادعا



داریم، ما فرهنگ هستیم!

می‌دانم این سطور را عده‌ای بر نخواهند تافت و ایروگر خواهند کرد و چه‌بسا پاسخ دندان‌شکن نیز ابراز و ابرسال‌دارند، اما من به گفتهٔ ایمان و یقین دارم و برای کلمه کلیمه‌اش، دلیل وینه و سندی و پرهان حاضررم ارائه

کنم. «شترسواری که دولا دولا نمی‌شود و اگر روزی خواست وزارت ارشاد و هیأت امانا و دیگر مراکز و دوائر دولتی بر این تعلق گیرد که فقط ناظر خوبی باشد و بخرد و نه سوسپد بدهند و خبری از وام و غیره و فالک باشد، آن وقت چه وضعی پیش خواهد آمد؟

اگر قرار است کشور از سیاست تک‌محصولی رهایی یابد، آیا ریاضت اقتصادی لازم نیست؟ کجای این مملکت بدون وایستگی به دلارهای نفتی و تنها با کار و تلاش

کتاب

فرهنگ تصویری ورزش

فرهنگ تصویری ورزش و عنوان کتابی است که سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر کرده است.

مرجع پژوهش‌ها، پژوهش و موسوعات مرتبط با آن است. در این مجموعه دانشنامه‌ها، دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های لغت عمومی و تخصصی ورزش برای سطوح مختلف از مجازان ورزشکار با دست‌اندر کار ورزش‌نویسان می‌شوند. هدف از تهیه و تنظیم این مجموعه کمک به ارتقای سطح دانش کمپوز در حوزه ورزش و تربیت بدنی است. فرهنگ تصویری ورزشی که کاری است از علیرضا پیرممتاز و شهره مدرسی تهرانی، زیر نظر محمود صالحی طوی تألیف شده است. این فرهنگ که به سه زبان فارسی، انگلیسی و آلمانی است، به کمک زبان گویای تصویرهای ساده، به شرح مطالبی از ۱۶۰ ورزش مختلف می‌پردازد که در قالب توشاها به سادگی قابل ارائه هستند. در این فرهنگ تصویری، مطالبی دربارهٔ قوه، قواعد، قوانین، زمین و تجهیزات، ابزارها، بازیکنان و دهها مطلب مورد نیاز دیگر قابل دسترسی است. سازمان چاپ و انتشارات، این فرهنگ را در پاییز ۱۳۸۳ در ۱۰۰ نسخه و با قیمت ۶۰۰۰۰ ریال به بازار نشر عرضه کرده است.

چهره زمین پدیدانست، پرویز روزش، نشر نو، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۳۶ صفحه، ۱۲۰۰ تومان

«زمین عاشق است عاشقش رودار، در لحظه‌های صغیر او پروانه‌هایی که روی یک کپ‌های پرواز می‌کنند.»

شعرهای این مجموعه پرویز روزش چونان اثر بر روی زمین حرکت می‌کنند و بسان ستاره‌های شبانه‌ها را با به نمایشان جهان می‌برند. این مجموعه که زمین را چون نقطه‌ای کوچک از دورترین نقاط جهان به ما نشان می‌دهد، تصویرهای خود را از روزهای گذشته زمین و بیم و امیدهای آینده آن وام گرفته است.

«چهره زمین پیدانست، از درجه‌ای شاعرانه، چشم را به جهان نگاه کردن تشویق می‌کند و همچون شگفتی که چوچولر از آسمان و زمین سیر می‌کند، جغرافیای این مجموعه تمامی جهان است و در ذهن کتاب تمام دیوارها درافتته شده است.»



ساخته شده است؟ اگر قرار است ایران را بسازیم، پس چگونه اقتصاد بدون نفت ارامی توایم تداعی هستیم؟ کجای اقتصاد این مملکت توایلی آن را دارد که بدون وابستگی به نفت خود را اداره کند؟ آیا جایی را نشان دارید؟ پس چرا شعار؟

«همه چیز ما دنگ دنگ است و همه یک رنگ» و «الاث خانه به صاحب خانه رفته است» و وابستگی صنعت نشر کشور، آشکار عیان و آشکار است که آفتاب آمد دلیل آفتاب» را نتاعی می‌کند و کالی نفتی روز و حمایت‌های آشکار و پنهان وزارت ارشاد ادکی سست شده و همگان فغان بر دارند که دولت بی‌اعتنا به امور فرهنگی است و چنین و چنان.

وطیعی است که در این رهگذار آنان که غنی ترند، محتاج ترند» اظهار نظر یکی از پرکارترین ناشران کشور- که بدون لایمی در چاپ کتاب‌های کم‌حجم و یک شکل دارد- پیرامون حمایت‌های وزارت ارشاد از تعداد معدودی از ناشران، جای تعجب و تأمل بسیار دارد و من مادام اعتراض به چه چیزی؟ مگر بر سر این خوان‌نرمت حاصل از دل‌های نفتی خودمان نشسته‌ایم و تناول نمی‌کنیم که دیگران را به عطنه می‌گیریم و می‌گوییم، تو چرا محجوری؟

طی سالیان گذشته انواع و اقسام حمایت آشکار و پنهان و بی‌دریغ از وزارت ارشاد دیده‌ایم که حد ندارد، از پرداخت و نقد به عنوان پاره‌نامه گرفته تا پیش خرید کردن کتاب و تضمین خرید و وام‌های جور واجبور، و وام‌هایی که با سهول ترین شرایط پرداخت شده و می‌شود و بدون تعارف ریشه در وابستگی اقتصادی دارد و می‌شود من نمی‌دانم چه جای طعنه زدن و انتقاد و فغان و هوار بر آوردن دارد؟

اگر می‌خواهیم کشور براستی به دلارهای نفتی وابسته نباشد، چقدر حاضر به فداکاری هستیم؟ اگر روزی قانون «کپی رایت» نیز در کشورمان حاکم شود، تکلیف‌مان چیست و آیا حاضر هستیم بدون وابستگی به دلارهای نفتی، حق و حقوق ناشر اصلی را ادا کنیم؟ ناشری که در یاد وام و عدم تکلیف در برابر قوانین جهانی می‌تواند، آیا می‌تواند مبالغ به حق برای اقتصاد بدون وابستگی به نفت باشد؟

من می‌دانم در تمامی دنیا، برای اشاعه فرهنگ ر کار کشوری، تمامی دولت‌ها، بهی‌آینا را می‌پردازند، اما امید می‌دانم این میزان که دولت‌مان انجام می‌دهد، جایی نتوان سراغ گرفت.

وزارت ارشاد برای آنکه بر سرش منت نگذاریم که کار فرهنگی می‌کنیم، باید به ما بدهد، بخوریم و بنیاید که نمیریم! و کالی است قدری این پاییدن سستی می‌گردد و قشقرق برپا کنیم که این چه حمایتی است؟

من هیچ مخالفتی با ارائه‌ها و حمایت‌ها ندارم، اما تو را به خدا ارفب تخوریم و منع رطب هم نکنیم» و حالا که همه و هر کس به فراموش خود بر اساسی میزان تلاشش، از این سهیلات بهره می‌گیرد، چه جای اعتراض؟

آیا به راستی «کلاه خود را قاضی کرده‌ایم» و پرسیده‌ایم که اگر روزی ارشاد کتاب بخرد- که هیچ اجباری هم به خرید ندارد- ما چه باید بکنیم؟

اگر روزی ارشاد تصمیم گرفت که نمایشگاه در تهران و شهرستان‌ها به راه دیندازد، ما چه باید بکنیم؟

اگر روزی بانک‌ها تصمیم گرفتند که دیگر به کتاب و مطوعات وام ندهند، ما باید اداکنه چه کنیم به دست بگیریم و فغان براوریم؟

اگر دولت نخواست به کاغذ پاره‌انه بدهد، چه؟ خواهیم کرد؟

یک سوزن به خودمان بزینیم و یک گول‌دوز به دیگران انصاف چیز خوبی است.

و چه خوش گفته است سعیدی بزرگوار: عالم بی‌عمل، همچون زنبوری غسل است و آنکه می‌خورد و نگوشت می‌کند، اگر عالم بی‌عمل نیست، پس چیست؟

یادداشت

نکاهی به کتاب تاریخ لیاپس نوشته روت ترنر ویل کاکس

نیاکان ما

چه می‌پوشیدند؟

تاریخ لیاپس، روت ترنر ویل کاکس، ترجمه شیرین بزرگنهر، چاپ سوم، ۱۳۸۳، شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه، ۳۵۰۰ تومان

«تاریخ لیاپس از آن کتاب‌هایی است که می‌تواند مورد استفاده افراد گوناگونی قرار گیرد. از جمله طراحان لباس، طراحان سخته‌نقش، نقاشان با کوسیده‌ها، همه علاقه‌مندان به میثت لباس و پوشش، در اینجا مختصری به نکات خاص این کتاب اشاره می‌کنیم. ۱- چاپ اول کتاب به سال ۱۹۹۲میربط می‌شود، اما در چاپ‌های بعد، نویسنده هر بار فصل جدیدی را به کتاب اضافه کرده است و در نهایت تاریخ لیاپس از آغاز تا سال ۱۹۵۸ را مورد بررسی قرار داده است. او در چهل و یک فصل این تاریخ از مورد بررسی قرار داده است. ۲- نگاه نویسنده به تاریخ لیاپس کمتر با کنش اجتماعی و فرهنگی و توسعه اقتصادی انجام شده است.

فرهنگی و توسعه‌های دیگر در صورت شرط دیگر تاریخ لیاپس کتابی است که برای آشنایی با تاریخ لیاپس آلمانی که شرح خوبی را بای هر عنوان عکس می‌دهد.

۳- نویسنده تاریخ خود را از زمان معمر شروع کرده که به حدود سه هزار سال پیش از تاریخ مسیح می‌گردد، و در این فصل علاوه بر شرح نوع پوشش معمران باستان، به جسن لیاپس آنها هم توجه داشته است و مورد هر دو موضوع از ملبس چون سکه‌های قدیمی، تندیس‌های به جامانده، فرش، حاکم‌های روی انعام

معرض استفاده کرده است.

۴- در فصل‌های بعد، نویسنده برای نشان دادن میل و آشنو، می‌توان باستان، «پروستان»، ایران، ایسلان» و سایر نواحی را به تفصیل بیان کرده است. نویسنده کتاب معتقد است که پوشاک ایرانیان از حد حالی که امروزه لباسیان و آشوبان بوده، خود اکتالی گوناگون قابل توجه داشت، کاکس از روی نقش برجسته‌های اریایی به این نتیجه

رسیده که در این دوره تاریخی، مردم آریایی لباسی گشاد می‌پوشیدند که لباسی بود با آستین‌های گشاد که به صورت پله‌های درشت در پشت با فر فر می‌گرفت و «و فقط مردان بلندپایه اجازه داشتند کتس بپوش کنند، که آن را نیز به پهلایه عبیه می‌دادند و معتقد است که این لباس‌ها به رنگ سفید مایل به آبی بود و تزئین‌هایی با رنگ سفید و تفرهای دلشت در حالی که کتس‌های گروه‌های اجتماعی پایین‌تر سرخ رنگ بود، نویسنده در مجموع پنج صحنه‌ای که به لباس اریایی از دوره ساسانی تا جنگ‌های صلیبی دریاخته، دو صحنه را به تصویر این لباس‌ها اختصاص داده است.

۵- در فصل‌های بعدی، نویسنده، پوشاک مردم اروپای شمالی، نخستین سده‌های میلادی، «ایرانی»، «ایالتی قرون وسطی» و «را بی گرفته است. نکته جالبه در کتاب کاکس این است که دوره قرون وسطی و بعد از آن را در کشورهایی مختلف مورد بررسی قرار داده است.

۶- با کتی دقت می‌توان به نکته جالبی در سیر تحول لباس رسید. همواره بعد از یک دوره ساده‌گرایی یک دوره تجمل‌گرایی وجود داشته است. به عنوان مثال، مردم فرانسه در دوران لویی شانزدهم، بشدت به تجملات لباس خود اهمیت می‌دادند، در حالی که کتی بعدو در انقلاب فرانسه، رویه ساده‌گرایی می‌آوردند. آنها می‌خواهند با این کار به انحلال طبقاتی پایان دهند. ۷- تاریخ لباس و پوشش آلمانی در دوره‌های مختلف، گوناگونی نیز شده‌های شده برای نوع آرایش مردم در آن دوره تاریخی می‌تواند این نکته را فراموش کنیم که نویسنده وسایلی مانند کمبک، کلاه‌گیب، و ریان -و- را نیز جزو لباس محسوب کرده و به این ترتیب با خواندن این کتاب، می‌توانیم تاریخی هر چند مختصر، اما کامل از پوشش مردم در طی تاریخ داشته باشیم.



حق داریم بخوانیم، حق داریم بیافرینیم

دیدار از آموزشگاه استثنایی نابینایان حضرت عبدالعظیم (س)



تا مهر ۸۳ که خانم فغوری اینجا بودند، یک کتابخانه منحصراً به فرد در تهران بود. کتابخانه‌ای که در آن دانش آموز نابینا برای پیدا کردن و خواندن، خواندن و برگرداندن کتاب از کمک دیگران می‌توانید، چرانیاید یا همان روش اداره شود؟

اوپایس می‌دهد، خانم فغوری در حال حاضر ما همگاری نمی‌کنند، به مجمع نابینا روی رفته‌اند، شاید بتوان با استفاده از تجربه ایشان، چسب‌ها و نیازهای کتابخانه را طبق سیستم ذیوی تأمین کرد.

البته ما قصد داریم به محظی آنکه کتابخانه کمی مرتب‌تر شده، دوباره آن را به سیستم ذیوی مجهز کنیم، خود خانم خسروچرندی این کار را خواهد کرد.

از خانم خسروچرندی در مورد بخش کتابی کتابخانه می‌پرسم می‌گوید:

هدف این بخش بیشتر پوشش دادن به مواد درسی، به‌علاوه در صدکلی از کتاب‌های گویا فغوری درسی، کتابخانه کامپیوتر هم دارد؟

خانم نعمانی پاسخ می‌دهد:

نه، مدرسه ما فقط یک برجسته‌نگار دارد، اما مشخص کتابخانه نیست.

عوب، چرا کتابخانه را رفتار از این نیست؟

کتابخانه دیجیتال؟

ایزیت داریم، بلکه هم سیستم فقط آموزش آن مانده که این هفته انجام خواهد شد، سیستم ذیوی هم راه‌اندازی خواهد شد.

پس می‌توانیم به‌چهاره جدول کنیم، من به‌چهاره نابینایان را نباید محدود کنیم، من خودم این اعتقاد را دارم، کمی زمان لازم داریم، مشکلاتی داشتیم، اما آقای قلمی رئیس سازمان آنها را حل کردند، فضای آموزشی کوچک است که قول داده‌اند را توسعه بدهند.

تاریخچه در دست امیدفری هست

بیماری درمان‌ناپذیر «امیو» دوباره به سراغ من می‌آید، یعنی من است کاری که خانم فغوری خانم طاهری و دیگر چه‌های گروه کتاب گویا با آن همه زحمت انجام داده‌اند، به هاتر بود؟

منگن است تجربه تبدیل یک کتابخانه شرفانی به کتابخانه‌ای زنده و پویا در این مجمع بگویی شود؟

است این تجربه در همه کتابخانه‌های نابینان تکرار شود؟

منگن است مجمع نابینان روی کی کند کار برای همه کتابخانه‌های رجب و... و به‌نوبه کند؟

از مردم نیکوکار و سازمان‌های غیردولتی کمک گرفت؟

منگن است تلاش‌های منظمی صرفاً کار راه‌اندازی شده و آموزش ایزیت به چه‌های نابینا را برعهده بگیرد، همه به‌نام که دیگر حواس این چه‌ها طور قابل توجهی غریب می‌شود، منگن است با دسترس آنها به کتاب و اطلاعات، احساس‌های غریب‌یافته آنها محال بروز کند؟

استفاده‌هایشان شود؟

ما هیچ وقت نمی‌توانیم فضای آنها را دو کتیم، فکرش را کنی اگر آنها شروع به نوشتن کنند، چه آثار خود می‌توانند بگویند، برای ما خلق خواهند کرد، آنوقت، فکرش را کنی...

چه‌ها همچنان تمرین سرود می‌کنند...

اولی با این بل‌کنند، چه‌ها کچن دوام می‌دهند... منگن پرواز با توانه... تا شود این کار خواهند... جاودانه... جاودانه...

میرا هم گفت، البته اگر کتابخانه هنوز سرپا باشد... سیرانی شد؟

نمی‌توانم از وقتی مدیریت مدرسه تغییر کرده با ما تماس نگرفته‌اند، یعنی از مهر ۸۳ خانم فغوری هم آنجا نمی‌روند، نمی‌دانم الان کتابخانه چه وضعی دارد، می‌توسم زحمت‌های ما به حذر رفته باشند...

هست که ما با توک انگشتان می‌توانیم بخوانیم... اما خیلی سخت است، من که نمی‌توانم...

اگر بخوام می‌توانی... میرا هم با پنج حکم به به‌هجوم گویید، تو را به خدا شاعر ندانی و روستاهای خلخال، اینجا ما، چه کلی به سرچه‌های نابینا زده‌ایم؟

میرا هم گفت، البته اگر کتابخانه هنوز سرپا باشد... سیرانی شد؟

نمی‌توانم از وقتی مدیریت مدرسه تغییر کرده با ما تماس نگرفته‌اند، یعنی از مهر ۸۳ خانم فغوری هم آنجا نمی‌روند، نمی‌دانم الان کتابخانه چه وضعی دارد، می‌توسم زحمت‌های ما به حذر رفته باشند...

هست که ما با توک انگشتان می‌توانیم بخوانیم... اما خیلی سخت است، من که نمی‌توانم...

اگر بخوام می‌توانی... میرا هم با پنج حکم به به‌هجوم گویید، تو را به خدا شاعر ندانی و روستاهای خلخال، اینجا ما، چه کلی به سرچه‌های نابینا زده‌ایم؟

چیزی به من بگو... دستی به من بده... راهی به من بخش... و... آفتاب کنی... این جملات تشنگی را از خودت می‌گویی یا از کتاب می‌خوانی؟

از کتاب می‌خوانم... خوش به حال من، نمی‌توانم بخوانم... نمی‌توانی بخوانی؟

نمی‌توانی بخوانی؟

نمی‌توانی بخوانی؟

از ظاهرش پندار، بالابند بود و طرف با صورتی زبانی پوستی چون گل، راحت ایستاده بود و میله متور را به دست داشت...

زنی می‌تواند روی صندلی کنار میله نشسته بود گفت:

با درد دارم... نمی‌توانم سر بمانم... من راست ندارم... ایستادن که چشم نمی‌خواهد ولی خواندن، من شعر خیلی خوب دارم ای خانم روز و سعی می‌کرد صدایش نرزد... شعر آدم را به یک دنیا دگر می‌برد...



شروچرندی

شوق پرواز

در حیط بزرگ مدرسه دخترها، با رویوش های رنگارنگ، گله‌به‌گله برکنده بودند، با رنگ‌های شاد و روشن.

آرای یک گروه همخوان از دور به استقبال ما آمد، رنگ این دریا چه تشنگه... بال پرواز من... بال پرواز من... بال پرواز من... بال پرواز من... صدای پای می‌پیچید، دور و نزدیک می‌شد، لوج می‌گرفت:

بوقی من دارم شوق پرواز... شوق پرواز... شوق پرواز... هرچه جلوتر می‌رفتم، صدای دیکتر و واضح تر می‌شد.

آرزویم این بوده ز آغاز... به کتابخانه رسیدیم، چه‌ها در کتابخانه تمرین سرود می‌کردند، خوب، دست کم کتابخانه به درد این کار می‌خورد، خانم فغوری خالی است کتابخانه نابینان کتابخانه... او و چه‌های گروه کتاب گویا، شورا چه زحمتی برای راه‌اندازی این کتابخانه کشیدند، در کتابخانه سرود تمرین می‌کنند چون گروه سرود جانلارد یا چون کتابخانه فعال نیست با هر دو!

کتابخانه با نقشه‌های کتاب، میزها، منادلی‌ها و پرده‌ها هارز است شده است، همه جور کتاب از درسی و غیردرسی و مرجع در نقشه‌ها هست، همه نقشه‌ها برجسته دارند، اما نه به خط بریل بلکه به خط بیانی، برجسته‌های روی کتاب‌ها، با خط بریل و به روش ذیوی است، برجسته‌هایی که خانم فغوری، کتابدار

یاد

پویندگان فروتن و ناشناخته

به بهانه ۱۸ آذر، سالروز درگذشت «بانوی شکوهمند قصه‌ها»

فردوس وزیری (۱۳۵۸-۱۳۳۸)

نه آموزگار، نه تکلیف‌ها، نه حتی بسیاری از نویسندگان کودک، و نوجوانان، یک انسان ساده بود، یک زن، یک قهرمان واقعی.

عنوان «مجموعه داستانهای معلمی پوشیده» سال‌ها آموزگار تأثیرگذار دبستان‌های تهران و اهواز پرواز سال ۱۳۴۴ به شورای نویسندگان مجله‌های یک‌پوست نزدیک به ۵۰۰ قصه و داستان و شعر برای کودکان آفرید و به نام‌های مستجاب کرد.

در آن روزها که کودک «داخل آدم» نبود، فردوس شیراز به انبیاات کودکان رساله نوشت و کارگاه ساده‌نویسی برای کودکان و نوجوانان برپا کرد که روش پیشرفته تکلیف‌رشی را در کشور ما بنیان گذاشت.

در سال‌های ۲۲۴۴ هم آموزگار دبستان و هم مدیر تکلیف‌رشی‌های سخن و ایران تهران بود برای خلق داستان‌های کودکان، از قصه‌های عامیانه از ادبیات کهن و از اندیشه‌های نوپاری گرفت، زبان او ساده و روان، پخته و پیراسته و درون‌مایه قصه‌هایش همه زیبایی، راستی، دوستی، دلالی و مبارزه برای آزادی‌زیستن بود، زمانی

نوشت: «راست است که قصه نمی‌تواند جانشین زندگی شود، ولی قصه می‌تواند زندگی را پربارتر و شیرین‌تر کند» و خانم وزیری زندگی‌های بسیاری را پربار و شیرین کرد، ادبیات کودکان ما، می‌تواند با نامش را شناخت، بسیار وامدار او است و وزیری نام‌های نام‌ناشنای هارز است، پروین دولت‌آبادی او را نامی‌های شکوهمند قصه‌ها، هارز است و ایرج جهان‌شاهی در سوگش نوشت: «من نوشته‌هایش به بسیاری از کودکان و نوجوانان این کشور چون هر معلمی، ریشه داد و همین بسند شد که همواره در یادها و خاطره‌ها و در اندیشه کودکان امروز و فردای کشورمان جاودانه بماند».

وزیری، برای خود، نمایی جاودانگی هم نداشت، جاودانه اندیشه او است، انسان بودن او را می‌که امروز رهروانی پرشمار دارد و دستارداران کودک و نوجوان! خانم وزیری، پیشرو در همه کار، جنگجو و راه‌گشود، نردبار برای اسرافان خون راه با نجاحت و وقار به پایان برد، او در ۱۸ آذر ۱۳۵۸ چشم از جهان فرو بست.



از دشواری‌های یک حرکت

گفت و گو با فعالان راه اندازی کتابخانه آموزشگاه استثنایی نابینایان حضرت عبدالعظیم (س)

«کتاب بنیانی ما نابینایان است؛ از شگفتی‌های جهان ثور و روشنائی پرده برمی‌دارد و با اندیشه‌ها و دستاوردهای انسان‌ها آشنا می‌کند تا از محدودیت‌های جسمانی خود فراتر رومیم.»

ملن کار

۱۲ آذر روز جهانی معلولان بود کسانی که هر چند محدودیت‌های جسمانی آنها را از زندگی طبیعی حیات برخوردار نوند بی‌وزیر از تجربه آفرینش‌های هنری و گل‌سرسبدان کتاب.

برای تکمیل گزارش تهیه شده از کتابخانه مجتمع دخترانه نابینایان حضرت عبدالعظیم، شناسا را به خولیت سخنان فعالان راه اندازی کتابخانه دعوت می‌کنیم.

زهرا غفوری، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه تهران، کتابدار پیشین آموزشگاه، مصمم کتاب‌های بریل در مجتمع نابینایان رودکی، فرزانه طاهری قندهاری کارشناس ارشد کتابداری و عضو گروه کتاب گوئی شورا‌ی کتاب گوئی و ترگس السادات آیت‌اللهی، کارشناس ارشد کتابداری.

خانم طاهری، در مورد راه اندازی این کتابخانه توضیح می‌دهد؟

فکر می‌کنم استفاده از بودجه که در شورا یا خانم غفوری آشنا شام، ایشان به عنوان کتابدار مجتمع کلگی به شورای کتاب گوئی می‌آمدند، در همان زمان آموزشگاه به منظور رسمی از شورا خواست کتابخانه مجتمع را راه اندازی کنند. ما فکر ایجاد یک کتابخانه آموزشگاه ساه به انجام رفتیم اما وقتی شوق و اشتیاق



خانم غفوری و بچه‌ها را دیدیم و منابع و تجهیزات را بررسی کردیم، به این نتیجه رسیدیم که باید طوری راه اندازی شود که برای دانش آموزان نابینا قابل استفاده باشد. کتابخانه آن موقع گوشه یک سالن ورزشی بود با رفت و آمد مسر و صدای فریاد مادر وقت مجتمع، خانم میرعلی به دلیل مجوز برای ساختن کتابخانه جدید بودند. ایشان با یکتری و علاقه همیشه در مورد پیشرفت کار و دشواری‌ها از ما می‌پرسیدند و آنجا که امکانات محدود مجتمع اجازه می‌داد به ما کمک می‌کردند.

کتاب‌های موجود در کتابخانه چه بود؟

بیشتر کتاب‌های درسی و تعداد کمی کتاب غیردرسی. **کتاب‌ها به خط بریل بود یا بنیانی؟** برخی کتاب‌ها به خط بریل بود، برخی بنیانی. برای همین فهرست نویسی مشکل بود. کتاب‌های درسی در طول سال پیش بچه‌ها بود و در پایان سال به کتابخانه برمی‌گشت. تعداد کتاب قدیمی بنیانی هم بود که زیاد

مورد استفاده نبود. آنها را به کانون توسعه فرهنگی دادیم. بعد با یک اصحبت کردیم در دو مرحله کتاب‌های بریل را که از دور خارج شده بودند به یک فروختیم و با پول آن و کمک مالی افراد خیر به گروه گوئی، به مجتمع رودکی سفارش کتاب به خط بریل و کتاب‌های گوئی را دادیم.

راه اندازی کتابخانه دشوار بود؟

بله فهرست نویسی، زود بندی، فریال کردن کتاب‌ها، چیدمان و... ما دو گروه مخاطب داشتیم. آموزگاران که گروهی بینا بودند و بچه‌ها نکته اساسی



این بود که اگر قرار است دانش آموزان به مقاله تحصیل خوبی بروند، باید مدل دیگران و بدون نیاز به کمک، بتوانند از کتابخانه استفاده کنند. با دست کم با شیوه پژوهش برگ‌ها بر حسب‌ها و راهنماها به خط بریل باشد.

و کار آسانی نبود. اصلاح روایت کلیه استانداردهای برگه نویسی و برجسته نویسی به خط بریل خیلی سخت بود. فقط دانش و توانایی و شوق و شوق خانم غفوری آن را ممکن کرد. بابت بریل با دستگاه برگزین انجام شد. تمام برگ‌ها تقریباً درست مثل یک کتابخانه بنیانی بود ولی به خط

چند عنوان کتاب به این ترتیب و با خط بریل آماده شده؟

۹۹ عنوان از قبل بود. ۱۱۵ عنوان هم از مرکز رودکی خریداری شد. اما همین تعداد کتاب هم خیلی کار برد. من سال‌هاست که کتابدار هستم و در بسیاری از جاها کتابداری کرده‌ام. اما کار در این مجتمع یک تجربه بی نظیر بود. من خیلی چیزها یاد گرفتم. این آموزشگاهها موقعیت ویژه دارند و کار ویژه هم ملینند. با خانم غفوری یاد گرفتم که یک کتابدار نابینا خیلی بهتر از یک کتابدار بینا می‌تواند در کتابخانه نابینایان کار کند.

متأسفانه کار ما تمام ماند. زمانی که می‌خواستیم آن را به سیستم‌های الکترونیکی و کامپیوتر مجهز کنیم. مدیر مدرسه عوش شد و مدیریت جدید برای ادامه کار با ما تماس نگرفت. البته خانم غفوری در فرهنگسرای مدرسه در بخش نابینایان کار با کامپیوتر و چاپترنت را یاد گرفتند ولی مدرسه از این دانش استفاده نکرد. لاید هم امکانات نبود هم ضرورت آن را احساس نمی‌کردند. و کتابخانه‌ای که به گواهی پایان نامه خانم آیت‌اللهی منحصراً به فریود، به بالاستفاده ماند و سیستم آن دویاره تغییر کرد.

خانم غفوری، شما چرا مجتمع را ترک کردید؟

من در دوره کارشناسی ارشد قبول شده بودم و نمی‌توانستم تمام وقت آنجا باشم. اما اگر من کمی همگاری می‌شد، مل می‌خواست این تجربه را ادامه دهم.

تجربه‌ای که برای خود من هم به عنوان یک دانشجوی کارشناسی ارشد مفید بود. همکاران شورا از راه‌های دور، یک سال و نیم هر پیشینه، حتی تابستان‌ها به اینجا آمدند تا راه اندازی شد. شاید ترک آنجا برای خود من هم یک

نقطه ضعف به حساب بیاید. شاید باید فشار کار را تحمل می‌کردم و می‌ماندم ولی باور کنید شرایط کار برای من عالی نبود، هنوز به کمک احتیاج داشتم.

خانم طاهری، معروفیت مدرسه ادامه داده، شورا چرا پیگیری نکرد؟

شورای کتاب کودک کارش، ترویج، آموزش و ساماندهی است. شورا فقط راه اندازی می‌کند. ادامه کار یا خود گروه است. **خانم آیت‌اللهی، از پایان نامه شما به عنوان یک کتابخانه مجتمع حضرت عبدالعظیم به عنوان یک سنجش کتابخانه مجتمع حضرت عبدالعظیم به عنوان کتابخانه منحصراً به در نام بود. شد نظر خود شما چیست؟ دیگر کتابخانه‌های نابینایان تهران چه وضعی دارند؟**

بخشی از کتابخانه حسینیه ارشاد به کتاب‌های نابینایان به خط بریل اختصاص دارد ولی نه به این محدوده‌ی که همه چیز به خط بریل باشد. فرهنگسرای مدرسه بخش نابینایان دارد، حتی الکترونیک هم هست ولی منابع چاپی ندارد. سه برجسته نگار و یک کتابدار بینا به مرجعان خدمات می‌دهند. کتابخانه مجتمع رودکی هم هست اما کامپیوتری نیست. فراموش نشود در مجتمع بوعلی هم قرار بود این

سیستم پایه گذاری شود. در مجموع می‌توانم بگویم هیچ کتابخانه ویژه نابینایان چه در سطح عمومی چه آموزشگاهی، بر اساس استانداردها مجهز نشده است. اما کتابخانه مجتمع حضرت عبدالعظیم برای استفاده مستقل نابینایان آماده شده بود که متأسفانه رها شد. استفاده از دانش، سیستم و تکنولوژی در کتابخانه‌های نابینایان واقعاً ضروری است.

خانم طاهری، حرف دیگری هم هست؟

بله، اگر بخوانیم این بچه‌ها حرکت کنند باید به آنها کمک کنیم. البته فقط برای شروع. بعد خودشان راهشان را پیدا می‌کنند و به جایی می‌رسند که ما از آنها خواهش کنیم آثارشان را به خط بنیانی تبدیل کنند. تا وقتی برای جبران محدودیت‌های جسمی آنها هزینه نکنیم به نتیجه نمی‌رسیم. تجربه این مدرسه نشان داد که یک فرد نابینا مثل خانم غفوری، می‌تواند در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد کتابداری با این حوزه آشنا شود و حتی در کتابخانه‌های بنیانی کار کند.

خانم غفوری، شما نمی‌خواهید کلام آخر را بگویید؟

مشکرم. فقط قسمتی از مقدمه کتاب گوئی (فضه‌های من و دلمان، خانم زاقی پناه رازیان) می‌خوانم. عشق همان چیزست که پیدایش می‌کنی، بگلدار در آن با هم سهیم باشیم. همه می‌بینند، یکی با چشم، یکی با دل. چشم‌هایت را ببند و گوش کن، بین چه صداقت‌ها برایت از تجربه‌یام می‌گویم.

پروپوچه‌ها

حمیدرضا شاه‌آبادی

مقدمه بر ادبیات کودک جلد دومی به اسم جامعه‌شناسی ادبیات کودک در ایرانه دارد که مشغول کار بر روی آن هستم و ۳۰۰ عنوان کتاب کودک را باید بررسی کنم. چون به صورت پوسه با جلد فلی منتشر خواهد شد. شاید توسط انتشارات کانون منتشر شود. جلد دوم از تاریخ فکر ایرانی، راه‌هم که به دوره مشروطه می‌پردازد و به نشر آق دادام که امیدوارم بزودی منتشر شود. یک رمان هم هست که اجازه بدهید فعلاً مشخص را نکنم.

آناهیتا تیموریان

الان دو کتاب در نشر آق زیر چاپ است که ان‌شاءالله تا یکی دو ماه آینده منتشر خواهد شد. **اموش شرافتمنده** و **دراغک خوش خیال**. نام‌های این کتاب‌هاست که طرح و داستان آنها از خود من است و برای گروه سنی ۷ و ۸ منتشر می‌شود. **کار یک مجموعه** را هم برای همین ناشر انجام می‌دهم که قرار است در ۶ جلد منتشر بشود. هر سگ سارا، من ترسم، سیرک، پشت شسته و کشتن کاغذی من، عنوان ۴ جلد از این کتاب‌هاست. بیشتر عناوین این مجموعه آماده است و معیار کشی از کتاب‌ها که امیدوارم بزودی منتشر شود.

کتاب

آبی مثل دل خودم مثل آسمان...



نخستین رنگی که شناختن آبی بود. شاید به خاطر دریا و یا آسمان. آنقدر رنگ دیدم و شناختن تا شنیدن رنگین‌کمان. اما اگر قرار بود هیچ رنگی را نمی‌فهمید و نمی‌دیدم آن وقت چه احساسی داشتم. شاید حس ایاس ه دفتر کریستولی قصه ما را از نمی‌بیند. کیوتو سفید است. در خان سوز، روسری سوغاتی پارچه‌رنگارنگ و موهایش مثل شب سیاه‌ام. باسخ این اما فقط با خواندن کتاب اسرخ مثل سیب، آبی مثل آسمان سیاه مثل... نوشته آقای مجید. نویی با تصویرگری خانم الهه عطیسی به یه توده می‌شود. کتاب توسط نشر جلیلی از مشهد، در ۱۳۸۳ چاپ رسیده است و روایت سرازیر است برای ایاس ه که روزی در می‌یاید یک فرق کوچک با دیگر بچه‌های هم سن و سالش دارد. این محدودیتی که دارد مدرسه‌ای ویژه برود تا فریاده این محدودیتی که دارد آموزش بیند. آنچه پیش‌روی اوست کاملاً ناشناخته است. اما او این نفس را است نمی‌پذیرد. اگر بنده ای قدرت پرواز نداشته باشد هنوز هم پرند است و نباید امیدوار است بدهد. ناگهان باورهایش تغییر می‌کند و از آنجا که در شرایط ویژه دوستی‌های زیادی شکل می‌گیرد با شقایق دوست می‌شود. هر دو می‌پروند در زندگی چیزهایی فراتر از دیدن وجود دارد. آنچه در بیرون و در جسم انسان ناتوان است به ظاهر انسان را می‌شکند. اما آنچه در درون می‌شکند مثل پوره‌ها، شن رادرسد می‌کنند پس نباید بگذارند باورهایشان بشکند. کتاب داستان یک معملات است. داستان یک اندوه اما اندوهی که با صبر و حوصله فرزادگی می‌رسد. کتاب داستان زیبایی است برای یافتن امید از روح نامیدی و ناامی، رومساحت آن سختی است. نابینا که به معلم و مدیر فردی که دیدگاه تازه‌ای نسبت به زندگی دارد. هدایت می‌شود و زرف ساختن آن قدرت و توانایی دست‌بری دیدن، لمس کردن، حس کردن و فهمیدن و وسیله ای که آزمایش‌های زندگی را فقط نباید تماشا کرد بلکه آنها را باید احساس کرد.

شخصیت پردازی کتاب به خوبی انجام شده و خواننده در لحظه‌هایی از خود را با شخصیت اصلی در ذهنی که می‌برد سهیم می‌داند. پیام کتاب به مخاطب این است که آنچه که داریم پیرداد نه به آنچه که نداریم. زندگی گریه‌ناز از آن است که هر روز چشم به راه تقاربت با پدری، اگر دست روی دست بگذاریم توانایی‌های واقعی تو هرگز شکو فای نخواهد شد.

تصاویر دلنشین کتاب با متن همراه می‌کند و به زیبایی آن می‌افزاید. کتاب با قیمت ۱۰۰ تومان و در ۳۳ صفحه به چاپ رسیده و برای گروه سنی ۷ تا ۱۰ مناسب است.



دکتر ویدا

سجاد صاحبانزاده

به بهانه چاپ کتاب‌های «هزارتو» و «به شاعر»

گفت وگو با ثمنیلا امیرابراهیمی، نقاش

برای گسترش مخاطبان

ثمنیلا امیرابراهیمی، داری دو مدرک دانشگاهی است؛ کارشناس حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران و کارشناسی هنرهای زیبا از دانشکده هنرها و صنایع دستی کالیفرنیا. اما به نظر می‌رسد که این مدرک دوم، سهم بیشتری در زندگی او داشته است. او سال‌هاست که نقاشی می‌کند. حتی دوره‌ای که دانشجوی حقوق بود و نمایشگاه متعددی داشته است. این گفت‌وگو به مناسبت چاپ دو مجموعه نقاشی از امیرابراهیمی انجام شده است. «به شاعر» و «هزارتو»

ذهن دیگری (مخاطب) تمام پیدا کند. تابویی نقاشی می‌شود یا شعر و داستانی نوشته می‌شود اما تو وقتی چشم و گوش فرد دیگری با این کاربر خود ندگرده هنوز به معنای کامل تحقق پیدا نکرده است. این مخاطب چه یک فرد تنها باشد و چه یک جهان بزرگ در هر حال دیگری و مخاطب اثر است. تقریباً همه هنرمدان به نوع و اندازه‌های متفاوت از سنگینی حضور این مخاطب آگاهند، حتی اگر به آن پشت کنند. کار هنرمند تمام نمی‌شود تا وقتی بار خود را تا این منزل برساند. من هم به عنوان یک نقاش با سابقه طولانی کار و برگزاری نمایشگاههای مختلف آن‌رم در سال‌های اخیر به این فکر کردم که دیگر به نقطه‌ای رسیده‌ام که باید مخاطبان و سبتری داشته باشم. منظورم از این‌ها این است که گاه محدود دوستان و آشنایان و تعداد کمی از هنردوستان حرفه‌ای که معمولاً به نمایشگاههای هنرمندان تجسمی می‌آیند کافی نیست. مشکلات زندگی مردم به قدری زیاد است که فرصت جست‌وجو و استفاده از هنر و فرهنگ



چیزی که شاید در کتاب‌های من کمی تازگی دارد، تسلط نقاشی بر متن است. نقاشی‌های این دو کتاب تصاویری که برای کتاب نقاشی شده باشند، نیستند، بلکه آثار بی‌بزرگ و پرکار و نمایشگاهی هستند

روزی به روز کمتر می‌شود. در این شرایط باید دسترسی مردم به اثر هنری را آسان‌تر و عملی‌تر کنیم. خوشبختانه الان با پیشرفت صنعت چاپ، امکان انتشار کتاب هنری بیشتر شده است.

اما در عین حال همه کتاب‌هایی‌هم که تولید می‌شوند کیفیت و محتوای قابل توجهی ندارند. من گاهی فکر می‌کنم یک اثر هنری ارزشمند باید به ضرورتی پاسخ بدهد تا مردم قدر آن را بدانند. مثل یک کالای ضروری آن را بخرند و مصرف کنند. اما این که چطور یک اثر کتاب هنری ضروری می‌شود البته جای نقد و پرسش دارد. هر نویسنده یا هنرمندی که با عشق و علاقه چیزی را می‌آفریند او موضع خودش فکر می‌کند. کار نقاشی کرده ولی در نهایت، این استقبال مردم از یک کار فرهنگی و هنری است که می‌تواند ضرورت آن را تعیین کند. در مورد این دو کتاب که شامل نقاشی‌های دو نمایشگاه گذشته من در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ هستند، من این احساس را داشتم که گه‌ب‌گاه دیگر آفریده‌یخته و قابل شده‌اند که بتوانم آنها را به جامعه وسیع‌تری معرفی کنم. از طرف دیگر در جریان نمایشگاه‌هایم این دلگرمی را به دست آوردم که عده زیادی از بازدیدکنندگان می‌خواستند کتابی با کارت‌هایی از این آثار چاپ شود و با قیمت ارزان‌تر در اختیارشان قرار گیرد. این بود که من از حدود دو سال پیش با اصبرار و پشتکار

عالم امیرابراهیمی می‌خواهم بداتم چاپ کتاب‌های نقاشی را در ایران چطور می‌بینید و چه پیشنهادی برای آن دارید؟
چاپ آثار هنری از جمله نقاشی، مجسمه، عکس و غیره یک ضرورت فرهنگی است که در کشورهای خارجی به طور وسیع از طرف ناشران خصوصی و دولتی دنبال می‌شود و سهم فوق‌العاده مهمی در آموزش و پرورش هنری جامعه و ارتقای سطح فرهنگی آن دارد. در ایران بعد از انقلاب از حدود ده تا ده سال پیش بعضی از ناشران حرفه‌ای و صاحبان هنری و فرهنگی وارد این عرصه شدند و کتاب‌های قیسی از آثار بعضی از نقاشان چاپ شد. موزه هنرهای معاصر هم چند سالی است که این کار را وسیع‌تر از پیش شروع کرده و به چاپ آثار بعضی از نقاشان پیشگوست و معاصر پرداخته اما فعالیت موزه کار نقاشان معدودی را در بر می‌گیرد. در مرحله بعد در سال‌های اخیر تعداد کتاب‌هایی که به همت و خرج شخصی خود هنرمند چاپ و منتشر شد رو به افزایش رفت. اگرچه این افزایش در مقایسه با رشد روزافزون نقاشان و عکاسان و هنرمندان در سایر شاخه‌های هنرهای تجسمی چندان هم چشمگیر نیست. اما به هر حال گسترش صنعت چاپ و ورود تکنولوژی دیجیتال و رشد کمی و کیفی خدمات گرافیکی در سال‌های اخیر، چاپ چنین کتاب‌هایی را با کیفیت عالی ممکن کرده است.

از طرف دیگر دو معیار بزرگ بر سر راه هنرمندانی است که از روز درازند کارهایشان را چاپ و منتشر کنند. منابع اولی همان طوطی می‌کند بدون هزینه این کار است که کمتر هنرمندی هنری می‌کند بدون داشتن یک حامی یا ناشر مطمئن وارد این ماجرا شود. اما چنانچه هنرمندی با عشق و علاقه و پشتوانه مالی خود هم دست به این کار بزند در مقابل مبالغه مدام از پا در می‌آید. این مبالغه که هم‌اوقات تر از اولی نیست بسیار مخرب و فروش کتاب هنری است. البته در اینجا منظورم نه فقط کتاب نقاشی، بلکه همه انواع کتاب‌های فرهنگی و هنری است که شامل کتاب ادبی، تالیلی نقاشی و گسترش‌ها، نواژه‌ها و لوح‌های فشرده موسیقی، فیلم و تئاتر و انواع دیگر محصولات و فعالیت‌های هنری می‌شود. بسیاری از شاعران و نویسندگان و موسیقیدانان جوان را می‌بینم که با زحمت و عشق بسیار آثارشان را منتشر می‌کنند اما در مرحله توزیع و فروش آن سرخورده و بی‌ثبات می‌شوند. آخراً این است که مردم به اثر هنری را آسان‌تر و عملی‌تر کنیم. خوشبختانه الان با پیشرفت صنعت چاپ، امکان انتشار کتاب هنری بیشتر شده است.

با این شرایط که گفتید چطور شد که به فکر چاپ این دو کتاب افتادید؟

چرا من به فکر چاپ آثار افتادم؟ اول از همه اینکه بلاخبر و هر هنرمندی دوست دارد چیزی را که می‌آفریند همه از نقاشی و شعر و موسیقی و غیره تعویق یک مخاطب بدهد. یک کار احساسات هنری اندک در ذهن هنرمند شکل می‌گیرد و باید گنگ‌گفت و قوی‌ها و مهارت‌های هنرمند در سبانه مخصوص می‌شود. خوشبختانه به یک اثر هنری می‌شود اما مثل دیگری که یک اثر هنری را آکمل می‌کند این است که اثر نه تنها از ذهن هنرمند بیرون بیاید بلکه با



به نظر من ارائه آثار تجسمی به میزان وسیع از چند طریق ممکن است. نه به‌یخش فیلم‌های خبری و آموزشی در تلویزیون، تولید فیلم‌های هنری ویدئویی که با ابزار طریق سازمان‌های دولتی یا خصوصی حرفه‌ای صورت گیرد، ایجاد سایت‌های اینترنتی که همیشه قابلیت ماندن بلند دارند و بلاخبر چاپ آثار هنری در کتاب‌ها. من راه‌هایی تولید و توزیع وسیع و ارزان قیمت آثار هنری می‌کنم. در صورت برنامه‌ریزی منظم، تأثیر مهمی در بالا بردن سطح فرهنگ و هنر جامعه دارد. مخصوصاً در شرایط زندگی فرهنگی ما در تهران، فقط از این نوع تولید آثار هنری کلاسیک با معاصر، می‌توان هنر را یادگیری مردم در آمیخت و آن را از یک کالای لوکس و منحصر به یک کالای ضروری و اجتماعی تبدیل کرد. شکافی که مابین تولید هنری و ادبی با مصرف آن در جامعه ما وجود دارد به حد خطرناکی رسیده که به کاره‌گیری و عقب‌نشینی دانشمندان و هنرمندان اصیل و در نتیجه فقر هنگی مسافت‌ها منجر می‌شود.

بنا بر این باز هم می‌گویم با اینکه چاپ و انتشار آثار هنری به هیچ وجه جای نمانش محضوری و روزروری مخاطب با اثر را نمی‌گیرد، اما مشکل آن بسیار ضروری است.

افکار کارهایی که در این دو کتاب شما چاپ شده کوچکتر از چاپ کتاب‌های معاصر نقاشی است. آیا این کوچک‌شدن به کار شما لطمه نمی‌زند؟

البته این درست است که هر چه اندازه کتاب نقاشی و تصاویر آن بزرگ باشد، جزئیات تر دقیق‌تر و کیفیت کتاب بهتر می‌شود. اما کیفیت چاپ این دو کتاب کوچک هم بسیار خوب است. درباره اندازه کتاب باید بگویم الان در کشورهای پیشرفته، آثار هنری در اندازه‌های بسیار متفاوت اعم از اندازه‌های کوچک کتاب حتی تا بزرگترین اندازه پوستری چاپ می‌شوند. انتشار کتاب نقاشی کوچک در اندازه ۱۰×۱۵ در اروپا و آمریکا کاملاً معمول و پرطرف است. در ایران هم همین است که چنین کتاب‌های کوچک هنری از طرف نشر شاه روز، با مجموعه هنرهای تجسمی معاصر به بازار آمده. در هر حال اندازه دو کتاب من ۱۵×۲۱ است که چندان هم کوچک نیست. انتخاب این قطع از یک طرف به خاطر امکانات این محدود می‌بود و از طرف دیگر با در نظر گرفتن امکان خرید مردم، مخصوصاً جوانان و علاقه‌مندان به هنر نمی‌خواست قیمت آن سنگین باشد. به نظر من انتشار این نوع کتاب‌های نقاشی باید به نحوی باشد که مردم به خرید و تمناهای آنها علاقه‌مند شوند و بتدریج با هنر امروز آشنایی پیدا کنند. فقط در این صورت است که چاپ کتاب نقاشی هدف و معنایی پیدا می‌کند. در غیر این صورت فقط تعداد معدودی از آنها کتابخانه‌های مصرف ولی بزرگ و برف خواص را زیست خواهد داد.

این راه هم بگویم که من از نتایجی مجموعه‌ای از همین کتاب‌های نقاشی انتشارات انتخابخانه کوچک هنر را که در قطع ۱۷×۱۵ در اروپا چاپ و منتشر می‌شود جمع‌آوری می‌کردم و آشنایان ما با نقاشان مدرن و امروزیست همین‌ها از همین طریق شروع شد. در آن موقع فروشنده همین‌ها در بازارهای کوچک هنری مردم را خراج‌وردم می‌کرد. این کتاب‌های کوچک هنری را هم با پولی کوچبی محصرتی که داشتم بزرگ‌ترین لذتم این بود که هر یکی عموماً یک بار به این فروشنده بروم و از ختم مهمانی که فروشنده این اجناس با پول نقد و کاغذ و رنگ و کتاب نقاشی بخرم. در آن زمان خرید این کتاب‌ها برای یک دانش آموز طبقه متوسط مثل من ممکن بود و من از

بسیار کار چاپ این دو کتاب به‌ شاعر» و «هزارتو» را شروع کردم و چون ابتدا در این کار بی‌تجربه بودم مدت طول کشید تا در مسیر درست کار قرار بگیرم و بتوانم از نتایجی بهترین متخصصان دست‌اندکار در این زمینه بهره‌مند شوم. البته شکل کار را از پیش در ذهن داشتم و می‌خواستم در نهایت سادگی و دور از هرگونه نهدیجات گرافیکی جدید و پاپ‌روز از کار در بیاید. آثار این کتاب‌ها با دقت و وسواس فراوانی که در چاپش به خرج رفته از نظر من همان کتاب‌های ساده و تمیز و زیبایی‌شده‌اند که می‌خواستم.

آیا چاپ نقاشی در کتاب به نوعی تکرار یا نسخه دیگری از آن نیست؟

از آنه نقاشی هم مثل سایر زمینه‌های تجسمی از طریق برگزاری نمایشگاه صورت می‌گیرد. نمایشگاه محل مخصوص ارائه آثار هنری برای مدت محدود است. در ایران رسم و عادت شده که هر نمایشگاهی حدود یک هفته یا حداکثر ده روز آثار هنرمندی را نشان می‌دهد و بعد نوبت به دیگری می‌رسد. در حالی که در کشورهای اروپایی و آمریکایی این مدت گاه به یک ماه و چهل روز می‌رسد. در تهران وقتن به یک نمایشگاه هنری حتی برای علاقه‌مندان حرفه‌ای آن هم دیگر چندان آسان نیست. چون تاوجه به وضع ترافیک تهران، مردم روز به روز سخت‌تر - آن هم فقط برای کارهای ضروری - از خانه بیرون می‌روند. بازدید از یک نمایشگاه که گاه در پنج دقیقه تا حداکثر نیم ساعت تمام می‌شود، معمولاً سه تا چهار ساعت از وقت مردم را می‌گیرد. از طرف دیگر برای مسوولان نگارخانه‌ها هم صرف نمی‌کند که بیش از این به نمایشگاهی وقت بدهند. چون در بیشتر موارد بعد از روزهای اول به نیتنده‌ای دارند و نه خریداری. خوب همه این حرف‌ها را گفتند برای اینکه بگویم چنانچه نمایشگاهی خوب موفق باشد در این مدت یک هفته بنده کمی دارد. در حالی که واقعاً جادار فزونی از آن باقی نماند و ثبت شود. از آن گذشته امروز بیشتر محصولات فرهنگی به لطف تکنولوژی چاپ و تکثیر موسیقی، فیلم، کتاب و نمایشگاههای اینترنتی در خانه‌ها مصرف می‌شوند و نه در سالن‌های گسترش و سینما و نمایشگاه. البته فیلم با سایت اینترنتی یا کتاب‌های هیچ وجه با اصل کار قابل قیاس نیست. عنوان می‌دانم که دیدن یک فیلم در سینما، شنیدن یک موسیقی در سالن کنسرت و تماشا ی نقاشی و مجسمه و عکس در یک نگارخانه چقدر تأثیر گذارتر است. این تأثیر مدیون آن فضا و همه اثری‌های موجود در آن فضا است. از یک طرف، نور و همه اثری‌های رنگ و حجم و اندازه و صدا و غیره و از طرف دیگر، اثری آدم‌ها در حین تمرکز برای جذب تأثیر آن اثر هنری. خود اثری تازه‌ای به اضافه فضای حس و حالی که در بعضی از این فضاها مخصوصاً در کنسرت‌ها و تئاترها ایجاد می‌شود به هیچ وجه با نمونه تکثیر شده آن قابل قیاس نیست. کتاب‌های خیابانی و شب‌های شعر که در سال‌های گذشته برگزار می‌شد یا برنامه‌های تئاتلی و شاهنامه خوانی در فتهو‌خانه‌ها در سال‌های دورتر، همه از مظاهر همین دین و بیستان لذتبخش فرهنگی بود که زندگی مردم را غنی‌تر و شادتر می‌کرد. اما ما روز به روز بیشتر از تماس‌های مستقیم و حقیقی دور می‌شویم و به کلی‌ها و واسطه‌های مجازی وابسته می‌شویم. در هر حال زندگی مدرن بدنی‌ها و نوبی‌های خود را به همراه دارد. حالا باید برای تاشعه هنر و فرهنگ از تمام وسایل انرژی استفاده کرد تا رابطه با هنر و معنویت که تلفیق روح و روان انسان و دارویی مؤثر در عینی کردن خشم و آفرسکی اجتماعی است به کلی از دست نرود.

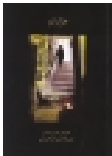
خویدن و نگاهداشتن این کتاب‌ها احساس غرور می‌کند، چاپ تصاویر این کتاب‌ها اصلاً بدون مقدمه و من‌جمله هم به فرانسه بالکلینی زندگی و آثار هنرمندان و سبک‌ها و مکتب‌ها را معرفی می‌کرد.حالا هنوز شاید حدود ده پانزدهتایی از این کتاب‌ها را در کتابخانه‌ها دارم و از آنها استفاده می‌کنم. در چاپ کتاب‌های خودم هم منم می‌خواست هر کس آن‌را به دست می‌گیرد و از آن خوشش می‌آید بترساند آنها را بخرد و در کتابخانه‌اش بگذارد.

شما در مقدمه کتاب هزار و نوشته‌اید در این آثار به جای

تصویرسازی بر من، منی‌های برای تصویر کرده‌اید
مکن است بگویید تفاوت این دو چیست و تلاقی‌انتخاب شعر برای تصویر چه فرقی دارد با تصویرسازی برای شعر؟

تصویرسازی برای کتاب یک رشته هنری مهم و جدی است، معمولاً در کتاب‌های علمی و آموزشی با کتاب‌های کودکان از تصویر و نقاشی برای روشن کردن متن یا ایجاد یک فضای ذهنی برای تقویت تیزوری تخیل کودک کمک می‌گیرند، اگر کسی به خطاطات تصویری از بعضی کتاب‌ها به یاد نمی‌آورد، گاهی اوقات یک تصویر، آنچنان قدرتی دارد که تمام ذهن شما را اشغال کند و بهترین مفاهیم کتاب را به شما نشان دهد. از طرف دیگر در گذشته، آثار ادبی کلاسیک ما همیشه همراه با تصاویر نقاشی‌نویس بوده‌اند، از شعر و کلیه و منته تا شاهنامه و دیوان‌های شعر شاعران بزرگ، نقاشی و طراحی در کنار متن، مجموعه زیبا و کاملی را می‌آفریند، خود کتاب یک اثر عالی هنری بود و به نظر من هنوز که هنر خوانندگی زیبایی و طرافت و صفحه‌بندی و به اصطلاح گرافیک بعضی این کتاب‌های نظر است.

در این کتاب معمولاً چندین صفحه نقاشی مینیاتور بهترین صفحه‌های داستان یا شعر را تصویر می‌کرد و با رنگ‌ها و اشکال دل‌انگیز کتاب را زینت می‌داد. در داخل



با اینکه چاپ و انتشار آثار هنری به هیچ وجه جای تماس حضوری و رودرری مخاطب با اثر را نمی‌گیرد، اما مکل آن و بسیار ضروری است

هر صفحه نقاشی نیز اشعاری با خطوط زیبا در گوشه و کنار تصویر ترکیب‌بندی خاصی ایجاد می‌کرد. خلاصه، این کتاب‌ها به معنای واقعی سیماشی و خواندنی بودند. زیبایی که در فضای تصویر می‌گردید با دیدنی شعر و متن کاملاً متناسب و هماهنگ بود. امروز که ما به این تصویر طریف نگاه می‌کنیم تا حدودی می‌توانیم تصور کنیم که فضا، لباس‌ها و آدم‌های آن روز چگونه بودند. البته حتماً به زیبایی و طرافت این نقاشی‌ها نبودند، اما نحوه لباس پوشیدن و ایستادن و نشستن آدم‌ها اشعایی است استفاده می‌کردند و فضاهایی که در آن زیستند تا حدودی تخیل ما را می‌آید و ما با ظهور فن و هنر عکاسی و فیلمبرداری به اینگونه مستندسازی اصالتی‌باری نداریم، امروز تصویرگری اهداف چندین تری پیدا کرده و از جنبه کارزاری صرف خارج شده است.

آنچه در عصر هنرهای تجسمی با یکی دارد رویکرد مجدد هنرمندان به استفاده از متن در تصویر و انواع ترکیب‌های مختلف هنر، شاه‌نهاد تکنیک‌های هنری است. ترکیب متن و تصویر در دست هر هنرمند با دلائی، انگیزه‌ها و روش‌های مختلف صورت می‌گیرد و هر هنرمند منظور خاص خود را از آن دنبال می‌کند، اگر چه این واقعیت است که تمام آثاری که با این شیوه ساخته می‌شوند قابل توجه نیستند، اما وقتی وسایل و رسانه‌های

مختلف هنری درست و زیبا با هم ترکیب شوند، انواع جدیدی از آثار هنری را به وجود می‌آورند و تأثیر گرم و زنده‌ای بر مخاطب می‌گذارند که جز از این طریق ممکن نیست.

در حال من در جریان کار روی این دو مجموعه به پیوند دوباره نقاشی و ادبیات امروز فکر کردم و هیچ ابزادی ندیدم که سنت گذشته را سابقه و فضای ذهنی امروزی خود دنبال کند، البته چاپ چنین کتاب‌هایی فقط مربوط به سنت و فقط مربوط به مایست، همان طوطر که کتم انتشار این نوع کتاب‌های تصویری در دنیا بسیار رایج شده چیزی که شاید در کتاب‌های من کمی تراکی دارد، شط‌نقاشی بر متن است. نقاشی‌های این دو کتاب، تصویری که برای کتاب نقاشی شده‌باشند، نیستند، بلکه آثاری بزرگ و پر کار و نمایشگاهی هستند که مشکل از کتاب‌های من هارویش و انتخاب آنها شکل گرفته‌اند، نقش اصلی من انتخاب متن با آنهاست، متنی که آنها را همراهی می‌کند، نیز از قبل وجود داشته‌اند، و بسیاری از ما آنها را خوانده بودیم، اما اینجا در کنار نقاشی‌ها ایجاد و معانی تصویری به خود گرفته‌اند، به هر حال در این مجموعه‌ها یک کلان‌ای که چسبایی از چندرسانه مختلف نقاشی، عکاسی و ادبیات صورت گرفته که در عین آنکه شکل چندان جدیدی از کتاب نیست، اماهی خاطر ویژگی‌های نقاشی‌ها و متون آنها، نمونه‌های تازه و امروزی از این نوع کتاب‌ها محسوب می‌شود.

چرا در مجموعه به نام شعره من در داخل تصویر قرار داده در حالی که در کتاب هزار تو، من از تابلو بیرون آمده و در کنار تصویر قرار گرفته

مهاظفتر که کتم استفاده از متن و ترکیب آن با تصاویر این دو مجموعه، بدون آنکه از قبل در این مورد تصمیم گرفته باشم با سختی علاقه و جستجوری برای تجربه کردن این داشته‌باشم در جریان شکل‌گرفت و درست مثل یک ضرورت از دل آن درآمد. در مجموعه به نام شعره شعرها من‌های گوناگونی را استفاده کردم که مثل همان ترکیب‌بندی‌های مینیاتوره‌های گذشته در داخل تصویر جا افتادند.

در این کارها خود نکته جزئی از نقاشی شده است اما در مجموعه هزار تو بیشتر از مفاهیم متون استفاده کرده‌اید. بده در زمان نقاشی مجموعه هزار تو اصلاً خیال نداشتم از متن استفاده کنم، تقریباً در آخر کار وبعد از پایان گرفتن نقاشی‌ها بود که تصمیم گرفتم متونی را در فضای نمایشگاه قرار دهم، این متون را مثل همین کتابی که در دست دارید روی کاغذهای جداگانه در کنار نقاشی‌ها به دیوار چسبیدم، این نتیجه بیننده گاهی نقاشی‌ها را نگاه می‌کرد و گاهی این متون را می‌خواند، این کار در فضای نمایشگاه حس تازه‌ای به وجود آورده بود، در حالی که در کتاب شکل کاملاً نشان‌طبعی یک کتاب تصویری را به خود گرفته است.

مهاظفتر که کتم تکنیک نقاشی در هر دو مجموعه کلان‌و ترکیب‌بندی عکس و کاغذ و نقاشی روی آنهاست، در مجموعه به نام شعره که از عکس‌های قدیمی زمان استفاده کردم گل‌های طبیعی خشک شده را هم در کنار استفاده کردم تا بر حالت پوست‌سازگی و از دست رفته آن تأکید کنم، در همه موارد به استثنای چند کار، راهنمادی اصلی من برای انتخاب متن، فضای کلی نقاشی‌ها بود، آنها مفاهیمی به من القا می‌کردند و متن‌هایی را اسفارش می‌دادند که باید حالتی را که می‌خواستم به تصویر ببخشم، تقویت کند، منابع متونی انتخاب شده را در هر دو کتاب ذکر کردم و خواننده می‌تواند برای خواندن متن‌ها به کتاب اصلی مراجعه کند و در کنار این متن‌ها شعرها و اشعار اختصاص نشاناس تاآثر شاعران و نویسندگان معروف چون یزنا جلالی، فرخ فرخ‌زاد، علی‌سلطان، کارن‌تراکیس، سیلویا پلات، ماریتا سوزو تایاو و دیگران استفاده کردم و در کتاب هزار تو قطعاً از آثار آنتونو پاز، دینو بوزاتی، مارگرت دوراس، نیچه، ماکس، ایتالو کالوینو و دیویش شایگان را انتخاب کردم، شاید کنار هم گذاشتن این اسم‌ها متن‌ها به نظر کمی عجیب و نامربوط بیاید، اما وقتی کتاب را به دست بگیریم، می‌بینیم که همچواری متن‌ها و نقاشی‌ها می‌تواند فضای ذهنی بیننده یا خواننده را تشدید و آماده یک سفر کوتاه درونی به جاهای تازه کند.

شاهنامه کامل کتاب‌ها،

به شعر، ۲۵ صفحه، با ۲۲ تصویر رنگی...

هزار تو، ۲۵ صفحه، با ۱۷ تصویر رنگی...

نگاهی به فیلمنامه «دوتل» نوشته احمدرضا درویش

یادداشت



فیلمنامه به مثابه یک متن ادبی

قبل از تصویر «دوتل» در جشنواره دیده، همین چند روز پیش بازم دیدمش، اما انگار حرف تازه‌ای در مورد فیلم نداشتم که بزنم، انگار همه حرف‌ها در مورد این فیلم زده شده بود، وقتی فیلمنامه را هم خواندم، دیدم نمی‌شود خیلی روی قصه‌اش مانور داد، چون به اندازه کافی، در موردش نوشته بودند. این بود که سرم کردم فیلم از قصه، به خود فیلمنامه به عنوان یک متن فنی بپردازم.

فیلمنامه دوتل دارای دو خصوصیت است که آن را از فیلمنامه‌های کلاسیک برخورد نامایی‌گر در این فیلمنامه خواهم نوشتش.

دوتل: دارای متنی کلاسیک نیست، ماعوماً در فیلمنامه‌های کلاسیک بیشتر از آنچه توصیف یا تشبیه بیپیم، حرکت می‌بینیم، به عنوان مثال وقتی بازیگر نقش اول عصبانی می‌شود، فیلمنامه نویسن نمی‌نویسد که بازیگر از فرط عصبانیت دادش گرفته است، استفاده نمی‌کند. در حالی که فیلمنامه دوتل چنین نیست، دوتل بازیگر را به یک متن ادبی نزدیک می‌کند، در شروع فیلمنامه چنین آمده، گوئی مذهب و فرم خودشد، در عین پهنه آسمان آبی، شعله‌های مهیبت‌اش، حاصل از سوختن گاز، در زیر کادر، تصویر دیواری می‌شود به یک پایان بروهت، خشک و نطفه‌ای و با صفحه ۱۰۱، وسعاً چنین توصیف می‌شود: «روستا یا ظاهری نامتعارف، خانه‌های قدیمی ساده، نیمه‌ساز و بلوک سیمانی است، صدای موسیقی از رادیو، در فوهه‌ها شنیده می‌شود، بخزن آب و همه چیز حاکی از فقر و فلاکت روستانست، بچه‌ای گریه می‌کند.»

استفاده این چنینی از متن فیلمنامه و نزدیک کردن به متون ادبی، در سینمای جهان بی سابقه نیست، فیلمنامه‌های آندره ژاکوفسکی نیز سرشار از این توصیفات است، او معتقد بود که توصیفات این چنینی، مخصوصاً برای افراد گروه می‌تواند خیلی حس‌دهنده و کارگشا باشد، درویش هم در این ترند، فیلمنامه‌اش را به متن ادبی نزدیک کرده و متن او بیشتر آن متن فنی و سخت فیلمنامه‌های کلاسیک نیست.

از طرف دیگر درویش حرکت‌های دوربین و اندازه کادر را نیز در فیلمنامه مشخص کرده است، در نقش سراب در عین بیانان باه به شدت می‌رود و درانی ملایم رنگ با خود می‌آورد، ذرات خلاق طایف بیان را زاین می‌دهد است، در عین دیواری می‌شود به پهنی بی‌نهایت دیده یا درینال، در حرکت چپ به راست دوربین، از کنار عراج می‌شود، کاربرد این چنینی دوربین و برش‌ها در فیلمنامه‌های کلاسیک به کار نمی‌برد. حتی آنها که آکادمیک به قضیه نگاه می‌کنند معتقدند که نباید اسم دوربین را در متن آورد، البته این نوع استفاده نیز تاریخ سینمای جهان سابقه دارد و درویش از کاربرد توأمآن توصیف و متن ادبی در کنار اینگونه حرکت‌های فنی، قضایی ملموس خلق می‌کند.

نکته آخر که می‌خواهم به آن اشاره کنم، نامایی، نامایی معانی در «دوتل» است، همواره یکی از اشعایی صحنه باآزوری‌کننده یک قصه در گذشته است، به عنوان مثال وقتی زینال در شروع فیلم، اوپرا می‌خواند، از می‌نماید، در همه‌شش می‌نماید و از این طریق قصه به گذشته برمی‌گردد، این دیدن مستغرق در آسم فیلد بازم نمی‌تواند نامایی کننده است، بعد از تصویر ایستادم برآنست، کشم حرف‌های چندین در مورد فیلمنامه «دوتل» زده‌باشم و البته وقتی شروع به نوشتن کردم، دیدم که می‌شود خیلی بیشتر در مورد آن حرف زد.

بی‌نوشتم: دوتل، نوشته احمدرضا درویش، مؤسسه فرهنگ نامشا، چاپ نخست پاییز ۱۳۸۳، قیمت: ۳۳۰۰ تومان.

این روزها

بابرام بدخشانی به مناسبت اکران دوتل

کتاب‌های سینمایی خوبی نداریم

دوتل همان‌طوری که یکی از برخواه‌ترین و پرخروش‌ترین

فیلم‌های تاریخ سینمای ایران است، دارای **حادثه‌های پشت صحنه‌ای** کسی هم نتواند است. یکی از آنها اینست: **پود که برای بهرام بدخشانی اتفاق افتاد و در وسط فیلمبرداری این کار تا زمانچه پا به منحنی آسیب دید و به همین علت مدتی به اسپرنتا پرداخت.**

از بدخشانی می‌پرسم که در این مدت چه می‌کرد و چه کتاب‌هایی را می‌خوانده است، می‌گوید که بیشتر به کتابخانه خانه‌ای راجوع کردم و کتاب‌هایی را که لایق خوانده بودم، دوباره و دوبرگرم، این است که بیشتر بدخشانی که در مورد سایه‌های بدخشانی پرسیم می‌گوید: «لالان خیلی در مورد کتاب‌های دوره بچگی‌ام مطالعه کردم، اما بیشتر همین کتاب‌هایی را می‌خواندم که همین الان هم برمی‌چسم سه ساله ام می‌خوانم «فیلمبرداد «دوتل» می‌گوید که هر شب یک کتاب کودک را برای پیماش می‌خواند، وقتی از او می‌خواهم که نام کتاب‌ها را بگوید، می‌گوید: «لاز هر چه که شما تکرش را کنید، برای چه‌چام خواندم اما نظر سنجیدم، لاا، «لا» و «جری» به ناهسی به وقت کوبوله، «بزن برین و سلو»- «جروان آن قصه‌های است که به نظرم یادآور کودکی من اشترک دارند، اما قصه‌های صمد بهرنگی، نقش خامص در کودکی بدخشانی داشته‌اند. این قصه‌ها در از سال‌های ۸۸ و ۹۰ برای فیلمبرداد دوتل خواندم، خود او هم گاهی مکتب و تروکی، از آن را برای فرزانة سه‌ساله تحریف می‌کند. از بهرام بدخشانی که علاوه بر دوتل آثاری همین‌چنینی در متن «فرانه ۱۰سال دارم» و «طنی و دنی» و «مردمانی» به یازاری به «میا» و - را فیلمبرداری کرده، در مورد کتاب تأثیرگذار زندگیش می‌پرسم می‌گوید: «تاگر این سوال را ۱۰سال قبل یا ۱۵سال بعد هم از من بکنند، فقط یک جواب برایتان دارم، کتاب «بارسته با پندسده» کتابی است که در ۱۳۰۰ سالگی خواندم و تا به حال بیشترش را تأثیرمزد من گذاشته است. سال‌ها بعد هم فیلم «شاهانه» و «آبدیم» که از زوری این قصه

آیت‌الله حاج شیخ علی سعادت‌پور

مؤلف

«جمال آفتاب و آفتاب هرمنظر»



آیت‌الله حاج شیخ علی سعادت‌پور: پهلوانِ بهرانی - در سال ۱۳۰۵ در خانواده‌ای مذهبی در تهران به دنیا آمد. در سن کودکی به مکتب رفت و مقامات علوم دینی را نزد آقای شیخ محمدحسین زاهد و

مرحوم آقا شیخ علی کبری‌ها: از شاگردان مرحوم آقا سیدعلی فاضل - فرا گرفت و در سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمود. وی در این سال‌ها مشغول فراگیری علوم حوزوی شامل فقه، اصول و فلسفه نزد اساتیدی همچون آیت‌الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه سیدمحمدحسین طباطبائی گردید. او پروژه مجذوب‌شخصیت‌منوی علامه طباطبائی شد. او در سال ۱۳۳۳ در سلک شاگردان اخلاقی - عرفانی علامه درآمد و به جلسات خصوصی ایشان راه یافت. آیت‌الله سعادت‌پور شخصیت برجسته‌ای بود که از آغاز جوانی در کنار فراگیری علوم نظری در حوزه‌های علمیه تهران و قم، بارزاده‌ای استوار و همتی عالی، مراحل سیر و سلوک عرفانی را طی کرد و با استفاده از دوره عرفانی مکتب آقا میرزا جواد ملکی تبریزی و مکتب عرفانی علامه طباطبائی در اندک زمانی به مقامات عالی عرفان علمی نایل شد. ایشان مدت ۳۰ سال با هدایت تمام‌بیت‌نظر علامه طباطبائی به فراگیری دروس فلسفه و تفسیری و اجرائی برنامه‌های علمی سیر و سلوک پرداخت و پس از فوت علامه عهده‌دار پرورش رهروان راه حق و تربیت نفوس مستعد طریقت گردید.

مرحوم سعادت‌پور علاوه بر تدریس از تلفیق غافل‌نماند و حاصل‌بلای‌وی حدود ۳۰ جلد کتاب در معارف الهی و عرفان و ادب است.

کتاب «جمال آفتاب و آفتاب هرمنظر» در ۱۰ جلد از آثار برجسته‌ای است که حاصل تلاش ۲۰ سالهٔ این شرح‌فصل است. این شرح پارچه‌از‌ببین اصطلاحات و جهات ادبی شعر حافظ، از منظر معارف توحیدی و عرفانی به شرح غزلیات و دیوانه است و در این امر، حتی المفقود از اصطلاح‌پردازی‌های عرفانی دوری چشمه است. خود در انگیزه‌اش از تلفیق کتاب چنین گفته است: «تامل گذرا حلی و سلکین را توجیهی حاصل شود. وی در امتیاز این شرح بر سایر شرح‌های حافظ می‌نویسد: «هر چند تاکنون شرح‌هایی بر دیوانه‌ها و بعضی غزلیات او نوشته‌اند، ولی بیشتر آنان اصطلاحات و ظرافت‌های ادبی آن توجه داشته‌اند. بعضی از فلاسفه و عرفا هم بر بعضی از غزلیات و شرحی نگاشته‌اند ولی نه به طریقی که مطابق با اسلالت و گفتار خواجه و بهره‌گرفته از آیات و احادیث و دعاهاست.»

مرحوم سعادت‌پور، علاوه بر مجموعه گران‌سنگ «جمال آفتاب»، تألیفات دیگری دارند که عبارت است از: «توار مکتب»، شرح معارف و ادعیه وارد از معصومین، در ۵ جلد، «سراسر»، شرح حدیث معراج، ۲ جلد عربی، «فروع نهاده»، معارف خلق سیدالشهدا (ع)، «یا جلوه‌نور»، شرح مقامات معنوی حضرت زهرا (س)، «الشوس القبطیه»، «درباره امام زمان»، «پاسداران حرم عشق»، «کلمات عرفا»، «۱۰ جلد از دل»، شرح گلشن راز سروده شیخ محمود شبستری، «یادداشت‌های سلسلت‌های علامه طباطبائی و تصحیح و تعلیق بر برخی رساله‌های عرفانی مانند: رساله سیر و سلوک منسوب به سید بصر العیوم.

آیت‌الله حاج شیخ علی سعادت‌پور که در ملازمان مرحوم آیت‌الله کشمیری امام خمینی بود، سرانجام در سحرگاه پنجشنبه ۱۳۳۴ در وقت صبح در سن ۲۹ سالگی گفت و در جوانی از فراز گرفت. پیکر وی روز جمعه ۱۶ آذر با حضور علمای مراجع عظام و جمع زبانی از شاگردان و دوستانش در قم تشییع و در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد.

یکی از کتابخانه‌های بزرگ قم، کتابخانه‌ای است که به نام مؤسسه آن، آیت‌الله گلپایگانی (ره) نامیده شده است. هسته اولیه این کتابخانه از کتاب‌های شخصی آیت‌الله گلپایگانی (ره) که مجموعه‌ای غنی بود و کتاب‌های کتابخانه مدرسه امام مهدی (عج) یکی از مدارس علمیه که زیر نظر آیت‌الله گلپایگانی اداره می‌شد، تشکیل شده است.

به تدریج علماء و دانشمندان حوزه، برخی از اساتید دانشگاه و افراد نیکوکار، مجموعه‌های نفیسی از کتاب‌های چاپی و خطی خود را به این کتابخانه اهدا کردند و بر وسعت و غنای علمی آن افزودند.

افتتاح کتابخانه

کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در روز سیزدهم رجب ۱۳۱۳ ه‍.ق مطابق با هفدهم دی ماه ۱۳۱۳ افتتاح شد. در روز افتتاح، کتابخانه دارای ۳۳۳۰۰ جلد کتاب چاپی و ۲۲۰۰ نسخه خطی بود. هم اکنون (ابتدای سال ۱۳۸۳) کتابخانه دارای یکصد هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی است که نو ده‌ها هزار جلد آن فهرست شده است. همچنین حدود دوازده هزار نسخه خطی که به زبان‌های مختلف و گویش‌های محلی است فهرست شده است.

کتابخانه دارای کتاب‌های چاپی ارزشمند و منابع اصلی و متون دست اول و کم‌نظیری است که جزء نفایس قرار دارد. قدیمی‌ترین کتاب چاپی موجود در کتابخانه، کتاب «الجهاد» ابن‌سیناست که در سال ۱۳۵۹ میلادی (حدود ۲۱۲ سال پیش) با کتاب «القانون فی الطب» در یک تاریخ در رم چاپ شده است.

کوچکترین کتاب این کتابخانه، کلام‌الله مجید است که در ایام ۱۱ میلیونر در ۲۲ میلیونر کتابت شده است.

بخش‌های کتابخانه

واحد ادبیاتی
این واحد از کتاب‌های تکراری و اهدایی تشکیل شده و کتاب به امانت می‌دهد. صدور کارت عضویت طبق مقررات ویژه‌ای است و براساس آن عضو می‌تواند کتاب را در خارج از کتابخانه مورد استفاده قرار دهد.

واحد چاپی و مجلات
این کتابخانه دارای ۶۷۷ عنوان روزنامه و بیش از چهارصد عنوان مجله است که همگی فهرست شده‌اند. کتابخانه دارای یکی از کاملترین دوره‌های

کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم

مجلات ادواری است. قدیمی‌ترین نشریه موجود در کتابخانه صورت اسرافیلی به تاریخ پنجشنبه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۳۵ ه‍.ق مطابق با ۲۲ بهمن ماه ۱۳۱۶ بزرگ‌تری پاریس از شماره ۲۰ تا ۲۰۰ است.

واحد مخطوطات

صفحات کلام‌الله مجید روی پوست از قرن دوم هجری، تفسیر و کتب فقهی، طبی، ریاضی و علمی قرن پنجم به بعد که مزین به خطوط علمای بزرگی همچون شهید اول، علامه حلی، شیخ بهایی و مجلسی اول و دوم و دیگر دانشمندان اسلامی و نسخه اصل به خط مؤلفین آنها و اجازات به خطوط مجتهدین مقدم و متأخر در این گنجینه یافت می‌شود. این نسخه‌ها، به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، از دو، عبری و کردی، با



احساب قسمت اساتید و محققان و قسمت مفروش، به طور همزمان گنجایش ششصد نفر مطالعه کننده را دارد.

فضای امور اداری کتابخانه تقریباً محدود است و دارای چندین میز و صندلی است که هم محل روابط عمومی و راهنمایی مراجعان و محققان است و هم محل مطالعه مجلات و روزنامه‌های قدیم و هم جایگاهی برای اهل تحقیق و پژوهش است.

بر اساس اطلاعات مسؤولان کتابخوان مراجعه‌کنندگان به کتابخانه از گروه‌های زیر تشکیل شده‌اند:

- ۷۵۰ طلاب و روحانیان
- ۲۵ اساتید و پژوهشگران
- ۲۰ دانشجویان و محصلان
- ۲۵ افراد عادی

سیستم سازماندهی ورده بندی
یکی از نکات جالب توجه نوع ورده‌بندی این کتاب‌ها در این کتابخانه است. این ورده‌بندی که مدبر کتابخانه از آن به عنوان طرحی نو در نظام کتابداری یاد می‌کند، به منظور تسهیل و تسریع در امور مراجعه‌کنندگان و با توجه به اسلالت و هویت فرهنگ اسلامی و ایرانی در این کتابخانه اجرا شده است.

آقای ابوالفضل عرب زاده طرح رده بندی میزور می‌گوید: این رده بندی هم جامعیت دارد، هم شمول جهانی، وی سادگی، کاربردی بودن، علم وابستگی به روش‌های مانند دیوبندی و تنگنه، و انتطاف‌پذیری و گسترش‌پذیری، سرعت و دقت در بازیابی نیازهای مراجعه‌کنندگان اعم از مؤلف، موضوع، مراجعه‌کننده دیگر خواسته‌ها، بر خور داری از کدهای کوتاه و آسان راز از مشخصات این روش می‌داند.

به گفته او در این روش، هیچ موضوعی زیر مجموعه موضوع دیگر قرار نگرفته است و طبقات فرعی هم ندارد.

آقای عرب زاده می‌گوید: کدبندی آسان و قواعد فهرست‌نگاری بر اساس هدف مؤلف از تألیف کتاب طراحی شده و به طوری سازماندهی، نمایه‌سازی و چیدمان می‌شود تا با پشتیبانی تحقیقاتی، مقبولیت علمی و توانایی کتابخانه افزایش داده است.



خطوط و رموز حکما و فلاسفه و ریاضی‌دانان به رشته تحریر درآمده است.

ده هزار و سیصد و شصت نسخه از مخطوطات این مجموعه در یک مجلد فهرست و در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی چاپ شده است.

مخازن کتاب و اسل مطالعه

فضای مخازن کتب چاپی و گنجینه مخطوطات، گنجایش بیش از سیصد و پنجاه هزار جلد کتاب را دارد و هم‌اکنون مورد بهره‌برداری و استفاده است.

سال مطالعه دارای میزهای دور نقره است که با

رسانه

دفتر اول نسخه پژوهی



نسخه پژوهی، گاهنامه‌ای است که در آن مجموعه‌ای از جستارها و مقالات درباره فهرست کتابخانه‌های ایرانی و غیر ایرانی، پژوهش‌های نسخه‌شناسی، تصحیح رساله‌های خطی، کتاب‌شناسی‌های موضوعی، راهنمای کتابخانه‌ها، بر افزوده‌ها، نو یافته‌ها در نسخه‌های خطی، تصحیح و تکمله بر فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها و اطلاع‌رسانی در حوزه نسخه‌های خطی ارائه شده است و به گفته دست‌اندرکاران آن قرار است دست‌کم هر سال یک دفتر از آن به چاپ برسد.

گرچه در دفتر اول نسخه پژوهی از مقالات رنگین و فاخر و پرفروش و نگار خبری نیست اما سعی شده با ارائه مقالاتی که در تحقیقات روزمره نسخه پژوهان، فهرست‌نگاران، کتابشناسان و مصححان متون و به طوری کلی

محققان علوم اسلامی و ایرانی کاربرد دارد بر ماندگاری و سودمندی آن بیفزاید.

در دفتر نخست این مجموعه علاوه بر مقالات پژوهشی و متون تصحیح شده، نزدیک به ۲۰۰۰ دست‌نویس فارسی و عربی به علاوه متدان معرفی شده است. به گفته ابوالفضل حافظیان، بخش‌های عمده هر دفتر از نسخه‌پژوهی از این قرار خواهد بود:

فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی داخل و خارج از کشور، ترجمه فهرست‌های خارجی، ارائه تصحیح الگو، کتابشناسی موضوعی، کتابشناسی آثار مؤلفان خاص، کتابشناسی و نسخه‌شناسی، کتابشناسی نسخه‌شناسی آثار مربوط به موضوع یا علمی خاص یا اطلاعات پشت‌نسخه‌ای و یادداشت بر افزوده، اصلاح منابع کتابشناسی، تراجم و فهرست‌های چاپ شده.

دفتر اول نسخه پژوهی به کوشش ابوالفضل حافظیان و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع منتشر شده است.

کتاب واژه



امیرحسین شرافت

چه شد که به کار نشر روی آوردید؟

علاقه به امور علمی و فرهنگی، بهترین عامل گرایش من به کار نشر کتاب بود؛پروژه که به اقتضای کارم، آنتی و تماس بسیاری با کتاب و محصولات علمی - فرهنگی دارم.رسم من بر این است که هر کتاب تلاشی که چاپ و روانه بازار می شود و به دستم می رسد، به وقت وارسی می کند، نخست به عنوان روی جلد نام نویسنده نظر می گذارم، سپس به طراحی جلد، گراییک آن توجه می کنم، چنانچه این مؤلفه ها بر این جذاب و جالب باشند، سراغ فهرست مطالب و سپس محتوا می روم. همین توجه و دقت نظر من به کتاب های منتشرشده، از مدت ها پیش مرا در این زمینه فروریزد؛پروژه بود که چرا کتاب های که در حوزه دین و فرهنگ اسلامی به بازار نشر عرضه می شوند، اکثرًا از لحاظ طراحی و معیارهای فنی کیفیت مطلوبی ندارند. در حالی که ما از لحاظ ذوق و ذوق و محتوای علمی کمبود نداریم و آسایش و رفقا و نویسندگان برجسته های تاریخ، به اقتضای من ششده ها، در مرحله عرضه و ارائه فکر اسلامی، نالی از رخ نگری عوامل نشر کتاب به امروزی و همدنی است. هر چند که صرف هزینه نیز در این باره بسیار تأثیر گذار است. کتاب باید که گویا عرضه شود که خود، مبلغ خورش باشد؛ یعنی باید از همه نظر جذاب باشد. اگر ناشر به مسائل فنی مانند: او تی فرم، تراستریون، گنواپ و استفاده جا و وضوح از رنگ ها به صورت نوانلیت با کنتراست و در مجموع انتخاب طرح گرافیکی مناسب با محتوا و همچنین ویرایش فنی مطالب کتاب و آرایش خوب صفحات، توجه کند، می تواند فرجه نشر، به اقتضای مؤثر نیز داشته باشد. و توان شمارداری یا فرورونده های دیگر، چرخه های علمی-فرهنگی را به دست آورد. همین اندیشه بود که مرا در عرضه نشر کتاب کرد و دیدن آن نشر کتاب نما، از این نهاد که حاصل فعالیت آن در این سال ها آثاری چند از نویسندگان و آسایش بوده است که هر چند ادعای بی اشکال بودن این کتاب ها را ندارد اما کوشیدم کم نقص و عیب باشد.

چیت گیری اصلی شما در نشر کتاب، به سوی چه موضوع یا موضوعی است؟

آنچه که من به عنوان موضوع اصلی می بینم، دینی ما فرآن کریم و سپس سنت و سیره اهل بیت(ع) است.بنده محور اصلی فعالیت های فرهنگی خود را متوجه پژوهش های قرآنی کردم و از همان آغاز، در واقع قصدم پایه گذاری یک مؤسسه نشر تخصصی علوم قرآنی، بود. هر چند که نشانی کار و بر خلاف میل درونی ام، به سبب مشکلات توزیع، بخش و فروش و... سراغ موضوعات دیگری نیز

رفتم که البته به صورت پررکنده و در حاشیه فعالیت اصلی بودم. گرچه موضوعات فرعی هم بیشتر صیغه حدیثی دارند.

از مجموعه پژوهش های قرآنی «هستی‌نما» می توان منتشر می شود؛ این اثر در زمینه پژوهش از نام برد که مقاله های پانچاهنمای دکتری تخصصی برگزیده علوم قرآنی است و زحمات نهبه و نظیر آنها به همده جانب آقای دکتر شاکر بوده است و تاکنون سه دفتر از آن منتشر شده و پنجایچه مشکل کاغذ فلج شود دفتر چهارم هم در نمایشگاه تخصصی قرآن کریم ارسال منتشر و عرضه خواهد شد. از

امروزه سرمایه گذاری در حوزه نشر کتاب به هیچ وجه اقتصادی نیست به ویژه که تحقیق و تألیف و ارائه کار خوب تخصصی، هم مدیریت قوی و صاحب اندیشه را می طلبد و هم سرمایه گذاری مناسب می خواهد

همین مجموعه می توان به گرونوژی آیات قرآن اشاره کرد که بیان نامه جناب آقای دکتر نکونام می باشد و آفاق تفسیر جناب استاد مهدوی را که مجموعه مقالات تفسیر پژوهشی است که دفتر اول آن در یک مجله «فصلنامه علمی منتشر شده است. امام علی(ع) و قرآن کاوشی است. در قرآن پژوهش بسیار درخیز توجه و جاذب اهمیت است و از مجموعه پژوهش های قرآن تاکنون ده عنوان منتشر شده است.

از مجموعه پژوهش های حدیثی «مقل الحسین(ع) یا زندگی و عاشورای امام حسین(ع) را می توان نام برد که روایات شمه(ع) است همراه با ترجمه اشن دربار، امام حسین(ع) و زاری رئیس المحلین یعنی شیخ صدوق(ره) می باشد و از این مجموعه هم تاکنون پنج اثر منتشر شده است. در این مجموعه که مناسب با این ایام هم هست کتاب دفاع رمضان و شهادت علی(ع) است. یکی از مشکلات آثار دینی در حال حاضر، افت کیفی آنهاست به گونه ای که شاهد چاپ آثار بی محتوای بسیاری هستیم که بازار نشر دینی را فرا گرفته است و کمتر شاهد چاپ باالیات جدید و طرح ساله هستیم

گفت و گو با بدالله جنتی، مدیر اجرایی مجله آینه پژوهش

پژوهش های قرآنی

بدالله جنتی بنیاد ۱۳۳۰ در دانش آنوختگان حوزه علمیه قم می باشد. فعالیت های فرهنگی خود را از سال ۱۳۶۸ با معارف اسلامی آشنا شروع کرد. این همکاری ادامه داشت تا سال ۱۳۷۲ که مدیریت اجرایی مجله آینه پژوهش را هم به عهده گرفت - و اکنون هم ادامه دارد - که تاکنون ۸۷ شماره از این مجله منتشر شده است. از دیگر فعالیت های فرهنگی و مطبوعاتی ایشان می توان مدیریت اجرایی هم زمان سه مجله آینه پژوهش، نقد و نظر و معارف اسلامی را به مدت سه سال نام برد. در تأسیس مجله های اهل بیت (ع) و راسته به مؤسسه ادبالمعارف فقه اهل بیت (ع) همکاری داشته است. همچنین در راه اندازی مجله حکومت اسلامی، علوم حدیث و برخی از نشریه های قابل توجه قم در حال حاضر علاوه بر مدیریت اجرایی «آینه پژوهش» اشتراکات «هستی نما» را هم اداره می کند که تاکنون بیش از سیست اثر قابل توجه، مقدم دانشیان این مزم و بیم کرده است.

به نظر شما علت چیست و برای تغییر این وضعیت چه باید کرد؟

ببینید، در حوزه دین کارهای خوب و ممتاز هم منتشر می شود اما علت اینکه کتاب های بی محتوا و بازاری هم منتشر می شود این است که امروز سرمایه گذاری در حوزه نشر کتاب به هیچ وجه اقتصادی نیست به ویژه که تحقیق و تألیف و ارائه کار خوب تخصصی، هم مدیریت قوی و صاحب اندیشه را می طلبد و هم سرمایه گذاری مناسب می خواهد. که سرمایه گذار، انتظار برگشت اصل سرمایه حداقل در کمتر از یک سال را نداشته باشد. خوب وقتی در این دو مورد (اندیشه و سرمایه) مشکل وجود داشته باشد، کتاب های به بازار عرضه می شود که هم از لحاظ محتوا و هم در مسائل فنی کمبود جدی دارند. **به نظر شما در یک نگاه اجسالی، نقاط قوت و ضعف نشر دینی کدام اند؟**

در طول ربع قرن غیر متضخ جمهوری اسلامی، نشر دینی در مجموع، کارنامه پررنگ و باارز داشته است. اما این، به آن معنا نیست که همه نیازها را بر همه حوزه های دینی بررسی و ارزیابی شده باشد و مناسب با نیازها و زبان معیار و ادبیات روز و مخاطب، صحیحتر از دیگر فرهنگی تولید شده است. نخستین کار فعال امور فرهنگی، باید شناسایی مخاطب، نیاز او و آمه های هر آورده کردن حساسه آن باشد. نه اینکه سال ها گروهی از محققین کاری را به سامان برسانند و در آخر دنبال این باشند که این مجموعه کجا باید توزیع شود و به درجه سطح تحصیلاتی می خورد و... به نظر من، حوزه فعالیت های پژوهشی و دینی باید محور خاصی داشته باشد که میانه فقه امروز این امرکنند به چشم می خورد. **وضعیت میوزی و اثر آثار دینی چگونه ارزیابی می کنید؟**
و اصولاً پایه میزان به دخالت دولت در کار نشر مستند؟
سأله میوزی کتاب ارتباط نزدیکی به نوع نگارش ناشران به کتاب دارد، مأمفنه در صدور مجوز نشر به افراد، به دانش برخی شناسیگها و توانایی های علمی و تخصصی کمتر ملاحظه می شود؛ برای مثال روزی در محل کارم بودم که یکی از دوستان من زن رنگ زد و پرسید: فرم چیست؟ یا تعجب، علت طرح این سؤال را از او پرسیدم. گفتند: تاکی مجوز نشر کتاب گرفته ام تاکنون می خوام کتابی را با سرمایه نویسنده چاپ کنم و او می گوید قائم چند فرم است.

ببینید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای صدور مجوز نشر، معیارهای دارد که هر شخصی واجد آنها باشد، می تواند مجوز نشر کتاب اخذ کند. ولی به مسائلی از قبیل تخصص، آشنایی با کتاب و امور فنی نشر کتاب، کمتر توجه

می شود؛ با این وضعیت، هر کسی خوش نآشنا با امور کتاب و نشر کتاب، می تواند ناشر شود. از طرف دیگر هر ناشر باید دست کم در سال چهار عنوان کتاب منتشر کند. این وضعیت سبب آشفته شدن نشر کتاب و بازار کتاب خواهد شد که امروز باید اعتراف کرد بیشترین پیامد آن در عرضه نشر آثار دینی ضروری است.

اگر در صدور پروانه انتشار، بیش از این دقت شود و تنها به افراد دارای صلاحیت لازم، مجوز نشر داده شود و بلکه معضایان نشریده گریشی شوند، امر مهم نشر کتاب، به افرادی سپرده شود که با باضای علمی و فرهنگی کشور آشنا باشند و حساسیت های جامعه را بشناسند و اهل مطالعه و کتاب باشند و خود، پیش از انتشار هر اثری، به طرٔ کامل آن را مطالعه کنند، در این صورت است که در واقع خود ناشر، کتاب را میزوی می کند. در حقیقت به تعداد مدیران انتشاراتی، میزوب خواصم داشته هر چند، معضای اصلی ما در خرید و فروش کتاب، گرایش ناشران فعلی است که در حوزه نشر دینی شاهد گرایش ناشران و نویسندگان به احیا و حد اکثر تصحیح و تعقیق متون گذشته هستیم. این کار، اگر چه در جای خود ارزشمند است اما اگر جای ابداع و خلق را بگیرد، زیانبار خواهد بود. نظر شما در این باره چیست؟ و علت این رویکرد و در چه در می دارید؟

ماورث فرهنگی عیب و نقیص همین و موافقین از آن محافظت کنیم. اگر بر گزهای روزینی به آن اضافه نمی کنیم، دست کم باید آن را به سلامت به نسل های بعد منتقل کنیم و بسیاری به گذشته علاوه بر گزهای خوب و نقیص گروهی و آنچه ای، مثل مجموعه ها، معروضه ها یا با جعفره ها و سایر، تک نگاری های ارزشمندی نیز عرضه می کند. که هر کدام در جای خود بسیار ارزشمند می گردند. در گذشته علما و دانشمندان ما می سال مطالعه می کردند، یک رساله می صفحه ای می نوشتند که آخرین سخن در آن موضوع بود، ولی امروز برخی از نویسندگان، کمتر از بی روز مطالعه می کنند و بعد صفحه می نویسند و می سال آن را به عنوانی مختلف خرج می کند. البته امروز هم کم نیستند پایان نامه ها و تحقیقات ارزشمندی که به سامان می رسند. دلیل این سهل انگاری ها و اطاری به هر جهت نویسنده ها، کمتر متذلل و گرفتاری های گزیه، معیشتی و راست است که اهل تحقیق دارند، ولی علت عمده این سهل را باید در جای دیگر جست. آن تحقیقات ما در سطح مختلف متولی خاص و تعریف شده داشت، کارهای ارزشمند، ماندگار و تأثیر گذار در فرهنگ، بیش از این به سامان می رسد.

کاروشی طولانی و دراز دامن ایشان در متون کهن اسلامی، با هدف شناسایی «میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین اسلامی» انتشار یافته است.

دکتر مدرسی با اشاره به هدف خود از این پژوهش، آن را ساهای دکتر می کند و می گوید: زمانی مقاله ای برای یک جشن نامه درباره مواد برجای مانده از کتابی که در منابع متقدم اسلامی به امیرمؤمنان (ع) نسبت داده اند نوشته ام. مقاله چاپ نشد، زیرا جشن نامه ای که مقاله برای آن نوشته شده بود، هیچگاه انتشار نیافت. با این حال، آن تحقیق مرا تشویق کرد که بررسی جامعی درباره دیگر آثار امامیه به عنوان منجم باب مربوط از کتاب تاریخ ادبیات عربی فؤاد سزگین انجام دهم. اما بررسی حاضر، به لحاظ دوره تاریخی، زمان محدودتری را شامل می شود و آن تنها سه قرن نخست تاریخ شیعه است که در کتاب فعلی به دو بخش، مشتمل بر پنج دوره تاریخی تقسیم شده و شامل روزگار امام علی(ع) از پانپان قیبت صغری (سال ۳۱۶م) است. بابی نیز در پایان کتاب به ارزیابی کلی از این میراث مکتوب اختصاص خواهد داشت.

مدریستی تا چه حد لازم می‌دانای؟

جوانان علاقه‌مند باید با بنیادهایی که نگارش امروز جهان بر آنها استوار است آشنا شوند. از هج، چیزی به‌وجود نمی‌آید، اما بنیادونه در کشور ما خیلی وقت‌ها کسانی که می‌خواهند «نوگرایی» کنند فکر می‌کنند که به سنت‌ها باید پشت پا بزنند، در صورتی که «نوگرایی» بدون وجود سنت بی‌معناست.

یکی از نکات اساسی کتاب همین است، یعنی اشتیاق کلی خواننده بعد از خواندن کتاب مدرنیسم این خواهد بود یا گنگ است قوی نیو د چین جریان ادبی برزگی هم امکان نداشت به وجود بیاید.

به نظر من این کتاب می‌تواند برای علاقه‌مندان به ادبیات

بله، امروز دیگر توابع یا استعداد سرشار نمی‌توانند کاری از پیش بیاورند، بلکه پیشرفت و نوگرایی مستلزم کار فراوان، مطالعه بسیار، ریاضت و سختکوشی است و آشنایی با بنیادها.

این کتاب دقیقاً نشان می‌دهد که همه نویسنده‌گان بزرگ به سنت‌های خیلی قوی متکی بوده‌اند.

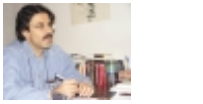
ترجمه کردن-ترجمه نکردن

درباره **ترجمه بعضی از واژه‌ها یا بهتر بگویم ترجمه نکردن آنها هم توضیح می‌دهد؟**

مثل چه واژه‌هایی؟

واژه‌هایی مثل کولتروان، لایونوف و…

ترجمه نکردن بعضی از واژه‌ها می‌باید نبود، مگر آن‌ها برای معادل گذاری کولتروان باید تاریخ موسیقی را از باخ به بعد توضیح می‌دادم تا خواننده



ما نمی‌توانیم از مدرنیسم صحبت کنیم، بلکه باید از «مدرنیسم» صحبت کنیم

متوجه معنای آن نشود، تازه کولتروان در ادبیات، طنین دیگری دارد و مثلاً باید دید سبیل پورتورچکوئه از کولترو پویان استفاده می‌کند…]]
بحث ترجمه نکردن واژه‌هایی که بار فرهنگی و ارزشی بالایی دارند، در چند سال اخیر خیلی مورد توجه است و طرفدارانش هم معتقدند با ترجمه واژه‌هایی مثل **l'espو** لایونوف و… معن و تأثیر آنها از بین می‌رود یعنی می‌گویند این واژه‌ها به قدمت **ابداً بیادمان** معنا دارند ولی **اباً واقعاً ترجمه نکردن** راه حل این مشکل است؟

بعضی واژه‌ها بین المللی‌اند، مثل اتم یا مولکول، شما حتی به چین و ژاپن هم برپوید به مولکول می‌گویید مولکول، حالا یعنی که بین المللی است باید ترجمه بشود.

چه کسی بین المللی بودن یک واژه را تعیین می‌کند؟
مخصوصاً در مورد مفاهیم، اگر ترجمه شوند اصلاً خواننده فارسی‌زبان چیزی از آن درک خواهد کرد؟
قبول کنم که تشخیص افراد مورد بین المللی بودن واژه‌ها متفاوت است. به نظر من لایونوف یک واژه فنی بین المللی است و نباید ترجمه شود. حالا ممکن است کسی بیاید و به من بگوید این واژه بین المللی نیست و معنایش هم این می‌شود، اگر این معادل تمام معنای واژه را به خواننده فارسی‌زبان منتقل کند من قطعاً قبول می‌کنم.

در پاسخ به بخش دوم سؤال شما هم باید بگویم که خواننده خوب به نظر من چاره‌ای ندارد جز اینکه به سراغ فرهنگ لغت برود و مفهوم واژه را دریابد. حتی خواننده انگلیسی‌زبان هم موقع مطالعه کتاب به زبان انگلیسی لازم می‌بیند که به فرهنگ‌های اختصاصی مراجعه کنند، نامم چاره‌ادر زبان فارسی این کار به نظر بعضی‌ها دشوار زبان رسد.

گفتمان معرفتی؛ گفتمان جدید جنگ

ذهن به دو مفهوم «فقدها» و «هجراها» به مثابه خلق تپنده حیات فرهنگی و سیاسی یک ملت جنگ آزرده و جنگ آشنا تاریخ نسل‌های بعدی به سمت نو می‌روح گرایی سوق می‌دهد که زندگی آن از توسل به مراسم و مناسک سوگ با اوج رنگ و رنگارنگ خویش آریزاد برقرار می‌کند و بگونه تاریخ آکنده از آیین و آداب و مراسم باستانی به رسم خود می‌گردد.

روش‌هایی برای تداوم زبان سوگاری ادعا می‌کند. بسیاری زبان رویکردها مدرن درباره جنگ را فقط به همین گونه سیاسی و معاصر، زبانی برسم و عاری از ترمی و آشنگی می‌داند که با آفرینش زبانی حقیقت‌گویانه درباره جنگ بر آن است تا ملت‌ها را از حمل مناسک سیاسی چون «افتحاره» تکلیف «میهن دور»- که ذری است رویکردهای



برحافظه تاریخی ایجاد تحمیل کرده است. برهاند، اما درست آن است که بگویم هیبای گزرنوی شلید چهره جنگ‌ها خود ناشی از پیوند فناوری و جنگ، از این روغن صداقت کتابی و جغرافیایی مفهومی به نام «ایمان مبارزه» و یکی شدن جبهه و پشت جبهه با نظامیان و فرمانبران است. ابعاد فاجعه آنجان عمیق شده که فیزی زبان رویکردهای سنی به انتهای خود رسیده و توان خود را برای ترسیم زرفانی بلایا و مصیبت‌های جنگ از دست داده است.

در عرصه، بر آن سوی نرسسی که زبان رویکردهای به آن گرفتار آمده، راه فراوانی هست که زمین آن‌ها در دو نشان گام‌های زبان رویکردها مدرن را برایشانی خود دارد. این زبان سر آن دارد تا با بازی‌های فلسفه‌های سوگاری به مثابه یگانه عرصه‌هایی که مردگان و زندگان را آنجا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کند و سبیه‌دین مراسم پاسداشت، شوری امام جنگ و تلخی گزنده خاطرات آن را از ذهن و زبان بازماندگان می‌زاید. جهانیان را از نگو سو در برابر تصویر نشان دهنده واقعیت مرگ ایوه قرار دهد و از سوی دیگر راهکارهایی را بیاز کند که زبان به ادیاج مفاهیم و اصطلاحات انتحار آفرین می‌گردد. قلعه بر جانی‌ها و بی‌رحمی‌های وسیله جنگ، این ملیت‌ها آسانتر کند.

زبان رویکردها مدرن، این دو قطعه تصویر برمی‌خیزد و واقعیت مرگ ایوه و برداری بر باغ فراوان ناشی از جنگ را تک‌مرد می‌دهد تا چهره واقعی جنگ را که تنها در پس زمینه جنگ، تحت عنوان تاریخ فرهنگی جنگ، قابل مشاهده است نشان دهد و بر آن است که قطعه فریگاری یا شیبده زبان رویکردها سنتی، در جدا کردن یا گنگستن این دو قطعه تصویر از کنار یکدیگر است. به عبارت دیگر، اسطره‌سازی از کشته شدنگان جنگ به منظور اسلای خاطر بازماندگان، مدیون قطعه

تاریخ علم در سال ۱۳۷۰۰۰، روال در ۷۳۰ صفحه به چاپ رسیده است.



گشده واقعیت مرگ ایوه و غیبت آن از مجموع قطعات سازنده تصویر چهره جنگ است. می‌گمان آن هنگام که در پرتو تابش زبان رویکردها مدرن این قطعه گشده‌های حقی خود را در چارچوب تصویر جنگ بازیند، رساویر اموات جنگ، جلوه‌ها را به صورت گندی دچار خواهد ساخت.

در اصطلاح روستاییان، کشته‌گری دیده‌اند که در توره به آن ذهن را به یک موضوع اساسی دربره جنگ‌ها جهمون می‌کند و آن تداوم حیات یک چیز یا شخص یا پدیده در شکل و نشته دیگر است. بنابراین، تاریخ فرهنگی جنگ به مثابه پس‌زمینه‌ای که قطعات سازنده تصویر جنگ آنجا یکدیگر را کامل می‌کند و لذا مشر و رستایر جنگ در طین آن صورت می‌گیرد، با فراهم آوردن معدمات گفت‌وگویی

جدی درباره جنگ به حیات و پویایی جنگ مدغم می‌رساند یعنی که تکثیرهای جنگ همواره به نومی معلوم‌دهنده بنای جنگ‌ها در شکل و چهره‌ای دیگر بوده‌اند. به موجب کتنده چرخ حیات آنها به این ترتیب رساویر اموات جنگ در دستر تاریخ فرهنگی جنگ بیانگر آن است که زیر لایه‌های گفت‌وگو درباره جنگ، خود جنگ نهفته است با این تفاوت که این بازی‌های گفتگو، کتنه شدنگان جنگ هستند که از طریق مدیوم‌ها یا واسطه‌هایی چون مراسم و مناسک سوگ یا هر گونه نیروی انسانی مدای یا مدای بازندگان سخن می‌گویند. هم از این روست که که آن‌ها تنها بی‌اختنا

سین توان گذشت ز راه آنرا نگویانده فکری می‌خاص هستند با دست که از طریق آنها می‌توان بی‌روغ آسنان‌های هر عنصر معنایی جنگ را بچگونه‌ای از خود حل کرده‌اند.

نظریان مضمون، در شکل و نشته‌های دیگر، در کتاب دوم تحت عنوان «گفتنان جنگ در رسانه‌ها و این‌ها» به بحث چشمو می‌خورد. جسامه‌ای این کتاب اشرف‌ای این نکته است که جنگ پس از پایان‌پذیری سواری، بازگردها قابل گفتنان، فرهنگ، سک و شیوه زندگی به حیات خود ادامه می‌دهد و این به معنای توکن در زرفانی فرهنگ جامعه است. تا جایی که نباید توان گفت جنگ در شکل گزنی از مجرای فرهنگ و باید دید تغییرات اساسی در تعاریف موجود از جنگ تعتمی می‌یابند. البته نکاتی نیست که فرهنگ تیزاز، انگلر و همس و جذب جنگ در خرد، به‌فردی پیچیده می‌بود که درک کامل آن و وفوف به این امر از چه زمان مفهومی به نام فرهنگ جنگ، در طین آن کشش گرفته است. دست کم برای انسان‌هایی که با زندگی خوانان آرایده آورده سپس با آن آید، رسانه، تلخ ممکن نیست.

در این میان مقوله‌ای به نام «گفتنان جنگ، علاوه بر آنکه چارچوبی برای درک فرهنگ جنگ است، به خوبی نقش محوری زبان را در شکل بخشیدن به بخش مهمی از برداشت‌های ادیاج درباره جنگ ترسیم می‌کند. در نشان می‌دهد که چگونه جنگ‌ها را در نقطه گفتنانی هستند و هر جنگی فرامده گفتنان خاص خود را داشت. رواج و روش مفاهیم چون گفتنان بازی‌های زبانی، کشش‌های کلاسی، همنویگند و… در عرصه معنایات جنگ‌یگر ظهور رویکردها جدید در فاسی جنگ است که در آن به نقش یکی و دیگری، به بدیل زبان در گفتن فکری جنگ تأکید می‌شود. این تأکید، هوشندنی آسان کنونی در پی بردن به ارزش و جایگاه زبان-به مثابه عامل مکمل تحمیل‌های موجود از جنگ- و نقش ارتباطی زبان در قطع ضماین و مهمتر از آن، نیازمندی آیدشبه به زبان برای فراز وجود خویش را نشان می‌دهد.

می‌تواند آیدشبه‌ای که جنگ از پیوستن آن برمی‌خیزد به همان اندازه که دارای پیچیدگی‌ها و تناقضات متعدد و معاینه‌است. زبانی دویلهای پیچیده، تناقض‌سرازمیز و تمام‌رس را به کار می‌گیرد که چون آکنده از صنایع ادبی و شکردهای کلاسی نظر استعدادهایم، همکار، مطر، هنر، جهر و… است او هم از این رو بسیار استعداد آفرینش‌های جدید با برداشش واژه‌های موجود را فراهم به تراخز قابل درک و دریافت نیست بگه در پس پشت متن ظاهر ساده جنگ، معرفتی می‌عمل نهفته است که سبتر بر استدالات فکری برای برآوردن کردن جنگ در ذهن انسان‌ها جای دادن فکر جنگ در کانون حیات آنهاست. بنابراین، با این باره‌رشنی‌شاعری- در ژورناله، مطر، کامل خود آگاه نیست و در حکم سبتر فرهنگی جامع مختلف آفرینش‌های میراثی از طین آن جواره زده و بایداند، مزاج زبان علم و معرفت نمی‌توان به گفت‌وگو نشست.

این دو کتاب به همت واحد پژوهش دفتر ادبیات و هنر معاونت حوزه هنری در دست چاپ و انتشار است.

شماره ۱۳، خنیشه ۱۴، آذر ۱۳۹۳ ۲۱



زینت وروز

بهستی خیبری

کتاب در سیاست علمی کشور

گفت و گو با مسعودمهرابی :معاون مرکز سیاست علمی کشور

مسعود مهرابی متولد ۱۳۲۲ است. دانش آموخته رشته جامعه‌شناسی علم در دانشگاه تهران و دانشگاه پاریس است و تاکنون با سمت‌های مختلفی چون مدیرکل همکاری‌های بین‌المللی، مدیرکل دفتر امور پژوهشی، مدیر کل دفتر نظارت بر فعالیت‌های پژوهشی، سرپرست مرکز سیاست‌های علمی کشور در وزارت علوم فعالیت داشته است.

ایشان هم‌اکنون معاون پژوهشی مرکز سیاست‌های علمی کشور هستند. این مرکز در راستای اهداف تریبجی خود به انتشار کتاب‌های علمی نیز می‌پردازد. به این بهانه و همچنین تزییک شدن به هفته پژوهش که مسؤلیت برگزاری آن با این مرکز است با ایشان گفت‌وگویی انجام داده‌ام که در پی می‌آید.

مرکز سیاست‌های علمی کشور را معرفی کنید؟

این مرکز از انقلاب شورای انقلاب تأسیس مرکز تحقیقات ملی علمی ایران را تصویب کرد و با این مصفیقات فرار بود که تعداد زیادی از شوراها و کمیته‌های تخصصی شکل شود. یک مرکز واحد از اقدام شورای کنشرفیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی شورای کنشرفیقات آموزش عالی و شورای پژوهش‌های علمی کشور تشکیل شد.

این مرکز عملاً تأسیس نشد ولی چون تصویب شده بود و اختیاری نیز در ردیف بودجه برای آن تأمین کرده بودند در کنار معاونت پژوهشی وزارت علوم فعالیت کرد. شورای پژوهش‌های علمی کشور نیز منحل نشد و به عنوان دبیرخانه در کنار معاونت بالاخره مرکز سیاست‌های علمی پژوهشی را منحل کردند و کارکنانشان را به مرکزوی به نام مرکز تحقیقات علمی کشور منتقل کردند. این مرکز به عنوان یک پژوهشگاه به تصویب آموزش عالی رسید و با وظایف گسترده‌ای به سرپرستی معاون پژوهشی

شروع به کار کرد.اینکه دو سال قبل دکتر منصوری در مرکز عملاً تأسیس نشد ولی چون تصویب شده بود و اختیاری نیز در ردیف بودجه برای آن تأمین کرده بودند در کنار معاونت پژوهشی وزارت علوم فعالیت کرد. شورای پژوهش‌های علمی کشور نیز منحل نشد و به عنوان دبیرخانه در کنار معاونت بالاخره مرکز سیاست‌های علمی پژوهشی را منحل کردند و کارکنانشان را به مرکزوی به نام مرکز تحقیقات علمی کشور منتقل کردند. این مرکز به عنوان یک پژوهشگاه به تصویب آموزش عالی رسید و با وظایف گسترده‌ای به سرپرستی معاون پژوهشی

شروع به کار کرد.اینکه دو سال قبل دکتر منصوری

کتاب

دولت الکترونیکی ایرانی



موضوع مختلف و برای افراد مختلف از این جمله اند.
شاید کتاب دولت الکترونیک، تجربه دولت آلمان» که با توجه آقای دکتر صیبردشتا، رئیس توسط مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات بیشتر به دانشگاه صنعتی شریف، بو با حمایت دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، منتشر شده است. پاسخی به این سؤال باشد.

جله اول این کتاب که در سال ۱۳۸۳ در ۹۴ صفحه چاپ شده است. ترجمه کاتلیجه راهنمای دولت الکترونیک 880 دولت فدرال آلمان است. یک کتاب فنی است که برای متخصصان تنظیم و منتشر شده است و برای مدیران نیز قابل استفاده باشد. در فصل اول کتاب، دولت الکترونیک اینگونه تعریف شده است: دولت الکترونیک در واقع به مجموعه ارتباطات الکترونیکی میان دولت، شرکتها، شهروندان و کارکنان شهروندان، شرکت‌های تجاری، سایر سازمان‌های دولتی و کارمندان دولت را قلمرو می‌سازد تا از طریق یک وب‌سایت در شبکه اینترنت و بدون محدودیت‌های مکانی و زمانی به اطلاعات و خدمات دولتی دسترسی پیدا کنند و در مقدمه کتاب یک از اهداف اجرائی دولت الکترونیک در ایران تحقیق‌نشدن پدیده‌ها به جمعه علمی و مردم‌میلاری دینی، عنوان شده است.

حال باین تعریف و این هدف و این وضعیت موجود درمی‌باییم که جای خالی کتاب‌های مناسب‌تر و عمومی‌تر تا جقدر در کشور احساس می‌شود. کتاب‌هایی که ضرورت‌ها و نیازها را به زبانی ساده ولی دقیق به مدنیان و مسوولان و کارمندان متقل کنند.
نمایگان ۲۰۰۰ نسخه‌ای این کتاب نشان می‌دهد که کمتر معلمان زیادی را برای آن شناسی کرده است ولی با توجه به متن بعد، به نظر می‌رسد که چنین هدفی دست‌نیافتنی باشد.
باین وجود چاپ و انتشار چنین کتابی را باید به قلم گرفت و به آبندایی نزدیک چشم‌دومش که چه بخواهیم و چه نخواهیم باید به سمت الکترونیک شدن گام برداریم. اگرچه با توجه به تعریفی که در فصل سوم کتاب از ایزوماسون یا خودکاری سازی داده شده است، چندان راه ساده‌ای هم نخواهد بود. خودکارسازی مخصوصاً در مورد فرآیندهای اجرائی‌ای که مردم می‌تود که تازای به اعمال صلاحیت یا صلاحات خاص در نظر گرفتن شرایط خاص فردی نداشته باشد.

با توجه به اینکه تمام کارهای ما از روی صلاحیت‌د و صلاحات خاص پیش می‌رود شاید یکی فرآیند الکترونیک کردن دولت‌ها را با مشکل روبرو کند کسی چه می‌فاند. شاید تا آن روز راه‌هایی اختراع نشده که ممانی و راه‌های مورد استفاده ما در اولت‌ما و آن مهم‌روابط اثرگذار بر روند اجرائی امور را به خوبی بفهمند و بتوانند اساس کار کنند. یک کامپیوتر کاملاً ایرانی که سنگ بنای دولت الکترونیکمان باشد.



است. سری دیگر کتاب‌های خاص در زمینه سیاست‌گذاری یا رشته‌های تخصصی گروه‌ها هم تهیه شده است مثل امپوزانی دانش که به مقالات علم و سیاست‌گذاری‌های مربوطه می‌پردازد. اینگونه کتاب‌ها تخصصی هستند و یک عده خاص با آنها سر و کار دارند.

سری آخر ، کتاب‌های تریبجی هستند که با هدف تشخیص علم از علم مجازی و آشنایی جامعه را به علم منتشر می‌شوند و به وسیله آنها جامعه را به سمت علمی خواندن، علمی فکر کردن و در کل به یک نگرش علمی سوق می‌دهیم مثل کتاب‌های ذرات، چگونه پژوهش کنیم و محله دانشگر.

چرا تریبج کتاب‌ها تا این حد نامناسب است. در کاتفریوشی‌ها دیده نمی‌شوند و در نمایندگانها هم بندرت حضور دارند؟

این ضعف را در کل به یک عده علمی متهم کردیم و سعی بر این است که آنها با از طریق سایر محلات روزنامه‌ها هم معرفی کنیم که امیدواریم این مشکل برطرف شود.

برای هفته پژوهش چه برنامه‌هایی دارید؟

برگزاری هفته پژوهش از سوی وزیریه این مرکز واقع شده و هر ساله از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ باهدف ترویج علم و جلب توجه همگان که امر پژوهش برگزار می‌شود. از طرفی جامعه ما عمدهًتا پژوهش را قبول ندارد و بسیاری از اموری که در کشور اتفاق می‌افتد تجزیه ای دولی در تلاش هستیم که فرهنگ پژوهش را در جامعه رواج دهیم. یکی از ابزارهای این تریبج نیز برگزاری هفته پژوهش است که در قالب آن چند کار انجام می‌شود:تولیع و بخش پوستری معرفی پژوهشگران نمونه جشنواره جوان خوارزمی و نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی.

هر هفته‌ای که برگزار می‌شود برای هر روز آن یک اسم انتخاب می‌شود آیا در هفته پژوهش روزی به اسم انتخاب می‌شود؟

اسم انتخاب می‌شود؟

سال گذشته که نمایشیم ولی اسامال در جلسات در حال بررسی هستیم که روزها را نامگذاری کنیم که فعلاً دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد بعضی معتقدند روزها را براساس فعالیت‌ها نامگذاری شوند (پژوهش - صنعت - پژوهش و فرهنگ)، و بعضی هم نظرات دیگری دارند.

آیا جایگاهی هم برای کتاب‌های پژوهشی در نظر گرفته‌اید؟

در نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی که در طول این هفته برگزار می‌شود کمیته دستاوردها، اختراعات و ابتکارات که به نوعی نتیجه تحقیق و پژوهش بخش هم به کتاب‌هایی اختصاص دارد که از پژوهش و تحقیق به وجود آمده‌اند.

برای اسامال چه کتاب‌هایی در دست چاپ دارید؟
کتاب موسسات پژوهشی کشور که به فارسی و انگلیسی که بعد از ۳۰سال به روز شده و پژوهشنامه مرجع است که تمام پژوهش‌های انجام شده در کشور را شامل می‌شود. همچنین سمای آمار نشر کتاب در ایران را که تمام کتاب‌هایی که در ۲ دهه اخیر چاپ شده‌اند مورد بررسی آمار قرار داده‌ام و یک کشورنگار علمی را.



ای تکیه گاه و بناه
زیارتین لحظه‌های
پریمت و پریشکو
تهایی و خلوت من
ای شط شیرین پر شوکت من!
مهدی اخوان ثالث

خراسان فقه اهل زبان، پناه اهل معنا، معبد اهل ادب،
و شاهکده شعر پانچ فارسی،
بعدا از صرم یک‌گاهه عذبه و مکه در شعان ورمضان،
چند روزی لغت در تهران و باز گریز و این بار خراسان،
که برای ما مآستان و اصحاب، مملکت زیان است،
و سرزمینی آسمنی،
زیارت‌ها و زیارت‌ها و زیارت‌ها،

ما را از زیارت اول، حرم رضوی است؛ زیارت آن غریب
دیگر، در طایران تویس، کامل کنده سفر به خراسان است،
مسجدها، پیشینه‌های راه آفتابیه، به سمت تیس
قدیم طایران، درستانی باز، و نندانه مهدی قدهاری که از
دوستان نابین دانشگاه علوم پزشکی مشهد است، گفتنی‌ها
دارد، تریسیده به کنه هارویه که باید خاسک‌ها غزالی باشد
غده‌های کاشانه سست راست سیر ارشامی می‌دهد، که
قیمت این خانه‌ها بالا رفته، دلال‌های عتیقه آمده‌اند
خانه‌ها را می‌خرند، و بقی، در جست‌وجوی اشیا عتیقه
و من دنبال کنج، و میراث فرهنگی، که تلاش می‌کند این
خانه‌ها را بخرد، تا به چیزی از گذشته ما بسپارد، و من
می‌گویم، انگار ما همت جمعی مان را در این هجوم فقر
معلوم و لغت در تسلیم به دست تفراتر می‌سپرد، می‌بوی
کی‌نمات‌ها، فردی خود را می‌همد و دانشنامه‌ای از عتیقه‌ها
و نقشه‌ها و یادمان‌های کتبی و فرهنگی جمعی مان یعنی
و بی‌فرهنگی، توانا می‌بندد چه شد که اینجور شد؟
یعنی که چه باید کرد؟ از آنجا آغاز کنیم؟

در کنار کعبه، بر فرش سزده‌ها، مراد سزده مهدی
اخوان ثالث (مأمید)، که با چند مبله فزوی و زنجیری، به
محیط‌های آتیلید شده، و در زمینه به شهریور ۹۶ که با دوستان
و خانواده اخوان آمده بودیم برای دفن و تشییع او، که

چندی پیش ماجرایش را در همین سرگودره قلمی کردم،
پسندیدم معلم ادبیات فارسی، خردمندی کلاس سوم رشته
انسانی را آورده بودند، به دیدار مراد فردوسی و اخوان و
صحت با آنها و معلمشان شروع شد، درباره اخوان، که او
روح آگاه زمانه خود بود، و به گذشته بکجه داشت، و روی
افسانه‌های فقه از یادگاران، که آن بزرگ دیگر که آن سزور
در مقبره‌ای عظیم آرمیده، چه بنا، شعر خراساند،
دوره‌هایی اخوان را برایشان خواندم و بعد، کتاب‌های

درسی‌شان را یکی یکی جلوردم گذاشتند تا آخر کرامت
آبی، را که در سال‌های جنگ و ایام شوکت‌باران تهران
گفته‌ام، و در فارسی سوم نظری آمده، برایشان امضا کنیم،
که با حوصله اجابت کردم.

بر سر مراد، ایام، شعر کهنی نشسته بود، حدوداً
بیست‌ساله، و معلم بود که تهافت، و جزو آن جمع
داشتن اموزی قیوت، بزرگ گران خاشکیده ریخته
بود در اطراف قبر، بر کنار برگ‌ها چسبیده زده بود، و معلم
که حساسیت است، از جسش سخن از بچه‌ها که هر
سال در ۲۲ بهمن، سزور مراد فرود جمع می‌شوند، بالاخره
سگوش را داشت، به من محل گذاشت و گفت، شما
اخوان را از نزدیک می‌شناختی؟

می‌گفیدی، ای... غریبا... اگر جوان مدعی شد که کسان را
می‌شود شناخت،
پرسیدم، و قائم آنقدر بود؟
گفتم، همه با قیومیم، اما اگر منظورت اوضاع معیشتی
است، او هم مثل همه، ما یک زندگی ساده می‌آییش، با
یک قران و دو ریال حق‌التألیف و حق‌التحریر و حق‌الوقف،
زندگی می‌کنیم.

و شعر را به مفسون یاد کرد.
و من گفتفم، آفرین، معلم است خراسانی هستی، و
اهل ادب و این چهره‌ها را می‌بانی و خوانده‌ای،
و بعد دوستی از مذهب فقه‌ها را خواندم،
هان ای علی موسوی گرمزودی
آزاده منت مکن این قنمه نان را...

سگودر

Sehail_mahmoudi@yahoo.com

سید حسین مهدی

سلام بر زمن ای باد مرخراسان را

گر در همه نگاه تو یک تائی دارد
از خویش بران مهدی ثالث اخوان را
و گفته، اولاً پانچ هوشمندانه، ظریف، محترمانه
و شاعرانه موسوی گرمزودی، همه چیز را در آن سال‌ها
معلوم کرده این از این تائیه، بیان و درخواست، شاعرانه
است. و بت‌التکریظ، یعنی اینکه اخوان از شرایط و
سختی‌ها و وضع‌هایی که در آن اولین پیش آمده، کلابه
کرده‌اند، اینکه حجاج بوده و نیازمند، که شاعر آبروی فقر
و قناعت نمی‌برد، و او نیز زبیر، و امیدوارم که ما هم
آبروداری کنیم.

از مجموعه مزار کعبه که زدم بیرون، و رفته
مقبره‌التشرای خراسان، همان تریسیده به ورودی مزار
کعبه، و با تفتیبی معلوم و مشخص، و نام‌ها و یادها، جان
گرفته، پیش از ۲۵ سال پیش، مشهد، پشت بیمارستان امام
رضا، خانه استاد محمود فرخ خراسانی، یکی از نامداران
عرصه فرهنگ در خراسان سده اخیر، جمعی که هر جمعه
صبح، به دیدار هم می‌آمدند، انجمن ادبی، یا قدهمی
مستدانه، از زمان مرحوم جعفری، پدر فرخ تا همین چند
سال پیش، که آقای
فرزاد، فرزند فرخ
زاده بود، و جایی با
خوالم‌ام و با
شیده‌ام که استاد
پرگ، ما، حضرت
آقای شعیب کدکنی
دریاه الحنین ادبی
فرخ گفته، در اصل،
دانشگاه ادبیات
خراسان، این خانه و
این محفل بوده، و



الا ان محفل تعطیل است، و مجال نشد تا بریم بنیم آیا
آن خانه یا صفای قدیمی، یا آن حیاط و باغچه‌های دریا
و تالار کاشانه بانکوه، هنوز سرباست، یا نه، متولیان
فرهنگی چرا آن خانه را از ورثا نخریدند، و ضمیمه
شهرداری یا دانشگاه ادبیات یا کتابخانه آستان قدس
نگردند؟!

و در آن محفل، هم‌زمان‌های قدیمی شهیدی،
همدلی‌های تنجی اله، صاحبکار، آیت و جلال احمد
کنالی، پیر خراسانی، و تنگه‌هایی استاد محمد قهرمان،
و گاه که عماد و بدالله قزایی و دیگران و دیگران
می‌آمدند، چه شور و حالی بود، در آن سر، و تا بام
رفته یادگام آن محفل سروده‌های شاعر بزرگ برمی،
آقا یوسف ازغدی، و طنزهای شادروان میرخدوی (با
نام عامه خانک).

و من، که تازه جوان بودم، و به شوقی هر گاه در
خراسان بودم، به آن محفل بانکوه پناه می‌بردم، و
تشریح‌ها می‌دیدم و تحسین‌ها می‌شنیدم از آن بزرگان،
که تا دانش‌های جواهر شاعر دیده بودند، و شعر خوانده
شدند، و بودند، و آن شوقی‌ها و تحسین‌ها همی دلخوشی
و دلگرمی و بیخشان به آن تازه جوان کرامت و بزرگواری،
و کنار مراد این بزرگواران زانوی ارادت زدم، که صاحب
حق می‌بود، نه بر من، و توجه به سنگ قبرها، و شعرهایی
که روی قبرها نوشته شده، و حبیب، که هر شعری،
نماینده سنگ و شیوه سخنوری هر یک از آن بزرگواران،
نمی‌توان این انتخاب شعرها چقدر بر این مینا و آگاهانه
بود.

شعری سنگ قبر کمال خراسانی، برگزیده از
قصیده‌های گویاده و باطنش و تفصاحت، که او قصیده سراییده
و پهلوان، و شعرش نیز همان استواری شخصیت و منش
او را داشت.

هوان گر محترم دارد کسی را با کند خویش
در این مستحضر روزی به پایان آورده کارش
چرا رحل اقامت در ریاط دهر افکند
که می‌اید حسدای الرحیل از بام و دیوارش
چه طرح آرزو زری در این بیغله از غفلت
که می‌بایدش از پیادت از سلف نگویارش
که معلوم است، برخلاف آن همه، همان و چنان و
همان، شعر به مایه معنوی و معنکار، او با طفتت هنوز در
این سرزمین فردوسی و نامرغوس، پدید می‌شود،
این شعری فردی فرشاروان ذبیح‌الله صاحبکار مینوی،
با همان دستمبله سنگ صائبه، متمایل به سبک هندی،
و در عین بردازی، این بیت با ته‌لجه‌ای از مراثیت و در عین

حال با مضمون،
چون رفتم، مغزوبه شمع بر مزار من
چرا بهبودی سوزدی می‌گفمی در کنار من
و مزار استاد احمد گلچین معانی، کسی که دهه‌ها، به
عشق فرهنگ ایران و خراسان و زبان فارسی، در
کتابخانه‌های خراسان معنکف شده بود، شعری فضالاحه،
و در عین حال با دستمبله‌ای از یک آندوه نفسی،
از گوش زنده‌ام آبی به من می‌داند،
رشت آنچه بود و به هیچ به من آرزو نداند،
گلچین معناتی است، مزار گرزودی مهر
یاران کند پادم و گویند یاد نماد
و مزار عماد خراسانی، با آن داندگی و شویندگی، اگه
امیدوارم در همین سرگذر خاطراتی را که یک شب تا
سحرگاه از استاد بزرگ، و متفکر عالیقدر، حضرت دکتر
ابراهیمی دینیانی درباره عماد دیده‌ام یاد کند، شبی که به
دعوت سرکار خاتم خاتم امیری فیروز کوهی، با عزیزم
منوچهر صدوقی (منها) و صدقای صدوقی و حسین
محمودی، یکسری با آن عماد بود و دستمبله‌هایی با مراد
عماد، هر این دوست‌های آندوه بود، که با محبتت نفسی
بود از خود او، و لحن و لجه و موضوع همان آندوه آقا
ماست.

ای شعله عشق خاتلم‌سنبلز
ای جانده و جان‌ستان و جانسوز
هر چند که حاصل تو غم بود
فریان غمت شوم که کم بود
خراسان را بارها و بسیار یاد باید کرد، که در هر کجایی
آن جهانی جلوه می‌کند، جهانی رخ می‌نماید، چراستان،
همیشه خراسان است، و مشرق و مکران را آید، و فرهنگ ما،
اگر خراسان و فرهنگ آن نبود، معلوم نبود که امروز چه
داشتیم، چه می‌کردیم، چه می‌ماندی، یادها را ما، به قول آن
بزرگ قیادینی و تهایی کوشنده
سلام بر زمن ای باد مرخراسان را

یا علی معلم

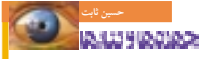
کتاب

به یاد شرف

شرفنامه (یادنامه دکتر
شرف‌الدین خراسانی) که نوشتن
سید محسن میرنوست نثر محرمی
است. در سال ۱۳۲۸
آبان ماه اولین شماره کتاب
شرف‌الدین خراسانی منتشر
شده است. شرف‌نامه است، به‌تواتر
لیتوفه‌ای شاعر و مترجم ایرانی
است.

به گفته گردآورنده، «شرفنامه در ابتدا چندمنه این استاد
حکمت‌بوده است اما به دلیل اصرار مکرر از جانبی بر عدم انتشار
چشم‌انداز، پس از برگزینش به چاپ رسیده است.
کتاب شامل دو بخش تنظیم شده است، بخشی اول که
بهبه یاد دکتر شرف‌نامه در علا، بر مطالعه‌ای از زندگی استاد
پنجتوری به یاد استاد شرف، در بخش فزنی از زندگی استاد
نوشته محمدحاجواد افغانی به یادگیمانه دکتر شرف می‌پردازد و
سپس فهرست آثار او را در عیانت‌الله سجیدی ارائه می‌دهد
بخش دوم که به مقالات اختصاصی داده مقالاتی از
عبدالعسین آذرنگ، ایرج افشار، سیدمحمدعلی جمالزاده،
علی‌اصغر حلی، عیانت‌الله داد و... درباره استاد ثرف‌الدین خراسانی
سیدمصطفی حقین نامه و... درباره استاد ثرف‌الدین خراسانی
آمده است که در آنها به جنبه‌های مختلف تحقیقات و آراء این استاد
پرداخته است.

مجموعه‌ای از اشعار استاد شرف و مجموعه‌های از عکس‌های
او نیز در این کتاب آمده است.
زنده‌یاد دکتر شرف‌الدین خراسانی مجلد ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰
دلیل در فیه و چون در پیشانی آستانه سیدمحمدالله خراسانی سال‌های
کوکی و نوحی و یاد هم‌های کل همان‌ها و چون در، تم
و تهران سوری گردودمی نیز همرا شرف‌اندازش در عراق مایک
بود که به پایه شرف‌نامه در زبان عربی شد.
روی در سال ۱۳۲۲ موق به دریاچه در کوهی قلسه از
دانشگاه کمبریج فقه پس از دانشگاه به اوان سال ۲۲، تیس
در دانشگاه ملی مشهد فقه فقه کنونی (کنونی) در همان سال
دوباره به خارج از کشور سفر کرد و به سال ۱۳۲۷ در دانشگاه
ماریورگ آلمان به فهرست نگاری نسخ خطی پرداخت و مقالات
خود را در قلسه عربی آماده داد.
در باقکت به ایران با وسعه، رسته‌های تحصیلی در دانشگاه،



علی معلم دامغانی



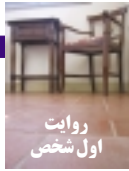
استادعلی معلم
دامغانی در یازدهم آذرماه
۱۳۳۰ در شهر دامغان به
دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی
را تا اخذ مدرک دیپلم در
سمن و شاهرود گذراند و
در این ایام علاقه‌اش به
شعر و ادبیات پیش از پیش می‌شد. وی سپس
برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در
دانشگاه‌های حقوق و ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تهران تحصیل کرد. استاد معلم که
معاون فرهنگی حوزه هنری سازمان تبلیغات
اسلامی است، در زمینه تدریس و تحقیق در
عرصه‌های شعر، موسیقی و ادبیات نیز فعال
است.

استاد معلم عضو شورای شعر وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی است و تاکنون بیش
از بیست مرکز موسیقی سازمان صدا و سیما را بر
عهده داشت و همچنین در عرصه ارائه نیز، از
هنرمندان پرکار است. وی طی سال‌های اخیر
مجموعه برنامه‌های را در برابر، خانقانی اجرا
می‌کرد که از شبکه چهارم سیما پخش می‌شد.
استاد علی معلم که حضور در مجالس‌های
مختلف ادبی را در کارنامه خود ثبت کرده
است، در نخستینمایش چهره‌های ماندگار،
در سال ۸۰ به عنوان چهره یادگار رشته شعر
ادب فارسی برگزیده شد.
مجموعه شعر رجعت سرخ است و آه
دیگری گزیده ادبیات معاصر که در سال ۱۳۷۸
سوی نشر کتاب نیتسان منتشر شد.

زبان‌های خارجی و تبدیل آن به دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
گروه آموزشی فلسفه را در آن دانشکده پیمان نهاد
وی به سال ۱۳۶۸ مدرس و مدیر گروه فلسفه دانشکده ادبیات
و علوم انسانی بود و این سال، او در ادبیات و تحقیق و نگارش تاریخ
فلسفه غرب پروفس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۴ از تدریس
منع شد اما تا سال ۶۵ به حضور خود در دانشکده و انجام تحقیقات
آمده داد پس از بازگشتی در سال ۶۵ با آغاز کار با مرکز
فلسفه و فقه بزرگ تالاسی بود، برای زندگی آفاق‌اند که
تا پایان عوش ادامه دادند. دکتر خراسانی در مسجدها، چهارم
آبان ۱۳۷۲ بر اثر حمله قلبی درگذشت.

زین کتاب از ترجمه و تألیف ده‌ها مقاله و مقدمه و شعر
چاپ شده و چنانچه مقاله است از میان کتاب‌های وی می‌توان به
تحقیق فیلسوفان یونان از سقراط تا ارسطو، از بیرون تا افلاک،
مناظرنگ عشق، و اشاره کرد.

صاحب امتیاز:
خانه کتاب ایران
مدیر مسؤول: احمد مسجدجامعی
سردبیر: علی اصغر رمضانپور
امور فنی: گلرنگ گرافیک
لیتوگرافی و چاپ: ایران انجابت
نشانی: خیابان قائم مقام فرهادی
اول فجر (جنب)، شماره ۹، طبقه دوم
۱۳۳۵۳۳۲۲۲
تلفن: ۰۲۱۳۷۵۲۲۴۲۴
نشانی اینترنتی:
http://www.ketabehafteh.ir

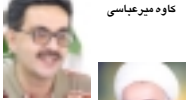


ترجمه اولین روزمان سورنالیستی
کاور: میرزهایی، مترجم: آلان رمان هابی که آماده انتشار با زیر چاپ دارم، یکی کدام فاجعه که نویسنده اش آندره برتون شاعر و نویسنده سوررئالیست فرانسوی است. در حقیقت این کتاب اولین روزمان سورنالیستی است که به فارسی ترجمه می شود و تا پیش از این خوانده بود یک روزگردترین پلیسی نویسمان آلمانیون ما سترل و دیاج لارنس است و علاوه بر زمان برویاه از این نویسنده از ترجمه کرده بودم که سال گذشته منتشر شد. نشر زمان ماژور و گزلی انتشارات لوح فکر است.

درمان پلیسی ترجمه کرده ام که در انتشارات لوتیفر چاپ و منتشر کند. یکی به نام مصطفی که با ستاره شمال آمده که نویسنده اش ژوز سیمون پلیسی نویسی مشهور فرانسوی است و دیگری هم به اسم اقل در کتیبه مرکزی، از بزرگترین پلیسی نویسمان آلمانیون ما سترل و لکتون مونتالیان است. یک کتاب دیگر از مجموعه نسل فطرم در دست چاپ دارم به اسم زندگی ژان ژرودو که نشر ترجمه منتشر می کند. در دوره برتون بلدیگریم که تاکنون دو کتاب رایج به آندره برتون در ایران ترجمه و منتشر شده که یکی زندگیمانه اول بود که در مجموعه نسل فطرم با ترجمه خودم به بازار آمد و دیگری کتاب سوررئالیسم که مجموعه گفت و گوهی با برتون با ترجمه آلفی گزوی بود. غیر از این هیچ اثری از برتون در ایران ترجمه و منتشر نشده است. کتاب چاپ لوتیفر اولین ترجمه است از آثار برتون اولین زمان سوررئالیستی است که منتشر می شود. یعنی یکی از زیباترین زمان های علاقه مند سوررئالیستی است و فکر می کنم برای علاقه مندان ایرانی که از سوررئالیستی خیلی شنیده ولی نمونه ای خواننده جذابیتی خاصی داشته باشد. این زمان احتمالاً باید طی هفته های آینده چاپ و منتشر شود. زمان ماژور و گزلی هم برای محور چاپ تحویل روزگرت لوگنک و ژانده اسلامی شده. منوع این زمان مثل اکثر آثار لارنس بسیار زیاده و زمان برتون برای کل تاریخ پلیسی نویسی انتخاب شد. از کتاب های دیگر میاه گیوین و زندگی اوزن بونسکی است که سایه گیوین را طرح نو و

بونسکی را نشر ماهی در دست تجدید چاپ دارند. البته اغلب این آثار می بایست تاکنون منتشر می شود که اسم آن امید در کام مومدی است. به این علت این اسم را روی کتاب گذاشتم که فردون توتلی ایندا در حوزه شعر در عرصه نوگرایی قلم می زد و در آخر برگشت به سنت گرایی. من این کتاب را به این ماست نوشتم. خلاصه آنست داشته که چرا توتلی از این نوگرایی به سنت گرایی برگشته است.

امید در کام نوییدی
مهدی برهام، مستقن، آلان نشر آبی کتابی از من در دست چاپ دارد و هفته دیگر منتشر می شود که اسم آن امید در کام مومدی است. به این علت این اسم را روی کتاب گذاشتم که فردون توتلی ایندا در حوزه شعر در عرصه نوگرایی قلم می زد و در آخر برگشت به سنت گرایی. من این کتاب را به این ماست نوشتم. خلاصه آنست داشته که چرا توتلی از این نوگرایی به سنت گرایی برگشته است.



کاور: میرزهایی
حسین والقی

رایج به مصطفی کتاب های زیادی نوشته شده. اما من در جهان چندین ترجمه رایج به مصطفی کتابی را از نوشته همت دیگر این کتاب رایج به یک آمریکایی است که پس از پنجاه سال شرحی نوشته پیرامون آن سال های یک صاحب هم ضمیمه این کتاب کردم رایج به انقلاب و روس ها و اقتصاد ایران، این مصاحبه را یک ماهنامه به اسم ایلانیه را من داشته که ماه گذشته منتشر شده بود و حالا به عنوان بی گفتار در این کتاب آورده ام. آنچه که رایج به مصطفی گفته و آنچه که روزنامه ای داشته به نام شرقی، میاه مقصدی او مطالب آن به شکل خلاصه موجود است. کتاب امید در کام نوییدی، که محور زندگی و اشعار فردیون توتلی است در حدود ۲۵۰ صفحه است.

هنگام با پایامیر در حجة الوباع
حسین والقی، نویسنده، کتابی که من تا یک هفته دیگر به بازار کتاب عرضه می شود هنگام پایامیر در حجة الوباع، نام دارد و سرنامه حج حضرت رسول است. پایامیر گرمی پس از هجرت به مدینه - به جز عروه و هاه فقط حج گزار و در آن آخرین سال زندگی و چند ماه پیش از رحلتش بود. در سال دهم هجری نبویه مسلمانان که او تصمیم پایامیر آگاهی یافتند توزه برگرفتند و بار سفر بستند تا با پایامیر گرانزد.

تا آن روز ۲۳ سال از آغاز اسلام گذشته بود و مسلمانان که غربت و سختی، فطنتی و نامتی، جنگ و آوارگی بسیار دیده بودند در انتظار چنین روزی بودند تا شوکت و رونق اسلام را بیگردند و با امنیت و سرزندگی به حج روند و برای اولین بار حج اسلامی را از پیشوا خود بیاموزند. حضور نبویه پیامبران در این سفری که رفت و برگشت نزدیک به هزار کیلومتر طول راه دارد نشان دهنده اشتیاق و انتظار آنان برای چنان روزی بود.

کاور: میرزهایی
حسین والقی

به هزار کیلومتر طول راه دارد نشان دهنده اشتیاق و انتظار آنان برای چنان روزی بود. آموزش و سیاسی بود. بعد از یازده و آموزشی آن روزین است اما بعد سیاسی آن از این جهت بوده که هیبت و همنه و همبستگی آنان را به نمایش می گذاشت و در حقیقت یک نمایش قدرت و شکوه مسلمانان به حساب می آمد و به تعبیر امروزی یک نظارتهای عمومی و رژه غیر نظامی تلقی می شد که دل نوسلمانان را متکم می ساخت و برای مسلمانان و مشرکان می آورد.

کتاب های بی بی امیر پس از هجرت به مدینه - به جز عروه و هاه فقط حج گزار و در آن آخرین سال زندگی و چند ماه پیش از رحلتش بود. در سال دهم هجری نبویه مسلمانان که او تصمیم پایامیر آگاهی یافتند توزه برگرفتند و بار سفر بستند تا با پایامیر گرانزد.



وحدت و کثرت
الاحارمه وحدت و کثرت، عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

انتقاب و اوزان
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

مختار بیست در ماتیک
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

چند جیبانی شدن
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

رستم برهقه حماسه
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

مکاتبات تیمورتاش
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

آخرین زندگی زمانه
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

توضیح نائیه آخر
آفتاب و آوازه عنوان کتابی از اکثر توحیدل است. نویسنده این کتاب با توجه به ساله وحدت و کثرت و جایگاه و اهمیت آن در فلسفه به بحث پیرامون آن پرداخته است. اشارات برهمن در تارک چاپ این کتاب است.

اهل‌ولما

مجموعه کتاب‌های ارزشمند و نفیس از نویسندگان برجسته و محققان نامدار در زمینه تاریخ، ادبیات، فلسفه و علوم اجتماعی. این مجموعه شامل آثار کلاسیک و معاصر است که برای علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ ایران و جهان بسیار ارزشمند است.

تعداد: ۱۰ جلد | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مکتب‌ها

مجموعه کتاب‌های ارزشمند و نفیس از نویسندگان برجسته و محققان نامدار در زمینه تاریخ، ادبیات، فلسفه و علوم اجتماعی. این مجموعه شامل آثار کلاسیک و معاصر است که برای علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ ایران و جهان بسیار ارزشمند است.

تعداد: ۱۰ جلد | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تهران - خیابان انقلاب اسلامی - بین خیابان اروپا و دانشگاه - ساختمان فردین - طبقه نهم
 خطوط پستی: ۲۹۹۸، ۱۵۸۷۵ - تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۹۸۵